۲۴۳

۳۰ مجلس

ضیافت الهی

مباحثی پیرامون ماه مبارک رمضان
به ضمیمه خطبهٔ شعبانیهٔ پیامبر اعظم (ص)
و اعمال ماه رمضان



صفر فلاحی

بسم الله الرحمن الرحیم

ضیافت الهی

نویسنده:

صفر فلاحی

ناشر چاپی:

زائر- آستانه مقدسه قم

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

ضیافت الهی

مشخصات کتاب

سرشناسه : فلاحی، صفر، ۱۳۴۸ -

عنوان و نام پدیدآور : ضیافت الهی : مباحثی پیرامون ماه مبارک رمضان به ضمیمه خطبه شعبانیه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم و اعمال ماه رمضان / نویسنده صفر فلاحی.

مشخصات نشر : قم: آستانه مقدسه قم، انتشارات زائر، ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری : ۲۳۲ ص.

فروست : : آستانه مقدسه قم، انتشارات زائر؛ ۱۱۳.

شابک : ۱۵۰۰۰ ریال : ۹۷۸-۹۶۴-۸۵۶۷-۹۲-۲

یادداشت : عنوان روی جلد: ۳۰ مجلس ضیافت الهی: مباحثی پیرامون ماه مبارک رمضان به ضمیمه خطبه شعبانیه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم و اعمال ماه رمضان.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

عنوان روی جلد : ۳۰ مجلس ضیافت الهی: مباحثی پیرامون ماه مبارک رمضان به ضمیمه خطبه شعبانیه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم و اعمال ماه رمضان.

موضوع : دعای شعبانیه

موضوع : رمضان

موضوع : روزه (اسلام)

رده بندی کنگره : BP۱۸۸/ف۸۳ض۹ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۴

شماره کتابشناسی ملی : ۱۵۱۰۴۶۱

ص: ۱

اشاره

ضیافت الهی

مباحثی پیرامون ماه مبارک رمضان

به ضمیمه

خطبه شعبانیه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله وسلم

و

اعمال ماه رمضان

فهرست

ص: ۷

(۱۶)

شب قدر ··· ۱۲۱

ص: ۸

ص: ۹

ص: ۱۱

پیش گفتار

بسم اللّه الرحمن الرحیم

پیش گفتار

«شهر رمضان الذی انزل فیه القرآن هدیً للناس و بیّناتٍ من الهُدی والفرقان».(۱) ماه رمضان است که قرآن در آن نازل شده تا هدایت مردم و بیاناتی از هدایت و جداسازنده حق از باطل باشد.

مهمانی خدا

بخشی از مسائل و معارف عالی اسلامی را علاوه بر اصول عقاید و... اخلاق، مسأله عبادات و احکام عبادی تشکیل می دهد. عبادتها یا واجب است یا مستحب. بعضی از عبادتها، در یک مکان خاص و در یک زمان معین باید صورت گیرد، مثل حج که با موجود بودن شرایطی واجب می گردد. از عبادتهای مهم، روزه است. هر چند روزه در طول سال به جز روزهایی که روزه گرفتن حرام است قابل انجام می باشد، لکن روزه واجب در طی ماه مبارک رمضان است. ماه مبارک رمضان تنها ماه قمری است که در قرآن کریم از آن نامی به میان آمده است. خدای متعال در سوره مبارکه بقره، ماه رمضان را ماه نزول قرآن کریم که کتاب

۱- ۱. بقره، ۱۸۵.

هدایت و سعادت است قلمداد فرموده اند.

ماه مبارک رمضان طبق ادله نقلی فراوان ماه روزه گرفتن، عبادت و ماه نزول قرآن کریم می باشد.

این ماه، ماه مهمانی خدا، دارای شرافت، فضیلت، عظمت و کرامت است. پیرامون هیچ یک از ماههای سال به اندازه این ماه مطلب از اولیای دین به ما نرسیده است.

ماه رحمت

طبق روایات، لحظات و ثانیه های ماه رمضان با هیچ لحظه و ثانیه ای قابل مقایسه نیست. در خطبه شعبانیه پیامبر عظیم الشأن اسلام آمده است: «قد اقبل الیکم شهر اللّه بالبرکه والرحمه والمغفره... و دعیتم فیه الی ضیافه اللّه».(۱)

ضیافت الهی چیست؟ و چگونه است؟ آیا این مهمانی به مهمانی های دنیایی شباهتی دارد؟ چه کسانی را در این مهمانی راه می دهند؟ غذای این مهمانی چیست؟ پذیرایی کنندگان چه کسانی اند؟ بالاخره این ضیافتگاه رحمانی کجاست؟

جواب این سؤالات در بخشی از سخنان امام خمینی رحمه الله آمده است که نقل می کنیم؛ سخنانی که در عین سادگی، از عمق و عرفان بالایی برخوردار است: و این دعوتی که خدای تبارک و تعالی به حسب آن چیزی که از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) منقول است که (دعیتم فیه الی ضیافه اللّه) ضیافت چی هست و کی پذیرفته است

ص: ۱۴

۱- ۱. «بحار الانوار»، ج۹۶، ص۲۵۵.

این ضیافت را، و برای مقدمات پذیرش، این زیارت، این ضیافت چی هست و خود ضیافت چی هست. باید عرض کنم که غیر از رسول اکرم ـ صلی الله علیه و آله ـ کسی به این ضیافتی که خدای تبارک و تعالی دعوت کرده است، آن طور که او اجابت کرده است کسی اجابت نکرده است.

دعوت مراتب دارد. اجابت هم مراتب دارد. آن مرتبه اعلاء اجابت آنی است که پس از حصول مقدمات و ریاضاتی که رسول خدا ـ صلی الله علیه و آله ـ کشیده اند منتهی شد به اینکه خدای تبارک و تعالی از او ضیافت کرد به نزول قرآن.

قرآن نعمت الهی

قرآن آن نعمتی است که در ضیافتی که از رسول خدا شده است، آن نعمتی است که در آن سفره ای که از ازل تا ابد پهن است پیغمبر اکرم برخوردار از آن بوده، و مقدمات، آن مقدماتی است که سالهای طولانی ریاضات معنوی کشیده است تا رسیده است به آنجایی که لایق این ضیافت شده است؛ و مهم قضیه اعراض از دنیاست.»(۱)

طبق بیان فوق، باید گفت این ضیافت و مهمانی هم از نظر زمان و مکان و از نظر سفره مهمانی مهم ترین و ارزشمندترین ضیافت است.

۱- ۱. صحیفه امام، ج۱۷، ص ۴۹۰.

زیور بندگی

بی تردید آنان که می خواهند به درگاه الهی بار یابند، باید به زیور بندگی و گوهر تقوا آراسته باشند. چرا که مهمترین خصوصیت اولیای الهی و پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله ، بنده خدا بودن است. ما هر روز حداقل ۱۰ مرتبه در نماز، ابتدا به بندگی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم سپس به رسالت ایشان شهادت می دهیم... بدون پاکی، طهارت و طی راه عبودیت امکان حضور وجود ندارد. آنان که عشق حضور و لقا در وجودشان شعله می کشد ابتدا رسم مهمانی می آموزند. سپس در مهمانی شرکت می جویند که میزبان رسم مهمان نوازی و ضیافت را خوب می داند.

عجب ماهی است ماه رمضان. ماه ساخته شدن، مهیا گشتن برای یک مهمانی آسمانی، عرشی و ملکوتی. بشنوید فرمایشی گهربار از صحیفه سجادیه امام زین العابدین علیه السلام در دعای هنگام ورود به ماه رمضان(۱): «ماه خدا، ماه روزه گرفتن و روزه داری، ماه اسلام [تسلیم]، ماه پاکی و طهارت، ماه قیام برای خدا و عبادتهای شبانه، ماه نزول قرآن...».

روح لطیف

این ماه شریف در این دنیای پر تلاطم و عالم خاکی گویی قطعه ای است از بهشت و رضوان الهی.

ص: ۱۶

۱- ۱. دعای چهل و چهارم «صحیفه سجادیه».

توصیف ماه مبارک رمضان در بسیاری از احادیث چنین آمده است: «ماه برکت، رحمت و مغفرت، ماهی که خواب بندگان روزه دار ارزش عبادت می یابد، سکوتشان چون تسبیح پروردگار است، دعای ایشان به استجابت نزدیک است و...».(۱)

انسانهایی که در طول سال، ماه و روزها از همه مواهب حلال الهی بهره می جسته اند، در ماه مبارک رمضان در ساعاتی حتی از حلال چشم می پوشند با آموزشهای الهی به تقویت جنبه معنوی و ملکوتی خویش می پردازند. چه روحها و روانهایی که در این ماه شریف لطافت می یابند، چه قلبهایی که رقت و شفقت را آموزش می بینند. چه بسیار چشمانی که از بخل دست برداشته، با جاری ساختن اشک، غبار غربت را با نوای «انی قریبٌ اجیب دعوه الداع اذا دعان» می شویند.

اگر ماه رمضان را کلاس انسان سازی خدا، مرکز و محل تربیت رحمانی بنامیم سخن بی دلیل نگفته ایم.

کلاس انسان سازی

همه ما توجه داریم که در راه تعالی و رشد، همیشه، انسان با موانع بزرگی مواجه بوده است؛ وسوسه های درونی و بیرونی، احساس قدرت، خود برتربینی، عجب ها و دهها مسأله دیگر از موانع سر راه رشد بشر بوده و هست.

زدودن غبارهای غفلت و رها شدن از بند دیو نفس زمینه و

۱- ۱. نک: «بحار الانوار»، ج۹۶، ص۲۵۵.

شرایطی می خواهـد که انسـان در آن از خـواب غفلت برخیزد و زنـگ خطر برای او به صـدا درآیـد. مگر نه این است که مـاه مبارک رمضان مجموعه ای است از آموزه های آموزنده، کارساز، دقیق، با ظرافت و بیدار کننده درون خفته انسان.

آموزه هـایی چون توجه به مبـداء هسـتی، حس نوع دوستی، توجه به دیگران، به یـاد قیـامت بودن، حسـاب و کتـاب روز جزا، مجاهـده بـا نفس امـاره، ایثـار، تلاـوت کلاـم وحی، انس با قرآن، دعا، مناجات، خلوت با محبوب، و... بـدون تردیـد مفاهیمی تربیت بخش هستند و می توانند انسان را به ضیافت الهی رهنمون سازد. آنان که با ماه مبارک رمضان همراه می شوند و دل به دلدار همیشه جاوید می سپارند اعراض از دنیا برای ایشان آسان و لذت بخش است.

به اندازه وسع

امام خمینی قـدس سـره که یکی از حجت های الهی برای ما بود، می فرمایـد: «آن چیزی که انسان را به ضـیافتگاه خدا راه می دهـد این است که غیر خـدا را کنـار بگـذارد، و این برای هر کس میسـور نیست؛ برای افراد انگشت شـماری که در رأس آنها رسـول اللّه است میسور بود. آن توجه قلـبی به مبـدأ نور و اعراض از مـاورای او، او را لاـیق کرد به ضـیافت اللّه و لاـیق کرد بر اینکه قرآن یکمرتبه به طور بسیط در قلب او وارد می شود...».

امام ــ رضوان اللّه علیه ــ در بخش دیگری از سخنان خود، توجه

ص: ۱۸

به غیر خدا نداشتن و غیر او ندیدن را مقدمه ورود به ضیافت الهی می داند.

سپس می فرمایند: «در اینجا باید عرض کنم که از همه مردم این معنا [اعراض از دنیا] مطلوب است، و اگر بخواهند در ضیافت خدا وارد بشوند به اندازه وُسع خودشان باید از دنیا اعراض کنند و قلبشان را از دنیا برگردانند...».(۱)

عنایت و دقت در این کلمات برای همه ما مایه امید و دلگرمی است، به شرط آنکه زرق و برق دنیا و عیش بارگی بر ما مستولی نگردد. ان شاء اللّه.

مجموعه ای که با عنوان «ضیافت الهی» پیش روی شماست، بحثهایی است که در یکی از مراکز اداری برای جمعی از کارکنان آن مجموعه صورت گرفته است؛ ولکن به نظر رسید بعد از یک بازنگری مختصر به همراه اضافات و ذکر منابع چاپ آن برای خوانندگان محترم مفید خواهد بود.

تذکار

۱ــ بحثها حالت گفتاری داشته، و لذا در بازنگری سعی شده است به حداقل تصرف اکتفا شده شیرینی گفتار در متن باقی بماند؛

۲ــ در ضمن بحث، تذکراتی احیانا به دوستان حاضر به عنوان کارکنان خدوم در نظام اسلامی داده شده است که برخی از آنها را

۱- ۱. «صحیفه امام»، ج۱۷، ص۴۹۰.

در متن آورده ایم؛

۳ـ مدت بحث حدود بیست دقیقه بوده است و بیشتر جنبه موعظه و تذکر اخلاقی داشته است، از بحثهای سلسله به صورت کلاس رسمی درس و طرح کردن بحثهای علمی و تخصصی پرهیز شده، ولذا چاپ آن را برای استفاده عموم مفید دانستیم؛

۴ـ در پایان خطبه شعبانیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم به همراه ترجمه جهت استفاده بیشتر آورده شده است؛

۵ـ با توجه به اینکه بحث روزه از مباحث مهم و اساسی است و مبلغین بزرگوار در ایام ماه مبارک از کتب پیرامون آن استفاده می نمایند، در پایان روایت هایی درباره ارزش و جایگاه روزه به همراه مصادر و منابع و اعمال ماه رمضان و شبهای قدر جهت استفاده بیشتر آمده است.

در پایان لازم می دانم قدردانی و سپاس خود را از استاد بزرگوار جناب حجه الاسلام و المسلمین آقای دکتر عابدی و همچنین برادر گرامی حجه الاسلام و المسلمین آقای ناصر باقری بیدهندی به خاطر ملاحظه اثر حاضر و راهنمایی جهت غنی تر شدن آن اعلام نمایم.

امید است مجموعه حاضر برای کلیه خوانندگان گرامی مفید فایده باشد.

الحمد للّه ربّ العالمین

قم المقدّسه

صفر فلاحی / ۱۳۸۴

ص: ۲۰

(۱)

بسم اللّه الرحمن الرحیم «کتب علیکم الصیامُ کما کُتِبَ عَلَی الذین من قبلکم لعلکم تَتَّقُونَ».(۱) ای کسانی که ایمان آورده اید روزه بر شما واجب شده همانطور که بر اقوام قبل از شما واجب شده بود شاید باتقوا شوید.

حلول ماه

حضرت ولی عصر علیه السلام انسان کامل، محل نزول برکات و اتصال دهنده بین مخلوق و خالق است. طلوع ماه مبارک رمضان را به محضر آن بزرگوار که ولی نعمت ما هستند و همگان تبریک باید گفت. شروع ماه مبارک رمضان همان بشارت رسول خدا صلی الله علیه و آله است که فرمود: «قد اقبل الیکم شهر اللّه بالبرکه والرحمه والمغفره»(۲)؛ ماه مبارک رمضان با تمام برکات آسمانی که خدای متعال برای شما در نظر گرفته به شما روی آورد با مغفرت و رحمتش.

۱- ۱. بقره، ۱۸۳.

۲- ۲. «بحار الانوار»، ج۹۶، ص۳۵۶، به نقل از «عیون اخبار الرضا علیه السلام ».

شرح و بیان ماه مبارک رمضان از زبان امثال ما ناقص خواهد بود، زیرا ما ناقص هستیم و حال آنکه ماه مبارک رمضان منتسب به خدا و «شهر اللّه الاکبر» است. حضرت امام باقر علیه السلام از قول امام علی علیه السلام نقل می کند که فرمود: «نگویید رمضان آمد و رمضان رفت، بلکه بگویید ماه رمضان آمد و ماه رمضان رفت؛ چون رمضان اسم خدا و یکی از اسماءاللّه است.»(۱) در حدیثی دیگر از امام علی علیه السلام نقل است که «لا تقولوا رمضان و لکن قولوا شهر رمضان فانکم لا تدرون ما رمضان»(۲) نگویید رمضان، لکن بگویید ماه رمضان به درستی که شما نمی دانید رمضان چیست و چه ارزشی دارد.

بیان ماه رمضان انسان کامل می خواهد، اما به همین اندازه که بتوانیم از برکات آن استفاده نمائیم غنیمت است.

ریزش گناهان

باید به اندازه وسع و توانمان این ماه را شناخته و بهره ببریم. لغت «رمضان»(۳) به معنای ریزش برگ درختان در پاییز است. علت این نام برای ماه مبارک رمضان به این خاطر است که می فرمایند در ماه مبارک، گناهان بندگان، مسلمین و مومنین مانند ریزش برگ

ص: ۲۲

۱- ۱. «اصول کافی»، ج۴، ص۶۹ و ۷۰؛ «بحار الانوار»، ج۲۴، ص۳۹۶.

۲- ۲. «بحار الانوار»، ج۹۶، ص۳۷۷.

۳- ۳. در کتب لغت معانی دیگر هم برای «رمضان» گفته شده است.

درختان در پاییز می ریزد.(۱) به همین دلیل اسم این ماه را رمضان گذاشته اند... .

در این ماه یک عفو عمومی شامل حال همه می شود. همانطور که گاهی مثلاً می شنوید رییس قوه قضائیه به مقام رهبری می نویسد که عده ای مشمول عفو عمومی قرار بگیرند، در ماه مبارک رمضان هم عفو عمومی شامل حال بندگان می شود. این عفو عمومی از راههای مختلفی تحقق می یابد: یکی از آن راهها غل و زنجیر شدن شیطان است که شیطان در این ماه به زنجیر کشیده می شود.(۲) عبادتهای گوناگون با اجر و مزد فراوان و... راه دیگر همان گرسنگی و تشنگی است که انسان را به یاد گرسنگی و تشنگی روز قیامت می اندازد. اینها همه زمینه ای است برای رشد و تربیت. امام صادق علیه السلام فرمود: «گرسنگی و تشنگی برای رقت قلب است؛ و انسان با همین حال گرسنگی و تشنگی به یاد گرسنگی و تشنگی قیامت می افتد».(۳)

اینها همه راههای پرورش، تربیت و ساخته شدن انسان است. آنچه موجب می شود انسان دچار خطا و اشتباه گردد غفلت از یاد و قدرت الهی است. ماه مبارک رمضان با شرایطی که دارد برای روزه دار حال ذکر است. در صورتی که انسان در حال ذکر و توجّه

۱- ۱. «بحار الانوار»، ج۵۸، ص۳۴۱.

۲- ۲. «بحار الانوار»، ج۶۳، ص۲۶۱/ ۲۰۵ به نقل از اصول کافی، ج۹۶، ص۳۶۰.

۳- ۳. همان، ج۹۶، ص۳۵۶.

باشد از ساخته شدن و تهذیب غفلت نخواهد کرد، و این ماه شریف ماه عاقبت اندیشی هم هست.

رسیدن به خدا

هر کجا صحبت از ماه رمضان است نتیجه آن تقوی، به خدا رسیدن و رستگاری است.(۱) هر یک از ماه رمضان، ماه شعبان و ماه رجب به یکی از بزرگان منتسب است. ماه رمضان منتسب به خدای متعال است، ماه رجب منتسب به امیرمومنان علیه السلام و ماه شعبان منتسب به رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم است.(۲) اما چرا ماه رجب و شعبان مقدم بر ماه رمضان هستند؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «انا مدینه العلم و علیٌ بابها؛(۳) من شهر علمم و علی علیه السلام به منزله در این شهر است». باید از در ولایت وارد شهر نبوت شد و از راه نبوت وارد خانه توحید شد. و اگر از ماه رجب و شعبان که به عنوان مقدمه این ماه قرار داده شده اند بهره برده شود، از ماه رمضان منفعت و سود بیشتری حاصل خواهد شد.

در «عنوان الکلام» مرحوم فشارکی از «خلاصه الاخبار» نقل می کند: «عده ای از انسانها زمانی درختی را می پرستیدند. انسان

۱- ۱. بقره، ۱۸۳.

۲- ۲. «بحار الانوار»، ج۹۶، ص ۳۴۰؛ ج۹۶، ص۳۵۶ و۳۶۴؛ ج۹۷، ص ۸۰ و ۸۱؛ ج۱۰۷، ص۱۲۵.

۳- ۳. «مناقب ابن مغازلی»، ص ۸۰؛ «بحار الانوار»، ج۱۷، ص۴۱۹؛ ج۳۸، ص۱۸۹؛ ج ۴۰، ص۲۰۶ و ۲۰۵؛ ج ۴۰، ص۲۰۳ و ۷۰.

عابـدی خواست این درخت را قطع کنـد. زمانی که عابـد خواست درخت را قطع کنـد، شـیطان آمـد و جلوی عابد را گرفت و گفت: «این درخت را قطع نکن. اگر مادیات و دنیا می خواهی، من هستم و هر ماه دو دینار به تو می دهم».

عابد قبول نکرد. شـیطان اصرار کرد. تا سرانجام عابد و شیطان با هم گلاویز شدند و انسان مؤمن، شیطان را به زمین زد. مجددا شیطـان اصـرار کرد، وسوسه کرد و وعـده مادیات داد تا سـرانجام آن شـخص قبول کرد که هر ماه دو دینار از شـیطان دریافت کنـد. هر ماه چیزی می گرفت. طولی نکشـید که دینارها قطع شـد. دوباره انسان عابـد آمد که درخت را قطع بکند، شـیطان به همان صورت آمد و در مقابلش ایستاد و گفت: «این دفعه دیگر اجازه نمی دهم، مگر اینکه یک مصالحه یا جنگ و دعوایی با هم بکنیم. این بـار در جنـگ انسان عابـد شـکست خورد. شـیطان به او گفت: «دفعه اولی که تو من را به زمین زدی مقصودت این بود که مردم را از شرک بیرون آوری تا مردم در مقابل درخت سجده نکنند. اما این بار چون دینارهایت دیر شده بود و به خاطر دینارها به جنگ من آمدی، شکست خوردی!»

این واقعیتی است که قیام کننـدگان برای خدا، در میدان مبارزه پیروزند و خدا از ایشان حمایت می کند. در سوره حج آیه ۳۸ آمـده است «انّ اللّه یـدافع عن الـذین آمنوا؛ خـدا از بنـدگان مؤمنش دفاع می کند.» به هر تقدیر ماه مبارک رمضان سـرشار از معنویت و اخلاص است. باید در این ماه به اندازه یک سال، تقوی و توشه

معنوی کسب کنیم. از معصوم علیه السلام راجع به این آیه شریفه سوره بقره که می فرماید: «یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم لعلکم تتقون»سئوال کردند: «یا ابن رسول اللّه، شما فرمودید که افتخار شامل امت پیامبر است. پس امتهای قبل چی؟ و مِنْ قبلکم چه چیزی را می خواهد بیان فرماید؟» حضرت فرمود: «ماه رمضان به این صورت سی روز و با این همه برکات و فضایل فقط مختص به امت پیغمبر است. امتهای قبل چنین روزه ای نداشته اند.» خداوند در آخر آیه هم فرموده: لعلکم تتقون. شاید در نتیجه این روزه گرفتن به تقوی برسید. که خود این لعلکم تتقون هم بیانی دارد... .

توجه داشته باشیم که خدای متعال چهار چیز را در چهار چیز مخفی ساخته است:(۱) غضبش را در گناه، ولیّ خودش را در میان بندگان و... از کجا معلوم همان کس که به شما یا بنده مراجعه می کند، همان شخص محبوب خدا نباشد، و در پیش خدا آبرو نداشته باشد، احترام ماه مبارک رمضان و بندگان خدا را مدنظر

۱- ۱. «الخصال»، ج۱، باب الاربعه، ص۲۰۹، روایت به طور کامل چنین است و از امیرالمومنین علیه السلام می باشد. قال: انّ اللّه تبارك و تعالی اخفی اربعه فی اربعه: اخفی رضاهُ فی طاعته فلا تستصغرنَّ شیئا من طاعته. فربما وافق رضاه و انت لا تعلم، و اخفی سخطه فی معصیته فلا تستصغرنَّ شیئا من معصیته. فربما وافق سخطه معصیته و انت لا تعلم، و اخفی اجابته فی دعوته فلا تستصغرنَّ شیئا من دعائه. فربما وافق اجابته و انت لا تعلم. و اخفی ولیَّه فی عباده فلا تستصغرنَّ عبدا من عبیداللّه، فربما یکون ولیّه و انت لا تعلم.

داشـته باشـیم. نکته ای که در پایان آیه آمـده و قابل دقت است اسـتفاده از کلمه «لعل» است. خداوند عالم با این بیان به مسأله بسـیار مهم تربیتی اشاره دارد؛ روزه داران به واسطه گرفتن روز مغرور نگردند و کسانی هم که به هر دلیل تاکنون روزه نگرفته اند و یا نتوانسـته اند از این فیض الهی بهره ببرند مأیوس و ناامید نگردند. این مطلب بسیار دقیقی است در باب تربیت که هرگز از خوف و رجاء نبایـد غافل شد. در راهنمایی و هدایت «تبشـیر و انذار» یک اصل اساسـی است، هر چند در قرآن واژه «انذار» بیشتر مورد استفاده قرار گرفته است.

خداوند متعال ان شاءالّله به ما توفیق بدهد که جهت خودسازی در این ماه بیشتر به خودمان پرداخته و تلاش نماییم.

ص: ۲۷

(۱)

«یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم الصیامُ کما کُتِبَ عَلَی الذین من قبلکم لعلکم تَتَّقُونَ».(۲)

وجوب روزه

اللّهمّ اجعل صیامنا فیه صیام الصائمین و قیامنا فیه قیام القائمین.(۲)

خدایا قرار بده روزه ما را در ماه رمضان روزه روزه داران واقعی و قیام ما را هم در آن چون قیام کنندگان حقیقی قرار بده.

آیه شریفه فوق نشان می دهد که روزه بر امتهای پیشین هم واجب بوده؛ اما نه به این صورت که بر امت پیغمبر واجب شده است. موسی کلیم علیه السلام چهل شبانه روز به میقات رفت و در روزهای میقات روزه می گرفت. در کتاب شریف انجیل وارد است که حضرت عیسی روزه می گرفته است. در حالات داود پیغمبر

۱- ۲. «مفاتیح الجنان»، کلیات اعمال ماه رمضان به نقل از «بحار الانوار»، ج۹۸، ص۴.

۲- ۱. بقره، ۱۸۳.

آمده که تمام عمرش را روزه می گرفته است... .(۱)

«یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم الصیام». روزه بر شما نوشته شد و البته فکر نکنید که شما در این امر تنها هستید. امتهای قبل هم مثل شما روزه می گرفته اند و این عبادت مختص به شما نیست؛ هرچند روزه امتهای پیشین به این کیفیت روزه شما نبوده است.(۲)

خطاب «یا ایها الذین آمنوا» یعنی ای کسانی که ایمان آورده اید، شریفترین لفظ برای خطاب است. در روایتی فرمودند که خطاب «یا ایها الذین آمنوا» مشکلات و زحمات حاصل از عبادات را از بین می برد. از بس زیبا و لطیف است. خدا، ایمان آورندگان را به خودش منتسب می کند و می گوید: «ای کسانی که ایمان آورده اید». اینجا دیگر خطاب «یا ایها الناس»نیست و درباره عموم انسانها صحبت نمی شود؛ بلکه صحبت درباره مومنان است؛ آنان که از ماده و ظاهر دنیا گذشته به ورای آن یعنی غیب ایمان و یقین دارند.

اقسام روزه

روزه را سه قسم گفته اند:(۳) یک قسم روزه عام است. قسم دوم

۱- ۱. «سفینه البحار»، ج۲، ص۶۶.

۲- ۲. برای اطلاعات بیشتر به کتب تفسیر ذیل آیه مورد بحث مراجعه فرمایید.

۳- ۳. درباره اقسام روزه مراجعه شود به کتاب «المراقبات» اثر مرحوم ملکی تبریزی قدس سره بحث روزه.

روزه خاص و سومین نوع روزه، روزه خاص الخاص است.

روزه عام، روزه ای است که انسان روزه دار از مبطلات روزه و مفطرات آن از جمله خوردن، آشامیدن، غبار غلیظ به حلق رسانیدن، عمدا قی کردن و سایر مبطلات و مفطرات روزه پرهیز کند.(۱)

روزه خاص آن است که شخص روزه دار علاوه بر مفطرات و مبطلات که خوردن و آشامیدن و... است از غیبت، حسد، تهمت و حتی چیزهایی که ثواب را کم می کند، نیز پرهیز می کند. نقل است رسول اکرم صلی الله علیه و آله وقتی بانویی را دیدند که به کنیزش دشنام می دهد و فحش و بدگویی می کند، فرمود: «برایش غذا آماده کنید». زن از این تصمیم پیامبر خیلی ناراحت شد و گفت: «یا رسول اللّه، من روزه ام». حضرت فرمود: «شما روزه نیستید. اگر روزه بودی، دشنام نمی دادی و فحاشی نمی کردی. روزه شما در حقیقت با این عمل باطل است».

روزه سوم روزه خاص الخاص است. ما نباید از خداوند روزه عام را بخواهیم؛ چرا که روزه عام که همان پرهیز از مبطلات و مفطرات است، خیلی مهم نیست. کسی که در زندان است و دست رسی به خوردنیها و آشامیدنیها ندارد، یا کسی که دست و پایش را بسته اند نیز نمی تواند بخورد و بیاشامد، بلکه مهم روزه خاص الخاص است که روزه توجه است. روزه ای که علاوه بر

۱- ۱. بحث مفطرات را در رساله های عملیّه ببینید.

نخوردن و نیاشامیـدن و مرتکب مبطلات و مفطرات نشـدن و غیبت نکردن، غفلت هم در آن نیست. روزه ای که در آن قلب و فکر هم متوجه خـداست. دل حالت ذکر دارد و متـذکر خـداست. روزه ای که انسان را سالم می کنـد، می سازد و صـحت می بخشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «صوموا تصحوا»(۱) البته این روایت نظر به صحت مزاج و سلامت مزاج هم دارد، اما مهمترین سـلامت، همان سلامت روح و جان انسان است و این نتیجه روزه خاص الخاص است. وقتی درهای گناه و دروازه های معصـیت بسـته شد و زمینه انجام حرام ها و معصیتها از بین برود، توبه آسان می شود. باز پیامبر اکرم فرمود: «یذوب الحرام فی جسـدِهِ» روزه گرفتن مـوجب می شود که حرام در بـدن ذوب شـده و از بین برود. این روزه خـاص الخـاص است که چنین مؤثر واقع می شود. نـتیجه می دهـد. نتیجه اش تقوی، حصـار و مصونیت است. روزه یکی از موثرترین عوامـل برای سازنـدگی فردی و اجتماعی است. روزه حصن و پناهگاه و محکمترین حصار در مقابل شیاطین جنی و انسی است.

روزه خـاص الخاص است که در دعاهای ائمه از خـدا خواسـته می شود. اگر امام معصوم می فرمایـد: «اللّهمّ اجعل صـیامی فیه صیام الصائمین».(۲) یعنی روزه خاص الخاص، نه روزه عام و خاص تنها.

... از خـدا بخـواهیم و به خـدا عرضه بـداریم: ای خـدا، ای رب من، خـودت کمـک کن تـا تـو را فراموش نکنیم، تو هم مـا را فراموش

ص: ۳۱

۱- ۱. «بحار الانوار»، ج۶۲، ص۲۶۷؛ ج۶۹، ص۲۵۵.

۲- ۲. مفاتیح الجنان، دعای روزهای ماه مبارک.

نکنی که قرآن می فرماید: «ولا تکونوا کالذین نسُوا اللّه فأنسیهم انفسهم»(۱).

در ماه مبارک رمضان یک برنامه خودسازی طرح شده. دعاهای مختلف، برنامه های عبادی، اجتماعی و سیاسی ویژه... اگر در این یک ماه، و در این سی روز با شبهای قدرش انسان توجه خالص به خدا داشته باشد، به خدا نزدیک می شود و قلبش خاشع خواهد شد.

رسیدن به خدا، خاشع شدن، خالص شدن همه اینها از آثار روزه خاص الخاص است. اکتفا به روزه عام نباید بشود این نشانه کم همتی است.

خدایا همه ما را موفق به گرفتن روزه خاص الخاص بفرما!

۱- ۱. حشر، ۱۹.

صفای درون

(۳)

قال رسولُ اللّه صلی الله علیه و آله : «الصوم یُمیتُ مواد الشهوات و شهوه الطبع و فیه صفاوهُ القلب و طهاره الجوارح و فیه عماره الظاهر و الباطن.(۱)

پیامبر خدا فرمود: روزه مواد شهوات را از بین می برد میل های

ص: ۳۳

---

۱ – ۱. «بحـار الانوار»، ج ۹۶ ص ۲۵۴ حدیث ۲۸، این حدیث شـریف را مرحوم علامه مجلسـی از «مصباح الشریعه» نقل نموده است: قال الصادق علیه السـلام : قال رسول اللّه صـلی الله علیه و آله : الصوم جنّه. ای ستر من آفات الـدنیا، و حجاب من عذاب الآخره فاذا صـمتَ فانو بصومک کفَّ النفس من الشـهوات، و قطع الهمّه عن خطوات الشـیطان، و انزل نفسک منزله المرضی لا تشـتهی طعاما و لا شـرابا. متوقّعا فی کل لحظه شـفاک من مرض الـذنوب و طهّر باطنک من کلّ کـدر، و غفله و ظلمه تقطعک عن معنی الاخلاـص لوجه اللّه تعـالی قـال رسول اللّه صـلی الله علیه و آله : قـال اللّه عزّوجـل: الصوم لی و انـا اجزی به. فـالصّوم یمیت مواد النفس و شـهوه الطبع الحیوانی، و فیه صـفاء القلب، و طهـاره الجوارح و عمـاره الظـاهر و الباطن، والشـکر علی النعم والاحسان الی الفقراء و زیاده التضـرع و الخشوع و البکاء، و جعل الالتجاء الی اللّه، و سـبب انکسار الهمّه، و تخفیف السیئات، و تضعیف الحسنات و فیه من الفوائد ما لا یحصی و کفی ما ذکرناه منه لمن عقل و وفق لاستعماله.

درونی را می میراند و در آن صفای قلب هست و پاکی اعضا و جوارح و با روزه، ظاهر و باطن آدمی ساخته و آباد می شود.

علمای اخلاق می فرمایند که اگر کسی می خواهد تزکیه نفس کند، پاک شود و از آلودگیها نجات یابد، اولین مرحله اش تخلیه است.(۱) تخلیه به این معناست که انسان خود را از صفات بد و رذیله و زشتیهای اخلاق خالی و درون را طاهر بکند. وقتی که درون طاهر شد، در مرحله بعد انسان به تَحلیه و زینت کردن بپردازد. مثل نقاش ماهری که می خواهد یک ساختمان را رنگ بزند؛ رنگی که برّاق و ماندنی باشد. این نقاش در اولین مرحله ساختمان را صیقل می دهد و آماده می کند. سپس آن را نقاشی و رنگ آمیزی می کند.

جسم و روح انسان هم باید صیقل بشود. حضرت فرمود: هر چیزی زنگ می زند. قلب شما هم زنگ می زند و زنگار قلب را فقط با ذکر خدا می توان از بین برد و آن را معالجه کرد. هر چیزی از جنس خودش اثر پذیرفته، قدرت پیدا می کند و با ضد خودش از بین می رود. مواد از مواد. آب اگر بخواهد قدرت پیدا کند، با اضافه کردن جنس خودش یعنی آب قدرتش افزایش می یابد و با ضدش از بین می رود. آتش ضد آب است و آب هم ضد آتش. با تقلیل مواد، قدرت مواد هم کم می شود. نفس انسان از امر خداست. از ماده خلق خدا نیست که وجود خارجی داشته باشد، از مجردات

۱- ۱. به کتب اخلاق علمای بزرگوار مراجعه شود، کتاب «اربعین امام خمینی رضوان اللّه علیه» مطالب سودمند دقیق و عمیقی در این باره دارد.

است. لذا اگر بخواهد تقویت بشود، باید با جنس خودش تقویت بشود.

حقیقت ماه رمضان از همان جنس است. نفس انسان را قوی می کند و روح و جان انسان را جلا می دهد. همه اش معنویت است.

از امام صادق علیه السلام سئوال کردند: «برای چه خداوند روزه را واجب کرد؟» آن حضرت فرمود:(۱) «برای اینکه اغنیاء هر چیزی که در زندگی می خواسته اند، برایشان میسر بوده و به هر چیزی که دست می برده اند، برایشان آماده بوده. اینها برای اینکه در ماه رمضان یک سنخیت با دیگران پیدا کنند و فکر نکنند که همه آن گونه هستند روزه برایشان واجب شده است. لذا خداوند روزی فقرا را در مال اغنیاء قرار داده و اینها در ماه رمضان می فهمند که فقرا چه می کشند... و این یک مسأله اجتماعی است.

اصولاً از حکمتهای ماه مبارک رمضان تساوی و مساوات بین مردم است.

محترمترین و بهترین مردم نزد خدا، با تقوایان آنها هستند.(۲) تقوا یک اصل و معیار قرانی است. در اینجا پست و مقام مهم نیست همه مساوی هستند. نمره و مرتبه بستگی، به میزان تقوا و خداترسی دارد. بنابراین اول تخلیه از صفات بد و سپس تحلیه به

---

۱ - ۱. «من لا یحضرهُ الفقیه»، ج۲، ص۴۳، حدیث ۱، باب عله فرض الصیام. نک «الوسائل» ج ۴، ص ۳ و ۲، کتاب الصوم، حدیث ۱.

۲- ۲. حجرات، ۱۳.

صفات عالی است. ماه مبارک رمضان این ویژگی را دارد. حضرت رسول صلی الله علیه و آله در روایتی که ابتدای بحث مطرح شد، به همین مطلب اشاره می کند.

الصوم یمیت مواد الشهوات؛ روزه ماده شهوتها را از بین می برد. و شهوه الطَّبْع. روزه این خواهش نفسانی شهوت و هوای نفس و خواستن را کم می کند. و فیه صفاوه القلب. در ماه رمضان صفای دل پیدا می شود. و فیه طهاره الجوارح. در ماه رمضان پاکی اعضاء و جوارح تأمین است. دست، پا، زبان و سایر اعضای انسان باید کنترل شوند. اینکه حضرت فرمود غیبت هم نکنید و در روایت به روزه خاص الخاص اشاره فرمودند، برای همین است. در دعای روز سوم ماه مبارک، همین را می خواهید و می گوئید: «اللّهمّ اجعلنی فیه مِن المستغفرین. واجعلنی فیه من عبادك الصالحین القانتین؛ خدایا مرا در این روز از استغفار کنندگان قرار بده.» استغفار گناه را از بین می برد. ندامت و پشیمانی از گناه، باعث تقلیل گناهان انسان می شود؛ و اگر توبه، توبه واقعی باشد، به کلی باعث محو گناهان می شود. حضرت فرمود: «التائبُ من الذنب کمن لا ذنب له؛(۱) کسی که از گناه توبه کند مانند کسی است که اصلاً گناهی مرتکب نشده است». واجعلنی فیه من عبادك الصالحین القانتین. استغفار همان مرحله تخلیه است و مرحله خارج شدن از بدیها. درخواست وارد شدن به حلقه بندگان صالح و مطیع خدا، مرحله تحلیه است و قانتین همان مطیعین هستند. صالحین همان

۱- ۱. «اصول کافی»، ج۲، ص۴۳۵، حدیث ۱۰.

کسانی اند که پاک عمل می کنند، همراه با صلح و خیرخواهی اقدام می نمایند.

پاکی عمل

در روایتی حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «اذا رأیتَ الناسَ یشتغلون بکثرهِ العمل فاشتغل اَنْتَ بصفوهِ العمل؛(۱) اگر دیدی که مردم به زیادی عمل مشغولند، ولی عبادت آنها مغز ندارد، اخلاص ندارند. تو به صفوه العمل مشغول شو و به پاکی عمل بپرداز. اگر به همان فرایض بپردازی، در مقابل این نوافلی که دیگران انجام می دهند و خیلی هم زیاد است ولی روح ندارد فرائض بهتر است.

واجعلنی فیه من عبادک الصالحین القانتین. پس از مرحله تخلیه، مرحله تحلیه است که این تحلیه، مراحل زیادی دارد. یک وقت عبادک الصالحین است و یک موقع واجعلنی فیه من عبادک المقربین. که این بالاترین درجه است. ... در قرآن هم اولیاء، صالحان و انبیاء مدنظر هستند. «اَلا اِنَّ اولیاء اللّه لا خوفٌ علیهم و لا هم یحزنون».(۲) در دعای روز سه شنبه آمده است که امام معصوم علیه السلام می فرماید: «اللّهمّ اجعلنی من جندک فانّ جندک هم الغالبون. و اجعلنی من حزبک فانّ حزبک هم المفلحون. و اجعلنی من اولیائک فانّ اولیائک لا خوف علیهم و لا هم یحزنون...» اینها

۱- ۱. «المواعظ العددیّه».

۲- ۲. یونس، ۶۲.

مصـداق این روایت هسـتند که فرمود: اَلا ـ اِنَّ انبیـاءَاللّه لا یموتونَ بَلْ یُنْقَلُون مِنْ دارٍ اِلی دار.(۱) ... اولیاء و انبیاء مرگ ندارنـد، انتقال از یک خانه ای به خانه دیگر. انتقال از خانه ای تنگ، ضیق و تاریک به یک خانه روشن و نورانی.

درخواست تقرّب

«واجعلنی فیه من عبادک المُقربین برأفتک یا ارحم الراحمین؛ خـدایا مرا در این روز از بنـدگان مقرب خودت قرار بـده که این به دست تو است ای ارحم الراحمین». امیـد است که همه به این مرحله برسـیم و در این مـاه مبـارک رمضـان به همـان جنبه ای بپردازیم که پیغمبر و اولیای خدا می پرداختند.

حکایت نقل کرده اند عبدی پشت سـر مولایش راه می رفت. به کیسه زری رسـیدند. مولا این کیسه زر را برنداشت. عبد وقتی دید که مولا کیسه را برنداشت، او هم برنداشت. از او سؤال کردند: «تو چرا کیسه زر را برنداشتی؟» گفت: «او مولای من است و وقتی آقا و مولا کاری و عملی را انجام نمی دهد، پس عبد هم نباید انجام بدهد».

اینهـا برای تربیت یـافتن انسـان است. اینکه در جمـاعت می گوینـد اطاعت از امام جماعت واجب است، برای این است که می خواهد برای اطاعت از امام انسان را آماده و تربیت بکند.

۱- ۱. در احادیث بسیاری آمده است «اَلا اِنّ انبیاء اللّه لا یموتون...» نک: «بحار الانوار»، ج۵۸، ص۲۰۷ وج۵۸، ص۷.

اطاعت از امام و تبعیت از امام جماعت وجوبش برای این است که می خواهد شخص را برای اطاعت بسازد. در حقیقت وجوب اطاعت از امام جماعت یک نوع آموزش و تمرین است... از عبد پرسیدند: «چرا کیسه زر را برنداشتی؟ تو دیدی که مولایت برنداشت؟» گفت: «او مولای من است و کاری را که او انجام نداد من نباید انجام بدهم».

دوری از دنیا

امیرالمؤمنین علیه السلام که این ماه متعلق به اوست فرمود: «یا دُنْیا غُرّی غیری لا حاجةَ لی فیک قد طَلّقْتُکِ ثلاثا(۱)؛ ای دنیا از من دور شو و برو سراغ دیگری، من تو را سه بار طلاق داده ام.» رجوع و توجه من به تو امکان ندارد، قابل برگشت هم نیست. و این کار برای کسانی که الگو دارند و به حرف مولای خود توجّه می کنند، بسیار آسان خواهد بود. آنچه طبق این جمله امام علیه السلام باید انجام داد اعراض و دوری از دنیا و دلبستگی به آن است.

امیدواریم که خداوند ما را هم جزو کسانی قرار بدهد که در این ماه از آتش جهنمش نجات یافته و آزاد می شوند.

اللّهمّ اجعلنی فیه من المستغفرین. واجعلنی فیه من عبادک الصالحین القانتین. واجعلنی فیه من اولیائک المقربین برأفتک یا ارحم الراحمین.

۱- ۱. نهج البلاغه، کلمات قصار/ ۷۶.

ماه فضیلت

(۴)

قالَ رسول اللّه صلی الله علیه و آله : مرحبا بقوم قضوا الجهاد الاصغر و بقی علیهم الجهاد الاکبر. فقیل یا رسول اللّه ما الجهاد الاکبر؟ فقال: جهاد النفس!(۱)

قبل از بعثت پیامبر مکرم اسلام، امت های پیشین و اولیاء و پیامبرانشان دارای ایام ریاضت، عبادت، میقات و خلوتی بوده اند که با خدای خود به راز و نیاز می پرداختند. قرآن به یکی از موارد، که میقات حضرت موسی است اشاره می کند. امت پیغمبر امت مرحومه است و به ناجیه و محقه معروف شده. شاید یکی از علتهایش این باشد که خدای متعال نعمت را بر امت پیغمبر تمام کرد. آن زمان برای اولیاء و مقربین و پیامبران ایام میقات وجود داشت که به خودسازی بپردازند. اما ماه رمضان را برای امت پیغمبر معین فرموده که همه بتوانند از این ماه با فضیلت استفاده کنند و همه به همان میقات پروردگار بروند.(۲) در ماه مبارک رمضان خداوند متعال چند عمل را انجام داده که یکی از آنها، نزول قرآن

ص: ۴۰

۱- ۱. «اصول کافی» ج ۱/۳۳۰ و نک: «بحار الانوار» ج ۱۹/۱۸۲ حدیث ۳۱.

۲- ۲. «الوسائل»، ج۴، ص۲۲۹، حدیث ۲۷.

شریف است. قلب نـازنین پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله محل نزول این آیات شـریفه و این مفهوم لایتناهی است. همان گونه که زبور هم در ماه رمضان نازل شده. تورات و انجیل هم در ماه رمضان نازل شده اند. اما قرآن هم در ماه رمضان نازل شده و هم در شب قـدر. اگر انسانی در این ماه بتوانـد از برکاتی که در آن هست، اسـتفاده کند به نجات نزدیکتر خواهد بود. یکی از برکـات این ماه شـریف ادعیه است؛ ادعیه ای که ما را با معارف بسـیاری آشـنا می سازد، و حتی دیگران را هم به خاطر ما می آورد، از اجتماع مسـلمین با داشتن گروههای متفاوت یاد می کند. دعاها و مناجاتهای ماه مبارک رمضان را ببینید. هر کجا که دعـایی در مـاه رمضـان وارد شـده دعای جمعی و توجه به جمع و همگان است، مثل: اَللّهمَّ اشْفِ کُلَّ مریضٍ. اللّهمّ اَصْلِحْ کلَّ فاسدٍ من امورِ المسلمین. اللّهمّ سُدَّ فقرنا بغناک. اللّهمّ اکسُ کلَّ عریان(۱) و امثال آن که به همه جوانب زندگی و نیازهای آن توجه دارد.

به هر حال اگر انسان بخواهـد ساخته شود، اول بایـد تخلیه بشود و بعـد هم تحلیه. اما تخلیه از چی و تحلیه به چی؟ تا برسـیم به موردی که آن را تلبیه می گویند.

---

۱ – ۱. «بحـار الانوار»، ج۹۸، ص۱۲۰، دعـا به نقـل مرحوم علامـه مجلسـی قـدس سـره چنین است. اللّهمّ ادخل علی اهل القبور السـرور. اللّهـمّ اغـن کـل فقیر. اللّهمّ اشـبع کـل جـائع. اللّهمّ اکس کـل عریـان، اللّهمّ اقض دین کـل مـدین، اللّهمّ فرج عن کل مکروب، اللّهمّ رُدَّ کل غریب، اللّهمّ فُکَّ کل اسـیر، اللّهمّ اصلح کل فاسدٍ من امور المسلمین، اللّهمّ اشف کل مریض، اللّهمّ سُدَّ فقرنا بغناک. اللّهمّ غیّر سوء حالنا بحسن حالک، اللّهمّ اقض عنا الدّین وَ اغننا من الفقر انّک علی کل شی ء قدیر.

مراحل مهم

این مرحله خیلی حساس است. رکن اصلی و اساس بندگی خدا را دو چیز تشکیل می دهد:

۱ـ عبادات و اوامر خدا

۲ـ نواهی و محرّمات

مراعات محرمات و نواهی خداوند به مراتب دارای سختیهایی است. چون اوامر خدا حرکت کردن، رفتن، پرواز کردن و از خود جدا شدن است. اما ارتکاب محرمات و نواهی خدا افتادن و سقوط کردن است و سقوط کردن از جایی راحت تر از صعود و بالاتر رفتن است. حرکت کردن، نیرو می خواهد، قوه دید و ژرف نگری می خواهد، اما افتادن و سقوط خیلی راحت صورت می گیرد. اوامر و نواهی خدای متعال از دستورالعمل های مهم خدای متعال هستند که باید به آنها توجه کرد. باید اوامر را انجام داد و نواهی را ترک کرد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مقابل گروهی که از جنگ باز می گشت. قرار گرفت و فرمود: مرحبا بقَوْمٍ قضوا الجهادَ الاصغر و بقی علیهم الجهاد الاکبر. فقیل: یا رسول اللّه، ما الجهاد الاکبر؟ فقال: جهاد النفس(۱). وقتی

ص: ۴۲

۱- ۱. «بحار الانوار»، ج۱۹، ص۱۸۲، حدیث ۳۱. به نقل از «فروع کافی»، ج۱، ص۳۳۰) و «بحار الانوار»، ج ۷۰، ص۶۵، حدیث ۷ به نقل از «معانی الاخبار» و «امالی مرحوم صدوق»، روایت کافی را سکونی نقل می کند از امام صادق علیه السلام و در روایت «معانی الاخبار» دارد که عن موسی بن جعفر علیهماالسلام عن آبائه علیهم السلام قال: قال امیرالمؤمنین علیه السلام : انّ رسول اللّه. البته این دو نقل تفاوت مختصری نیز در متن روایت با هم دارند.

رزمندگان وارد شهر شده بودند، پیغمبر در برابر آنها قرار گرفت. این در حالی بود که لباسها گرد و خاکی بود و آثار تشنگی و گرسنگی باقی و صدای شهدا در گوشها طنین انداز بود. خلاصه هنوز حال و هوای جبهه وجود داشت که پیامبر به رزمندگان فرمود: «مرحبا به شما که جهاد اصغر را به پایان رساندید و جهاد بزرگتر بر عهده شما باقی است». اصحاب خیلی تعجب کردند. این چه جهادی است که اصغر و کوچک است. ما این همه جانباز دادیم. شهید دادیم. فرض کنید مصاف با این همه توپ و تانک و از دست دادن پدر و مادر و اعضاء و جوارح باز هم جهاد اصغر است!؟ با تعجب پرسیدند: «آن جهاد اکبری که باقی مانده چه جهادی است؟» حضرت فرمود: «جهاد با نفس». مهاجر آن است که از خودیت هجرت کند و مبارز آن است که با نفس مبارزه کند.

... اینکه قرآن مثل زده و درباره عده ای فرموده: «اولئک کالانعام بل هم اضل»بعد از این آیه شریفه است که می فرماید: «وَلَقَدْ ذرأنا لجهنم کثیرا مِنَ الجنِّ و الانس لهم قُلُوبٌ لا یَفْقَهُونَ بها. لهم آذانٌ لا یسمعون بها. لهم اعین لا یبصرون بها. اولئک کالانعام بل هم اضل سبیلا اولئک هم الغافلون».(۱) چرا در اینجا حیوان ترجیح بر انسان داده می شود؟ فرق انسان و حیوان در اینجاست که حیوان ها وقتی گرسنه اند، حمله ور می شوند و دیگری را می درند. حتی مَثَل است که گرگ گرسنه بچه خودش را هم می خورد. اما انسانها برعکس اند. وقتی سیر می شوند، به هم حمله می کنند.

۱- ۱. اعراف، ۱۷۹.

«اِنَّ الانسـان لیطغی ان راه اسـتغنی».(۱) مقـداری اسـتغنا پیـدا کرد و مقـداری ثروت جمع شـد طغیان می کند. فرعون جمله «انا ربکم الاـعلی» را زمـانی گفت که قشونی و ثروتی جمع کرد. آن موقع بود که کم کم نـدای «انا ربکم الاعلی» را سـر داد. لـذا قرآن می فرمایـد: «اولئـک کالانعـام؛ آنها از چهار پایان هم بدترنـد». «بل هم اضل سبیلا»افرادی که با دارا بودن قـدرت فهم و درک شبانه روز برای مردم خدعه می کنند و برای رسیدن به امیال و هوسهای بی پایان خود تلاش می کنند.

ماه مبارک رمضان ماه کنترل انسان است. در این ماه انسان از نگاه، به عیوب دیگران، تجسس، سوء ظن و تهمت نسبت به آنها پرهیز می کنـد. کم کاری از بین می رود. هیـچ نیرویی نمی تواند انسان را پشت میز کارش، میز مغازه اش، در کلاس درسـش و... این چنین حفظ کند. منقلب شدن درون، کار ماه رمضان است.

پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله فرمود: «یمیت مواد الشـهوات؛ روزه ماده شـهوت ها و میل های خوار کننـده را می میرانـد». در ادامه فرمود: و عمـاره الظـاهر و الباطن. روزه ظاهر را هم می سازد و انسان روزه دار ظاهرا هم ساخته و آراسـته می گردد. و به ظاهرش هم عمارت می دهد. علاوه بر ظاهر، باطن هم با ظاهر هماهنگ می شود.

انسان ممکن است برای امور دنیایی مثل گزینشهای شغلی نماز خود را ترک نکند؛ ولی روزه چیزی است که دیده نمی شود و نمی شود گفت که آقا من روزه هستم. جز خدا هیچ کس نمی داند.

۱- ۱. علق، ۷ و ۶.

در روزه اخلاص نهفته است. در مورد نماز سفارش داریم که: «الصلاه لا تترک بحال؛ نماز در هیچ موقعیتی نباید ترک شود.» اما روزه هم از اهمیت بالایی برخوردار است. چرا؟ چون روزه سرّ خداست. سر خدا چیست؟ الاخلاص سِرّ من اسراری؛(۱) اخلاص سری از اسرار خدا است.

این اخلاص و سرّ در دل روزه داران است. بعد حضرت فرمود: «والشکر علی النعم؛ روزه شکر نعمت هاست. شکر نعمت چشم، شکر دست، شکر وجود سالم. شکر خدمت به نظامی که درختش با خون شهیدان سیراب شده است. این ها خیلی با ارزش است. در تاریخ می خوانیم زهیر بن قین مقابل امام حسین آمد علیه السلام و گفت: «ایکاش من چند جان داشتم تا در راه شما می دادم.» او این معنی را می فهمید که در مقابل چه کسی قرار گرفته است. یا دیگری که می آید و می گوید: دعا کنید من در راه اسلام شهید بشوم.

امروز یکی از مصادیق ولایت مداری خدمت کردن صادقانه است که ان شاءاللّه خداوند ما را جزو خدمتگزاران به اسلام و قرآن قرار بدهد و کمک کند تا با خودسازی، قلب، اعضا و جوارحمان را با یاد و با نام خدا و با آیات کریمه خدا طاهر و طیب نماییم.

خدایا ما را اهل امر به معروف و نهی از منکر قرار بده! خدایا لذت عبادت و ذکر خودت به ما کرامت فرما! خدایا اخلاص در عمل و گفتار نصیب ما بفرما!

ص: ۴۵

۱- ۱. «بحار الانوار»، ج ۷۰، ص۲۴۹، حدیث ۲۴، بخش پایانی روایت چنین است. استودعته قلب من احببت من عبادی.

باطن اوامر

(۵)

و بعـد قـال الصـادق علیه السـلام : وِلایَتُنا التَّسْلیمُ لِاءَمْرِنا. ولایتنا التسـلیم لِسِرِّنا بانَّنا عین اللّه و لسان اللّه و نَفْسُه. نفعل ما نشاء و نحکم ما نرید.(۱)

گفتیم که انسان بایـد اولاً خود را از صـفات بد تخلیه کند و بعد تحلیه. تخلیه مرحله دور کردن رذایل و تحلیه آراسـته شدن به فضایل اخلاقی است. گفته شد که رکن اساسـی دین را اوامر و نواهی خداوند تشـکیل می دهد. انجام اوامر الهی سخت است. همچنین اشاره شد که برای حرکت به نیرو احتیاج است و این کار مشکل تر از افتادن و سقوط کردن است. روزه و نماز و همه عبـادات و احکـام هم بـاطنی دارنـد. در این زمینه مخـبر صـادق و خزینه علم رسـول علی علیه السـلام فرموده است: «اَنـا صَـلاهُ المؤمنین و صِیامُهُم؛ من نماز و روزه مؤمنین هستم». این از باب حمل مصدر بر ذات است مثلاً می گوییم علی علیه السلام عین عدالت است. عین نماز است.

ص: ۴۶

۱- ۱. مراجعه شود به «اصول کافی»، ج۴، ص ۴۳۷/ ۴۳۰. روایت های به این مضمون در «بحار الانوار»، ج۴۶، ص۲۵۵، ج ۲۶ ص ۲۴۶.

حضرت می فرماید: انا صلاه المؤمنین و صیامهم مَنْ اقام الصلاه فقد اقام بولایتی. اگر کسی نماز اقامه کند به ولایت من ایمان آورده است، اشاره به همین معنا دارد. نماز ظاهرش همین رکوع، سجود و ارکان مخصوصه است، اما باطنش پذیرش ولایت ولی اللّه است.

اگر انسان نماز بخواند، اما ولایت نداشته باشد، اخلاص نباشد، روزه بگیرد، ولی معرفت به رسول اللّه نباشد و آن ایمانی که در «یا ایها الذین آمنوا» قید شده تحقق نیابد، آن نماز و روزه بی فایده است. کسی که ایمان به خدا دارد؛ اما به رسول خدا ایمان ندارد، یا ایمان به رسول خدا دارد؛ ولی ایمان به کتاب رسول ندارد، یا ایمان به رسالت دارد، اما ایمان به دوازده امام ندارد و به هرحال آن «یا ایها الذین آمنوا»کاملاً محقق نشده، چنین کسی حرکت نمی کند؛ هرچند که قصد حرکت کردن را داشته باشد. در امثال و حکم مناقشه نیست. اینکه می نویسند مجنون وقتی می خواست برود پیش لیلی سوار بر مرکبی می شد که آن مرکب بچه ای داشت. آنقدر مجنون از خود بی خود می شد که توجهی به مرکب نداشت. مقداری که با مرکب راه می رفت و به فکر لیلی بود مرکب می دید هیچ کس نیست که لجامش را بکشد. دوباره برمی گشت عقب و به سراغ بچه اش می آمد. باز به همان پله اول و مجنون یک دفعه متوجه می شد هنوز سر جای اول خودش است و دارد دور خودش می چرخد. نماز هم این گونه است. ولایت که نباشد حرکتی انجام نمی گیرد. باطن الصلاه ولایتنا، و باطن الصوم معرفه جدّنا؛ باطن نماز، [معرفت و پذیرش] ولایت ماست و باطن روزه شناختن [دین و آیین] جد ماست.

ص: ۴۷

دلسوزترین طبیب

علی علیه السلام درباره پیغمبر اکرم بیانی دارند که: «طبیبٌ دوّارٌ بطبّه».(۱) پیغمبر اکرم طبیب است، اما طبیبی که با طبابت خودش یکجا قرار ندارد؛ بلکه می رود و مریض را پیدا می کند. به دنبالش می گردد و آنها را یکی یکی معالجه می کند. امّا اهل بیت پیامبر «مثل اهل البیت کمثل الکعبه». مثل اهل بیت پیامبر، مثل کعبه است. کعبه سراغ دیگران نمی رود. این دیگران هستند که باید بروند به سوی کعبه و دور کعبه بگردند و طواف کنند. حالا چرا گفت: «باطن الصوم معرفه جدنا؛ باطن روزه شناختن و شناساندن جد ما است؟»

شاید بشود چنین تقریر کرد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره روزه فرموده اند: «صوموا تصحوا؛(۲) روزه بگیرید تا سالم شوید.» ظاهرا در اینجا تنها سالم شدن جسم منظور این روایت نیست. البته سلامت جسم در روزه هم هست، اما عمده هدف، سالم شدن روح و جان آدمی است. سلامت نفس و روان آدمی است. اگر روزه طبیب جسم و جان انسان است، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله هم طبیبٌ دوارٌ بطبه است. امام صادق علیه السلام می فرماید: «باطن الصوم معرفه جدنا؛ باطن روزه شناختن جد ماست». این جد ائمه چه کسی است؟ همان پیامبری است که طبیبٌ دوار بطبه است. کسی که آمده شما را بسازد و به سوی حقیقت راهنمایی کند. کسی است

ص: ۴۸

۱- ۱. «نهج البلاغه»، خطبه ۱۰۸، ۴، نک: «بحار»، ج۳۴، ص ۲۴۰.

۲- ۲. «بحار الانوار»، ج۶۲، ص۲۶۷؛ «بحار الانوار»، ج۹۶، ص۲۵۵.

که وظیفه اش دستگیری از شما انسانهاست، مأمور است برای هدایت، به تکامل رساندن بشر، رهایی انسان از ولایت غیر خدا، تعلیم کتاب، تزکیه، تهذیب و رساندن بشر به سعادت در دنیا و آخرت.

قرآن، بیان حقیقت

پیرامون حقیقت اعمال قرآن کریم می فرماید: کسانی که مال یتیم را می خورند، حقیقت این مال یتیم، آتش است.(۱) اینها آتش می خورند. حقیقت شهوت، آتش است، حقیقت غیبت و سایر معاصی آتش است؛ ولی دنیا محل بروز حقیقت آنها نیست. دعای روز هفتم ماه رمضان می گوییم: «اللّهمّ اعنی فیه علی صیامه و قیامه و جنبنی من هفواته و آثامه؛ خدایا من امروز روزه و قیام ماه رمضان را می خواهم. خدایا مرا از لغزشها و گناهان این روز و ماه نگهدار». این نمی شود، مگر اینکه زمینه آماده شود و مرحله گذر و پاکسازی رذایل اخلاقی و تخلیه از صفات زشت صورت گیرد. بعد وقتی تخلیه انجام شد، مرحله تحلیه انجام شود که این تحلیه و آراستن به صفات حسنه هم مراحلی برای خودسازی دارد؛ عمده هم این است که انسان اصل را درست کند و آن اصل، یکی ولایت است و شناخت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله . دیگر اینکه فرمود: باطن الزکاه معرفه شیعتنا؟ باطن زکات شناخت شیعیان ماست. زکات یعنی رسیدگی به مشکلات جامعه به ویژه افراد نیازمند نکته ای را لازم است

۱- ۱. نساء، ۱۰.

اینجا به عنوان تذکر عرض کنم. این که خانواده ها و بچه هایی که بی بضاعت اند، باید شناسایی و به حالشان رسیدگی شود. این مطلب به درد کسانی که با مراکز آموزشی چون آموزش و پرورش که با انواع و اقسام بچه ها سر و کار دارند می خورد. در بعضی از مدارس ممکن است دختر یا پسر دانش آموزی مشاهده شود که بگوید من از دیشب تا حالا چیزی نخورده ام. اینها باید شناسایی و رسیدگی بشوند. امیرالمؤمنین علیه السلام که این ماه متعلق به او است ببینید که چگونه عمل می کند. در مقابل یتیمان کوفه صورتش را روی آتش می گیرد و می گوید: «ببخشید علی را که از حال شما خبر نداشت». شیعه علی باید این گونه حرکت کند، والّا اگر حرکت جسمی و مادی باشد، خیلی چیزها این نوع حرکت را دارند... .

امام سجاد علیه السلام در دعای ابی حمزه ثمالی می گوید: «اللّهمّ لاتسلطُ عَلیَّ مَنْ لا یرحمنی؛(۱) خدایا کسی را که به من رحم نمی کند بر من مسلط مکن». نفس اماره را به من مسلط مکن. گناه را بر من مسلط مکن. پس نتیجه ماه رمضان باید تقوا باشد. معرفت، شناختن اصول و فروع از دیگر نتایج این ماه شریف است، شناختن اهل بیت که ایشان معدن خوبی هستند. و اِنْ ذکر الخیر کنتم اَوَلهُ وَ اصْله و فرعه و معدنه و ماویه و منتهاه... .(۲)

اللّهمّ اجعل عواقب امورنا خیرا، و لا تجعل الدنیا اکبر همّنا، و لاتکلنا الی انفسنا طرفه عینٍ ابدا، و وفقنا لما تحب و ترضی.

ص: ۵۰

۱- ۱. «مفاتیح الجنان»، دعای ابو حمزه ثمالی رحمه الله .

۲- ۲. «همان»، زیارت جامعه کبیره.

حکمت و عبادت

(۶)

«اِسْتَعِينُوا بالصبر و الصلاه و انّها لکبیرهٌ اِلاّ علی الخاشعین».(۱) از صبر و نماز کمک بجویید و آن بسی سنگین است مگر برای خشوع پیشگان.

گفتیم که امام صادق علیه السلام فرمودند: «حقیقت نماز ولایت ما هست». بیان دیگر این است که حقیقت نماز و نماز حقیقی مختص به انسان کامل است و بالاترین صفت انسان کامل هم عبودیت است. آنچه که در عبودیت مطرح هست، عبارت است از معرفت، خشوع، تواضع و خاکسازی برابر معبود حقیقی یعنی خدای یگانه.

هر عبادتی که خداوند متعال قرار داده از روی حکمت است. روایت به این مضمون داریم که حضرت موسی علیه السلام (۲) به میقات آمد و به خدای تعالی عرضه داشت که: خدایا من مریضم و می خواهم

۱- ۱. بقره، ۴۵.

۲- ۲. «جامع السعادات»، ج۳، ۹ و ۲۲۸، ط نجف.

بـدون مراجعه به دیگری یـا دکتر خوب شوم. وحی شـد که یـا موسـی ما هر چیزی را که خلق کردیم بر اساس حکمت است». درمـان درد بـا دواست و بـا درخواست تو معالجه نمی شود... مقصود در عبادات خـداست. کعبه رفتن، روزه گرفتن و... منظور خـداست. میان عبادات آن عبادتی که همه اعضاء و جوارح مشـغول اند، فقط نماز است. در نماز است که قلب با حضور، زبان مشـغول ذکر و قرائت، چشم مشـغول نظر به سـجده گاه و تمام اعضاء و جوارح مشـغول انـد. لـذا حضـرت فرمود: حقیقت نماز ولایت ماست و حقیقت روزه هم شناخت پیغمبر اکرم است؛ شناخت چیزی که خدای متعال به پیامبر نازل کرده است.

قرآن خودش را دو گونه معرفی می کند: «شـهر رمضان الذی انزل فیه القرآن»(۱) و در جای دیگر لفظ «فرقان» به کار می برد. آنجـا که لفظ قرآن اسـتعمال شـده اشاره دارد به مجموعه قرآن که در شبی با عظمت شب قـدر به قلب نازنین پیامبر اکرم نازل شـده است، و آنجـا که لفظ فرقان به کار می برد که جـدا کننـده حق از باطل است به الفاظ قرآن اشاره دارد که یک سـری از الفاظ قرآن در مکه نازل شده اند و یک سری در مدینه. یک سری هم شأن نزول و سبب نزول دارند. قابل توجه اینکه قرآن و فرقان معانی دیگری نیز دارد که در بحث تفسیر و علوم قرآنی آمده است.

صبر در آیه قرائت شده به روزه تفسیر شده است. سؤال این

ص: ۵۲

۱- ۱. بقره، ۱۸۵.

است که صبر چیست؟ صبر عصاره تمام نیروهاست؛ فشردن نیرو و عصاره نیروها برای مقابله با تهدیدها. اینکه در قرآن کریم فرموده: «واستعینوا بالصبر والصلاه و انها لکبیره الا علی الخاشعین»(۱) قبول این مسئولیت و حقیقت نماز و قبول صبر و حقیقت آن و معرفت نسبت به آن مهم است. مگر برای آنهایی که بنده خاشع اند. بندگانی که در حقیقت تسلیم و سلم محض هستند و این مسأله ای مهم است که باید به آن توجه نمود.

عمده ترین مسأله

پس عمده ترین مسأله ولایت است. لذا حضرت فرمود: «من اقام الصلاه فقد اقام ولایتی؛ هر کس نماز را اقامه کند مثل این است که ولایت مرا اقامه کرده است.» اینها دست خدا «ید اللّه» و چشم حضرت حق «عین اللّه» هستند. در زیارت رجبیه می خوانیم: «لافرق بینک و بینهم اِلا انهم عبادک؛ خدایا هیچ فرقی بین تو و بین اینها نیست مگر اینکه اینها بندگان تو هستند». تو خالقی و اینها مخلوق تو. البته به قول شاعر: میان احد و احمد یک میم فرق است و عالمی در این یک میم غرق است. این است که حضرت فرمود: «نفعل ما نشاء؛ هر کاری را که بخواهیم انجام می دهیم.» البته باذن خدا. در ادامه روایت آمده: «ولایتنا التسلیم لِامرنا؛ ولایت ما تسلیم شدن به امر ماست» چرا؟ باننا عین اللّه، بانّنا سِرُّ

۱- ۱. بقره، ۴۵.

اللّه. برای اینکه ما چشم خداییم. برای اینکه ما سر خداییم. انسان وسیله می خواهد که به خدا تقرب یابد وسیله همین شناخت پیغمبر و ائمه معصومین و عبادات است. نماز است، روزه است و... همان گونه که در آخر حدیث آمده، زکات است. در دعای روز هشتم ماه رمضان می خوانیم که امام معصوم می فرماید: «اللّهمّ ارزقنی فیه رحمه الایتام و اطعام الطعام؛ خدایا به من در این روز رحمت و عطوفت به یتیمان را عنایت کن.» خدایا به من کمک کن تا در این روز اطعام طعام بکنم. بتوانم غذا به دیگران و مخصوصا به فقرا بدهم. وَافشاء السلام؛ خدایا در این روز آشکار ساختن سلام را روزی من کن.

مخلوق اول

طبق بعضی روایات، اولین چیزی که خدا خلق کرد، قلم بود که بعد از خلق به قلم امر کرد که بنویس: «اشهد ان لا اله اِلا اللّه، و اشهد ان محمدا رسول اللّه». قلم گفت: «خدایا، این چه کسی است که اسم او مقرون اسم تو است؟ و اسمش همراه اسم تو ذکر شده است؟» خداوند فرمود: «او کسی است که تو به خاطر او خلق شدی.» قلم آمد خدمت رسول اکرم و فرمود: «السلام علیک یا رسول اللّه». حضرت در جواب فرمود: «سلام علیک» فرموده اند که سلام دادن تأسی به قلم است و مستحب است، اما جواب سلام تاسی به پیغمبر است و واجب است. من و شما هم وقتی نمازمان تمام می شود می گوییم: «السلام علیک ایها النبی ورحمه اللّه و برکاته».

ص: ۵۴

یعنی هر روز من و شما به پیامبر سلام می کنیم. این را بدانید که پیامبر اکرم ترک واجب نمی کند... اما آیا ما جواب پیغمبر را در نماز می شنویم؟ نمی شنویم. چرا؟ چون گوش ما معیوب است. چشم ما معیوب است. اعضا و جوارح ما معیوب اند و این به واسطه معصیت است. چون معیوب است، جواب سلام را نمی شنود، جواب سلام پیغمبر را نمی شنویم، وِالّا او جواب سلام را می دهد.

گوش شنوا

در حالات یکی از علما آمده وقتی از نجف به شهر خود برگشت از او سئوال کردند: «آقا شما جواب سلام پیغمبر را می شنوی؟» گفت: «اگر من جواب سلام پیغمبر را نشنوم، نماز نمی خوانم». پس معلوم می شود که این دل، گوش، چشم و قلب های ما آمادگی ندارند. گفت من تسبیح درختان را می شنوم. من تسبیح سنگها را می شنوم. (یسبح للّه ما فی السموات و ما فی الارض) آیا وقتی که تسبیح سنگ و درخت را می شنوم، سلام پیغمبر را نمی شنوم؟

ولایت، روح عبادت

به هر حال مهمترین مسأله ولایت است. در طول عمر اسلام از وقتی خسارت ها به ما وارد شد که مسأله ولایت را از مسیر الهی خارج کردند. و مردمان به جای پذیرش ولایت ائمّه حق و تحت تربیت حجّت حق قرار گرفتن ائمّه باطل را پذیرفتند.

مردمی که اقامه نماز حقیقی نکردند و ولایت ائمّه حق را قبول نکردند. به جای اینکه اقامه ولایت کنند، کاری کردند که دختر پیغمبر اکرم به کنار قبر پدرش می آمد و در سایه بیت الاحزان با حسن و حسین علیهماالسلام می نشست و به گریه و شکایت از بعضی امت می پرداخت. مگر انقلاب را چه چیزی ایجاد می کند، جز ولایت؟ انقلاب را نماز حقیقی ایجاد می کند. آمدند خدمت علی علیه السلام و گفتند: «به زهرا علیهاالسلام بگو این قدر گریه نکند.» آنها به جای اینکه از خود بپرسند چرا دختر پیغمبر چنین بی قراری می کند و پاسخگو باشند، می خواستند صورت مسأله را پاک کنند.

امیدواریم ما جزو اقامه کنندگان نماز، روزه داران حقیقی و متوسلین به ائمه اطهار باشیم. ان شاء اللّه.

ص: ۵۶

عبادت، طهارت روح

(۷)

قال اللّه تبارک و تعالی فی کتابه الکریم: «و ما یریدُ اللّه ُلِیَجْعَلَ عَلَیْکُم مِنْ حرجٍ وَلکِنْ یُریدُ لِیُطَهِّرَکُمْ و لِیُتِمَّ نعمته علیکم لعلکم تشکرون».(۱) خدا نمی خواهد شما دچار مشقت شوید، و لیکن می خواهد پاکتان کند و نعمت خود را بر شما تمام سازد، باشد که شکر به جای آرید.

عبادات و تمام اوامر و نواهی حضرت حق براساس حکمت و در حقیقت به اراده او و با حکمت او است. بعضی از عبادات ها و مناسبتها خصوصیت بارزی دارند، در طول سال قابل تکرارند. مثل اینکه ما در سال، یک مرتبه ایام حج داریم. بعضی از عبادات و مناسبتها در ماه قابل انجام هستند مثل فضیلت نماز اول ماه، وسط ماه و آخر ماه، پنج شنبه اول ماه، پنج شنبه آخر ماه، و چهارشنبه دهه وسط ماه که روزه اش دارای اجراست. اما آن عبادتی که هر روز در میان عبادات تکرار می شود و دارای فضیلت

۱- ۱. مائده، ۶.

خاص نیز می باشد، نماز است. نماز پیوند معنوی با خداست. این ارتباط حتی در عرصه های دیگر نیز انسان را روحیه و جسارت می بخشد. نماز دارای پنج وقت و هر روز تکرار می شود. در همین پنج وقت، دارای مقدمات و مقارناتی هم هست. ابتدای آن طهارت جسم است و آخر نماز طهارت روح. اگر اول نماز طهارت جسم باشد و آخر نماز هم طهارت جسم باشد، نمازگزار حظ و بهره ای از نماز نبرده است. طهارت جسم در اول قرار می گیرد، ولی عمده طهارت روح است که در آخر و بعنوان نتیجه قرار گرفته. لذا نماز با تکبیر شروع می شود و با تسلیم و شهادت تمام می شود. یعنی با سلام به پیغمبر و آل او که در واقع ختم به ولایت و نبوت است. در سوره عنکبوت آمده که «اِنَّ الصلوه تنهی عن الفحشاء والمنکر و لذکر اللّه اکبر واللّه یعلم ما تصنعون»(۱) از امام صادق علیه السلام سؤال کردند که منظور از صلاه چیست؟ امام علیه السلام فرمود: «نحن الصلاه و نحن الزکاه؛ ماییم نماز و ما هستیم زکات». باطن و حقیقت این است. آن چیزی هم که مهم است و باعث صحت اعمال و عبادات می شود، همین ولایت است.

در آیه شریفه ای که در ابتدا بحث قرائت شد دقت کنید. «و ما یرید اللّه ُلیجعل علیکم من حرج؛ خدا هیچ زمانی نخواسته در دینش حرجی برای شما قرار دهد». اهل فن می دانند که «من حرج» مطلق است ونکره. یعنی هیچ گونه حرجی در دین برای شما قرارندادیم. پس اگر حرجی در دین نیست، این عبادات واعمال برای چیست؟

ص: ۵۸

۱- ۱. عنکبوت، ۵۴.

«ولکن یُریـدُ لیطهرکم و لیتم نعمته علیکم لعلکم تشـکرون»؛ اراده مـا بر این قرار گرفته که شـما را طـاهر کنیم و نعمت را برای شما تمام کنیم شاید شکرگزار شوید.

این آیه درباره نماز، وضو و غسل است که وقتی آب گیرتان نیامـد، بایـد به خاک پاک تیمم کنیـد. می فرماید: «و ما یریدُ اللّه لیجعل علیکم من حرج...»(۱) خداوند برای شما سختی و حرج در دین خود قرار نداده. پس نمی توان گفت آب گیرمان نیامد وضو و غسل هم نباشـد پس چرا بایـد تیمم کرد؟ آیا این زحمت نیست؟ بایـد گفت که زحمت نیست «ولکن یریـد لیطهرکم». خدا می خواهد شما را طاهر و پاکیزه کند. ظاهر این مطلب این است که ما می خواهیم شما را از کثافات جسم و ظاهری پاک کنیم. جمله «لیتم نعمته علیکم» در مقام بیان چه مطلبی است؟ این آیه حقیقتی را می خواهـد بیان کنـد. در سوره مائده پیرامون اتمام نعمت می فرماید: «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیتُ لکم الاسلام دینا» آن نعمتی که می خواهیم بر شـما تمـام کنیم، نعمت ولایـت است و تمـام نعمت، همین نعمت ولایـت است. در زیـارت جـامعه کبیره آمـده است: وجعل صلواتنا علیکم؛ دعا و صـلوات ما را بر شـما قرار داده است. ما خصنا من ولایتکم. و آنچه که تخصیص داده ما را به آن ولایت شما. طیبا لخلقنا و طهارهً لانفسنا، و تزکیهً لنا، و کفاره لذنوبنا.(۲) این بیان همان مطلب است که

---

۱ – ۱. مائده، ۶.

۲ – ۲. خانـدان پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله وسـلم بودنـد که موجب شدنـد دامن مـا از شـرک و بت پرسـتی که بزرگترین آلودگی و ظلم است پاک شود.

شیعه از نور شما ائمه است که خلقت او پاک است و شما ائمه باعث پاکی ما شدید.

اینکه فرمود بـاطن الصـلاه ولایتنا، و باطن الصوم معرفه جـدنا تصور نشود که باطن نماز یک چیزی می خواهـد بگویـد و باطن صوم چیز دیگری را؛ چرا که (کلهم من نور واحـد) است. همـان گونه که بـاطن نمـاز ولایـت ائمه اطهـار است، باطن روزه هم ولایـت ائمه است. باطن روزه هم معرفت پیغمبر است و هم معرفت ائمه معصومین علیهم السـلام این ها همه نور واحدنـد. منتها امام صادق علیه السلام در این روایت به ابعاد و جوانب مختلف اشاره نموده است.

روزه یا صبر

ذیل آیه شریفه از ائمّه نقل شد که: این روزه همان صبر است. قرآن می فرماید: «واستعینوا بالصبر والصلاه و انها لکبیرهٌ اِلا علی الخاشـعین». اشاره ما بر اساس همین عنوان است؛ چرا که در قرآن کریم خود پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله و پیامبران خدا به عنوان نمونه صبر معرفی شده اند. صبر وقتی به نهایت درجه می رسد، اجر صابرین هم به غیر حساب است.

وقتی جـابر بن عبـداللّه انصـاری مریض شـد، امـام باقر علیه السـلام به ملاقات ایشان آمـد. جابر گفت: «من از جوانی، پیری؛ از سلامتی، مریضی و از زندگی، مرگ را دوست دارم». امام باقر علیه السلام فرمود: اگر خدا پیری را بدهد، پیری را، اگر جوانی را بدهـد جوانی را؛ و اگر سـلامتی را بدهـد، سـلامتی را دوست دارم و اگر هم بیماری را بدهد، مریضـی را دوست دارم و در میان مرگ و زندگی اگر زندگی

ص: ۶۰

عطا کنـد، زندگی را و اگر مرگ را نصـیبم کند، مرگ را خواهانم. جابر دارای مقام تسـلیم بود. گفت: «من تسـلیم هسـتم اگر مریضـی باشـد، مرض را و الـان که در حـال پیری هسـتم، پیری را دوست می دارم. تسـلیم همین امرم». ولی مقام امام باقر علیه السلام مقام رضا بود. از مرحله تسلیم بودن گذشته، و به نهایت درجه رسیده بود... در ماه مبارک رمضان صبر عارفانه خوابیده است. لذا انسان باید در این ماه به بزرگترین صبر که صبر در مقابل گناه است دست یابد و آن را بخواهد.

ثمره شجره طیّبه

تمام فروعاتی که هست، فرع شـجره طیبه ولایت است. نماز فرع شـجره ولایت است. زکات، روزه و خمس همگی فرع اند. که فرمود: اصلها ثابت و فرعها فی السماء. و تمام گناهان فرع شجره خبیثه طاغوت هستند که انسان باید خود را از این شجره خبیثه دور نگـه دارد، تـوجه داشـته باشـد و در نگهـداری آن شـجره طیبه کوشـش کنـد. این مـاه در واقـع هنگـامه محکم کردن این ریسمان، یعنی ولایت است.

امیـدواریم که خـدای متعـال مـا را جزو والیـان این حضـرات علیهم السـلام قرار بدهـد و حضـرت حق توفیقی بدهـد که تحت توجهات ولی عصر خادم این نظام، مملکت و دین خدا باشیم.

ص: ۶۱

... «و نفس و ما سویها * فالهمها فجورها و تقویها * قد افلح من زکیها * و قد خاب من دسیها».(۱) سوگند به جان آدمی و آن کس که آن را با چنان نظام کامل بیافرید و در اثر داشتن چنان نظامی خیر و شر آن را به آن الهام کرد، هر کس جان خود را از گناه پاک سازد رستگار می شود و هر کس آلوده اش سازد زیانکار خواهد گشت.

محضر استاد

اگر در زندگی حضرت امام رحمه الله مطالعه ای کنیم، می بینیم امام رحمه الله ، هفته ای یک روز برای طلبه ها درس اخلاق داشته اند. از استاد شهید مطهری درباره درس اخلاق و تاثیرات آن جمله ای به این مضمون نقل شده است: «هفته ای که درس امام را درک می کردم تا هفته بعد و در طول یک هفته ما واکسینه می شدیم. تا می خواست آن حالت ذکر و توجه ناشی از درس اخلاق امام از بین

۱- ۱. شمس، ۷ _ ۱۰.

برود، دوباره نوبت درس می رسید».

این سخن کسی است که مدت ۱۲ سال از درس و محضر امام استفاده کرده و خودش اهل دل و اهل سیر و سلوک است. مسأله خودسازی خیلی مهم است و عمده مسأله این است که انسان ساخته بشود.

تأثیر خودسازی

امام رحمه الله از کسانی است که با خودسازی توانست این کار سترگ را به انجام برساند. ایشان وقتی وارد بحث اخلاق و عرفان می شود، حتی صحبتش نسبت به استادش با اساتید دیگرشان کانّه فرق می کند. امام، لفظ روحی له الفداء را به کار می برد و می گوید: «شیخ ما، آن پیر ما روحی له الفداء».(۱)

بدون تردید هر کدام از بزرگان هم که به این درجه رسیدند، یکی از این اساتید بزرگ را داشتند و توانستند به خودسازی بپردازند و به این مرحله برسند؛ به مرحله ای که نَفَس ایشان هم گرم و گیر است تا جایی که اگر قلم به دست گرفتند آن قلم موثر است و یک جمعیت سی و شش میلیونی را متحول می کند. نَفَس او لشکر صد هزار نفری را به سوی جبهه ها به راه می اندازد و یا وقتی به گوش دیگران می رسد، باعث تأثیر می شود. ناگفته نماند

---

۱ – ۱. علاقه مندان به کتب مختلف اخلاقی امام از جمله «چهل حدیث» مراجعه فرمایند. در جای جای کتاب علاقه امام به استاد خود، موج می زند.

که در هر دوره ای عده ای هستند که می خواهند این راه بدون پیرو بماند، اصولاً مردانِ الهی با دشمنان فراوانی روبه رو بوده اند که سعی داشته اند از پیوستن مردم به دین، اسلام و قرآن جلوگیری نمایند.

به این آیه که بسیار تکان دهنده است دقت کنید: «یوم یعض الظالم علی یدیه. یقول یا لیتنی اتخذت مع الرسول سبیلا»؛(۱) عجیب است مثل اینکه روز قیامت کافرین وقت به دندان گرفتن انگشت خود را پیدا نمی کنند، بلکه پشت دست خود را به دندان می گیرند و می گویند: «ای کاش ما هم یک راه مسالمت آمیزی با پیغمبر تو در پیش می گرفتیم». در دنباله آیه می فرماید: «یا ویلتا لیتنی لم اتخذ فلانا خلیلا». خدایا ای کاش با فلانی دوست نمی شدم و رسول تو را دوست خودم قرار می دادم.

این آیه شأن نزولی دارد. می گویند درباره فردی به نام عقبه و عبید است که این دو نفر خیلی با هم دوست صمیمی بودند. در عالم دوستی باید دقت کرد؛ چون خیلی موثر واقع می شود و خیلی اتفاق می افتد که یک دوست می خواهد عین رفیقش حرف بزند، راه برود، لباس بپوشد و از حرکات دوستش تقلید کند. عُبید عجیب به پیامبر علاقه داشت. هر زمانی که مهمانی تشکیل می داد یا از سفر برمی گشت و مراسمی داشت پیغمبر را دعوت می کرد. در یکی از مهمانی ها پیغمبر به عبید فرمود: «تا تو شهادت به وحدانیت خداوند ندهی، من از سفره تو لقمه ای برنمی دارم و

۱- ۱. فرقان، ۲۷.

چیزی نمی خورم؛ چون این سفره، سفره ای است که به دست یک مشرک پهن شده است.» عبید شهادتین را گفت و به وحدانیت خدا و رسالت پیامبر اقرار کرد. فردای آن روز عبید به دوستش عقبه رسید و گفت: «شنیده ام که به وحدانیت خدا و رسالت پیامبر ایمان آوردی؟» عبید گفت: «بلی. من راضی نبودم که کسی از سر سفره من بدون بهره بلند بشود. پیامبر مهمان من بود و من هم به او احترام گذاشتم». دوست عبید اصرار و تهدید کرد که اگر قرار است ما باز هم با هم دوست باشیم و رفاقت کنیم، باید بروی و به آن شخص (پیامبر) اهانت بکنی. این شخص برگشت و این آیه درباره او نازل شد: «یوم یعض الظالم علی یدیه یقول یالیتنی اتخذت مع الرسول سبیلا». ای کاش ما هم قبول می کردیم و با رسول تو این راه را می رفتیم. این ظلم بزرگی است بر خودش که از وجود رسول و این انقلاب عظیم پیغمبر بی بهره شد و از قافله انسانیت عقب افتاد.

برنامه ای برای حرکت

هر کاری اگر بخواهد نتیجه بخش باشد باید طبق نظم و برنامه صورت گیرد.

به عنوان یک انسان در همه مراحل زندگی باید با یک برنامه حرکت کنیم و طبق آن برنامه به خصوص به خودمان بپردازیم. ماه رمضان بهترین وقت و زمان برای خودسازی است.

در حالات حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم می نویسند که: یدأب فی

صیامه و قیامه و لیالیه و ایامه. وقتی که ماه شعبان می شد، حضرت بساط رختخواب را جمع می کرد و اصلاً دأبش و روشش این بود که هم روز، هم شب و هم سحرگاهان همیشه در حال ذکر و توجه به خدای متعال بود... . ما هم از خدای متعال بخواهیم که ما را جزو انقلابیون پیروان پیامبر و جزو آنهایی که این آیه در حالاتشان آمده، باشیم. «اَلا اِنَّ اولیاءاللّه لا خوف علیهم و لا هم یحزنون». امام صادق علیه السلام فرمود: «الا اِن اولیاءاللّه لا یموتون بل ینقلون من دار الی دار»؛(۱) آنهایی که با حیات طیب و پاکیزه زندگی کردند هرگز مرده نیستند، بلکه آنها از یک حیات به حیاتی، از یک خانه به خانه دیگری انتقال پیدا می کنند.

حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود: بزرگترین سرور و لذت مؤمن، همین حالت است که انسان لفظ «یا ایتها النفس المطمئنّه» را بشنود که آخرین مرحله نفس است.

آرزو می کنیم که ما قدرشناس این انقلاب عظیم و کسانی که این راه را رفتند و آن را برای ما هموار کردند، باشیم. هر قدمی که شما روی خاک سرزمین اسلام و مرزهای آن برمی دارید، خون شهید ریخته شده باید مراقب بود و حرمت این خونهای گرانبها را نگه داشت.

پروردگارا ما را اهل تزکیه، تهذیب و اخلاق قرار بده؛ خدایا همه ما را جز بهترین دوستان اهلبیت مقرر فرما.

پروردگارا زندگی ما را زندگی همراه با پاکی و صداقت قرار بده.

ص: ۶۶

۱- ۱. «اصول کافی»، ج۲، ص۵۹۸.

خلقت احسن

(۹)

قال اللّه الحکیم: «و قد احسن کلَّ شی ء خلقه و بدأ خلق الانسان من طین ثم جعل نسله من سلاله من ماء مهین ثم سواه نفخ فیه من روحه و جعل لکم السمع و الابصار و الافئده قلیلاً ما تشکرون».(۱)

[خدا] خلقت همه چیز را نیکو کرده، و خلقت انسان را از گلی آغاز کرد و نژاد او را از مایه ای از آب پست قرار داد، آنگاه وی را پرداخت، و از روح خویش در او بدمید، و برای شما گوش و دیدگان و دلها آفرید، امّا شما چه کم سپاس می دارید!

هر کدام از مخلوقات خدای متعال برای خود اثر منحصر به فردی را دارد. خداوند برای هر دردی دوایی خلق کرده؛ خدا فیاض و خالق خیر است، هر چیزی هم که آفریده منشأ خیر است. چون منبع همه فیوضات خداست، هر چه که به اراده او لباس هستی پوشید نسبت به هستی خودش منبع خیر هم است. منتهی

۱- ۱. سجده، ۷ _ ۹.

در تمـام عـالم امکـان، آنچه که اشـرف مخلوقـات شـد، انسـان است. آنچه که مقصود و غـایت برای خلقت انسان عنوان شـد، شنـاخت و عبادت خـداست. معنای (انا للّه و انا الیه راجعون) همین است. رفتن به سوی او و قـدم برداشـتن به سوی اللّه. اما این رفتن راههای مختلفی دارد. شـما اگر امروز زندگی صنفهای مختلف جامعه را مطالعه کنید، می بینید که فلاسفه از راه برهان و ادله، عارف از راه سـیر و سـلوک، مجاهـدین فی سبیل اللّه با مجاهـده و تلاش، محسـنین با کار خیر و نیکو می خواهند به خدا برسـند، هرچه هست، مقصـد اوست. این رفتن و رسـیدن به خـدا بـدون تهـذیب و پاکی نفس نمی شود. مقـدمه تهـذیب نفس شنـاختن خـود اسـت که این شـناخت نفس خـود خیلی مهم است. این مسـأله به عنـوان بحث معرفت نفس در کتب اخلاقی ما مطرح شده است.

انسان و دو جنبه مهم

انسان دارای دو جنبه می باشـد که در قرآن کریم هم به این دو اشاره شـده است: ۱_ جنبه ملکوتی و الهی ۲_ جنبه ناسوتی و مادی.

در آیـات شـریفه ای که قرائت شـد، اشـاره به همـان جنبه مـادی و ناسوتی انسان دارد که خـدای متعال انسان را از طین، از ماء مهیـن آب بی مقـدار و بی ارزش آفریـد. سـپس (ثـم سـواه و نفـخ فیه من روحه). از روح خـودش هم در این جسم دمیـد. بعد فرمود: «و جعل

لکم السمع و الابصار و الافئده قلیلاً ما تشکرون».

علوم را از دو راه به خوبی می توان آموخت: یکی از راه چشم و گوش و دیگر از راه قلب. اشراقیونی که جزء فلاسفه هستند و به حکما هم مشهورند، می گویند که این ظرف و قلب باید تمیز و تزکیه بشود تا «یزکیهم» اتفاق بیفتد. هر وقت تزکیه حاصل شود، نور علم در قلب آدمی تجلی پیدا می کند. علم حقیقی هم همین است که در اثر تقوا و تزکیه پیدا می شود. «واتقوا اللّه یُعلمکم اللّه».(۱) تقوا پیدا کنید که خدا شما را مورد تعلیم قرار می دهد. علم به عنوان نور معرفی شد: (لیس العلم بکثره التّعلیم والتعلّم بل هو نورٌ یقذفه اللّه فی قلب من یشاء).(۲) علم به زیاد یاد دادن و یاد گرفتن نیست، بلکه علم نوری است که خدا در قلب هر که بخواهد قرار می دهد. در قرآن کریم، خدا خود را نور معرفی می کند و می فرماید: «اللّه نور السموات و الارض»(۳) در نتیجه انسان اگر تزکیه و پاک شد، نور خدا، معرفت خداشناسی و نور معرفت در دل او متجلی می شود. این علم و معرفت مهمترین علم است؛ چون انسان معجونی است که در یک سمت: «فدنی فتدلّی فکان قاب قوسین او ادنی»(۴) حتی فرشته به آنجا راه ندارد. البته اینجا تشبیه معقول به محسوس است، والّا خدا نه مکان دارد و نه در زمان

۱- ۱. بقره، ۲۸۲.

۲- ۲. نک: «اصول کافی»، ج ۱، ص ۲۹.

۳- ۳. نور، ۳۵.

۴- ۴. نجم، ۹.

می گنجد و نه در وقت. «دنی فتدلی فکان قاب قوسین او ادنی». دو کمان یا کمتر از دو کمان مانده که پیغمبر به خدای متعال برسد. این تشبیه معقول به محسوس است، والا خدای متعال همه جا هست و پیغمبر اکرم همه جا به خدا نزدیک است. مقرب بودن به معنای نزدیکی مکانی نیست. وقتی اشاره کردند به جبرئیل که چرا حرکت نمی کنی، گفت: «لَوْ دَنَوْتُ لَاَءحْتَرَقْتُ(۱)؛ اگر نزدیک شوم می سوزم».

راوی می گوید: روزی در محضر امام معصوم علیه السلام با رفقا و دوستان خویش نشسته بودیم. نگاه به آسمان کردم و دیدم این آسمان چقدر زیباست که خدای متعال می فرماید: «انا زینا السماء الدنیا بزینه الکواکب».(۲) دیدم خیلی زیباست. این چه خالقی است؟ و چه قدرتی است؟ امام علیه السلام فرمود: همان گونه که شما الان به آسمان نگاه می کنید و می بینید که آسمان این قدر زیباست، ملائکه هم از آسمان به زمین نگاه می کنند و نور مومنین برای آن ها از نور ستارگان زیباتر است. نور مومنین از نور ماه بیشتر است. زمین نسبت به آسمان خودش آسمانی است. نور انسان مومن بیش از نور ملائکه اللّه است؛ چون او این نور را کسب کرده و به دست آورده. پس این «دنی فتدلی فکان قاب قوسین او ادنی» در یک طرف روحانیّت و معنویت قرار گرفته است. از سوی دیگر جنبه

۱- ۱. «المناقب»، ج۱، ص۱۷۸؛ «بحار الانوار»، ج۱۸، ص۳۸۲.
۲- ۲. صافات، ۶.

ناسوتی هم در انسان هست.

«ثم رددناه اسفل سافلین»(۱) یا «اولئک کالانعام بل هم اضل»(۲) بیان گر این جنبه ناسوتی و مادی انسان است.

حکایت

شخصی می گوید پس از تحصیل با یکی از رفقایم از نجف اشرف برمی گشتم. پیش خودم فکر کردم که در شهر ما دیگر کسی مثل من وجود ندارد و پیدا نمی شود؛ چرا که من چند سالی به نجف رفتم و درس خوانده ام و الان دیگر یکه تاز میدان شهر هستم. یک مرتبه دیدم بدون اینکه حرفی بزنم، آن اهل دل که همراه من بود برگشت و به من گفت: «تو با یک، باربر هیچ فرقی نداری». خیلی تعجب کردم که او دارد از دل من حرف می زند. پرسیدم: «چطور؟» گفت: «به خاطر اینکه تو هنوز تزکیه نشده ای. کسی که بار گذاشته اند روی دوشش و پشت سرش را نمی بیند و اگر کسی دست روی شانه اش بگذارد باید برگردد تا او را بشناسد. تو هم باید برگردی تا بشناسی. اگر برنگشته شناختی، آن موقع یکه تازی و معلوم می شود که حقایق را می بینی و درک می کنی»!

الآن که دو تا اصطلاح بلد شدی این دو تا اصطلاح، یک معرفی نامه، مدرک، حکم و... انسان را به جایی نمی رساند.

۱- ۱. تین، ۵.

۲- ۲. اعراف، ۱۷۹.

حتی ممکن است گاهی همین حکم ها و مسؤولیت ها باعث عاقبت به شرّی انسان بشود و انسان نتواند در مقابل این حکم انجام وظیفه بکند و در مقابل این مسؤولیت ها بایستد و مسؤولیت بر او غلبه کند. انسان با تهذیب و تزکیه یک تاز میدان می شود نه با انباشت علوم و اطلاعات!

نعمت و شکر آن

«ثم سوّاه فنفخ فیه من روحه و جعل لکم السمع والابصار والافئده قلیلاً ما تشکرون»؛(۱) ما این سمع و ابصار را به شما دادیم به عنوان نعمت که شما در مقابل آن شکرگزار باشید». درباره سمع و بصر با عنایت به ترتیب آیه، می گویند وقتی که انسان به دنیا می آید در اولین مرحله سمع و گوش انسان کار می افتد و بعد بصر و چشم. لذا قرآن سمع را بر بصر مقدم کرده است؛ چون بصر از تاریکی آمده به روشنایی طول می کشد تا قدرت دید پیدا کند، اما سمع نه، گوش انسان می شنود. لذا فرموده اند که وقتی انسان به دنیا آمد با صدای اذان و اقامه در گوش راست و چپ او فطرتش را بیدار کنید.(۲) اما افئده... این قلب صنوبری که در سمت چپ بدن وجود

۱- ۱. سجده، ۹.

۲ - ۲. در روایات آمده است: کودکان که به دنیا می آیند «حدیث العهد بالربّ» هستند. زمان زیادی از عهد ایشان با پروردگار عالم نمی گذرد. وقتی کودک متولد می شود او را با اذان و اقامه نسبت به عهدش متذکر شوید.

دارد، این نیست و آن قلب مورد نظر یک حقیقت بالاتر از این است. یعنی جان انسان حقیقت انسان، که درک می کند حقایق عالم را.

انسان باید خودش را بشناسد. این نیروی حساسی را که در وجودش نهفته است، شناسایی بکند و راه بیفتد. اولین نفسی که باید شناخته شود نفس الهیه است. ما هشت تا نفس داریم. این که گفته اند: «من عرف نفسه فقد عرف رَبَّه» یا «اعرفکم بنفسه، اعرفکم بربّه» یا «اعلمکم بربه» و «افضل العلم معرفه الانسان بنفسه» این کدام نفس است؟ یکی این است که انسان این روح الهیه را بشناسد که این قدرت در وجودش هست تا به این مرحله برسد. هر درسی زمان و مکان خاص و مناسبی می خواهد. ماه مبارک رمضان یکی از همان زمانهای مناسب است که خاصیت بارزش تقویت همین جنبه الهیّه و روحانی انسان است. بدون این شناخت امکان نجات وجود ندارد. انسان وقتی معرفت پیدا کرد و خود را شناخت، برای حفظ گوهر انسانی خویش تلاش می کند. خود را از هر چه نافرمانی است دور نگه می دارد. حضرت فرمود: «الصیام جُنهٌ من النار و الصیام زکاه الابدان». وجود انسان هرچه که گناه در او جمع شده با روزه آب می شود. انسان در این ماه برای خودش سپری در مقابل آتش جهنم درست می کند. آن تعبیری هم که در روایات ما آمده است که پل صراط از مو باریکتر و از شمشیر تیزتر است، همین مسأله گذشتن از شهوت ها و معاصی است. گذشتن از یک لحظه لذت، میل و خواهش درونی برای خدا. دنیایی که اگر حقیقت و معنای واقعی اش روشن بشود، آن وقت

انسان می فهمد که چه مصیبتی است. دنیایی که حضرت علی علیه السلام فرمود: «الدنیا تَغرُّ و تَضُرُّ و تَمُرُّ».(۱) این دنیا می رود و در عین گذر گول هم می زند و ضرر هم دارد که حقیقت دنیا همین غرور است. شهوت، غضب و... همه معاصی و گناهان آتشی هستند که باید از آنها پرهیز و به خدا پناه برد.

خدایا پاکم نما

در دعای روز سیزدهم این ماه شریف می خوانیم: «اللّهمّ طهرنی فیه من الدنس و الاقذار». خدایا مرا در این روز از زشتیها و کثافات درون و باطنی مثل حسد، کینه، حرص، سوءظن و هر آنچه بدی است پاک کن. درون و بیرونم را با هم، هم آهنگ کن و از هر نوع آلودگی طاهرم ساز.

توجه به خودسازی

دستگیری از دوست و رفیق و نجات آنها از گناه، از مسائل بسیار مهمی است که امروز بی توجهی به آن یکی از مشکلات جامعه ماست. بعضی از جوانها سرپرست ندارند و کسی نیست آنها را جمع کند و راهنمایی نموده و از اسلام دلسوزانه برایشان بگوید. متأسفانه یک عده هم با انواع و اقسام اقدامات به جای این که امر به معروف و نهی از منکر را تقویت کنند، در مقابل این حکم الهی می ایستند!

۱- ۱. «نهج البلاغه»، کلمات قصار، ۴۰۷.

در نهج البلاغه از حضرت امیرالمومنین علیه السلام جمله ای بدین مضمون نقل شده است(۱): شما دوستتان را زیر آفتاب می بینید که صورتش با تابش نور خورشید می سوزد. شما دستش را می گیری و از زیر آفتاب بیرون می بری؛ اما اگر دوست تو در منجلاب گناه، بد اخلاقی، بد برخوردی با ارباب رجوع قرار گرفت، هیچ موقع همکار و دوست نمی گوید دوست من خوب بود، این گونه برخورد نکنی و به هر صورت او را ارشاد و راهنمایی نماید و او را نصیحت کند. ما قدر آنهایی را که این گونه هستند باید بدانیم، آنهایی که عیوب ما را مشفقانه تذکر می دهند ناصح اند خیرخواه ما هستند... .

نتیجه این که مرحله اول شناخت نفس الهیه است که همان «سوّاه و نفخ فیه من روحه و جعل لکم السمع والابصار و الافئده قلیلاً ما تشکرون». اگر همه ما به شناخت نفس خویش قدرت پیدا کنیم و در راه تزکیه نفس و سازندگی وجودمان که خود عالم بزرگی است تلاش نمائیم یعنی شکر بخشی از نعمتهای الهی را به جای آورده ایم. ان شاء اللّه که چنین باشیم.

بار پروردگارا همه ما اهل شکر و ذکر مقرر فرما! خدایا زشتی گناهان و نافرمانیت به همه ما نشان بده! الهی توفیق توجه، انابه، توبه و تقرّب به همه ما کرامت فرما.

۱- ۱. «نهج البلاغه»، ذیل آیه شریفه: «یا ایها الانسان ما غرک بربک الکریم».

هدف خلقت

قال اللّه الحکیم فی محکم کتابه: اعوذ باللّه من الشیطان الرجیم: «افحسبتم اَنَّما خلقناکم عبثا ثم الینا لا ترجعون».(۱)

آیا چنین پنداشتید که ما شما را به عبث و بازیچه آفریده ایم هرگز به ما رجوع نخواهید کرد؟

در بحث گذشته معلوم شد که بشر برای شناخت، تربیت و تهذیب آفریده شده و این تهذیب بدون شناخت خود میسر نیست. یعنی اگر انسان خود و نیروهای درونی و استعدادهای خود را نشناسد، ممکن نیست آن راهی را که خدا می خواهد بتواند، طی بکند و به نتیجه برسد. همچنین بیان شد که خودشناسی برای یک سالک الی اللّه که می خواهد به خدای برسد، مقدمه راه است.

تمام علومی که امروز رایج است و در مراکز علمی و

۱- ۱. مؤمنون، ۱۱۵.

دانشگاههای جهان تدریس می شود، هر یک موضوعی دارد. علمی مهم تر است که موضوعش مهم باشد. اگر شما می بینید توحید مهمترین و بزرگترین مطلب و علم است و در اولین مرحله دعوت پیامبران قرار گرفته، به دلیل مهم بودن موضوع آن است. موضوع علم توحید؛ خدا و خداشناسی است. چون توحید بحث خداشناسی است و پیرامون ذات اقدس اللّه صحبت می کند و در اولین مرحله از دعوت پیامبران قرار گرفته است. می توان گفت بعد از توحید مهمترین بحثی که در میان علما مطرح است، بحث اخلاق و مکارم اخلاق است. البته علوم دیگر هم خیلی مهم اند. نظیر اقتصاد، صنعت، بهداشت، تربیت بدنی، طب، جامعه شناسی و... موضوع علم طب بهداشت و تندرستی و یا موضوع تربیت بدنی، بدن انسان است، ولی هر یک از اینها به ظاهر انسان کار دارند. آنچه مهم است درون انسان است؛ چرا که انسان دارای دو صورت و جنبه است: یکی صورت ظاهری که خَلْق اوست و دیگری صورت باطنی انسان است که خُلْق، خوی و سیرت او می باشد.

همان گونه که ظاهر ما اعضا و جوارحی چون دست، پا، گوش و سایر جوارح بیرونی را دارد، درون ما هم همین گونه است. خَلْق اشاره دارد به ساختمان بیرونی و خُلق به ساختمان درونی بشر توجه دارد.

از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل است: «اِنَّ اللّه ـ اَحْسَنَ خَلْقَکَ

فَاَحْسِنْ خُلقک».(۱) خداونـد تو را به این زیبـایی آفریـده. انـدامهای به جـا و عـالی و چهره ای زیبـا به تو عنـایت کرده، تو هم درون خود و خُلقت را زیبا کن و درون، خود را بساز.

امام سـجاد علیه السـلام هم در دعایش همین مطلب را از خداوند می خواهد و می فرماید: «کما اَحْسَـنْتَ خَلْقی فَأحْسِنْ خُلْقی؛ همان گونه که ظاهرم را زیبا کردی، درونم را هم زیبا و نیکو قرار بده.» پیغمبر خاتم صـلی الله علیه و آله وسـلم از نظر جسـمی کامل بود و یک کمال برای او محسوب می شد. باید هم پیغمبر از دیگران حتی از لحاظ جسـمی هم سالمتر و شجاعتر باشد و از سایر فضایل جسـمانی نیز از دیگران برتر باشد؛ ولی خداوند پیامبر را با توجه به وضعیت جسمانی و ظاهری توصیف نکرده، بلکه خُلق پیغمبر را توصـیف نموده است: «فبمـا رحمه من اللّه ِ لِنْتَ لهم فلو کنت فظـا غلیـظ القلب لانفضُّوا مِنْ حولک»(۲) ای پیامبر تو با رحمت ما بر مردم نرم شدی؛ و اگر خشن و درشـتخوی بودی، مردم از اطرافت پراکنده می شدند. در سوره ق خلق پیامبر را با صفت عظیم توصیف فرموده: «اِنَّکَ لَعَلی خُلُقٍ عظیم». خُلق و صفت درونی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را ستوده که درون تو زیباست و این رحمتی که مردم امروز می بینند از درون زیبای تو سرچشمه می گیرد.

۱- ۱. در کتاب «عین الیقین» مرحوم فیض نقل می کند. از قول پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله وسـلم اللهمّ کما احسنت خَلقی فاحسن خُلقی. در جای دیگر آمده است: اللهم حسّنتَ خَلقی فَحسِّن خُلقی.

۲- ۲. ال عمران، ۱۵۹.

نفس و الهام الهی

پس انسان بایـد خود را بشـناسد. اما این خود چیست؟ یکی همان نفس الهیّه است که فرمود: «و نفخ فیه مِنْ روحه»(۱) از روح خـودش در آن دمیـد که این بایـد شـناخته شود. دیگری نفس «ملهمه» است که در سوره «شـمس» به آن قسم خورده و فرمود: «ونَفْسٍ و ما سویها فالهمها فجورها و تَقْویها». قسم به نفس و آنکه بیاراسـتش، آن نفسی که زشتی گناه و زیبایی تقوی را به او الهام کرد.(۲) خداونـد این گونه به این نفس قسم می خورد؛ نفسـی که خوبی و بدی را می شـناسد. اما بعد از مرحله شـناخت نفس، یقظه و بیداری مهم است. یک سالک الی اللّه بعد از شناختن خویش باید در حال بیداری باشد. از غفلت و حواس پرتی بپرهیزد و توجّه داشـته باشد که همیشه در محضـر خداست. بیداری چیست؟ از حضـرت علی علیه السلام در «غُرر» روایتی نقل شده است: «الیَقْظَهُ نورٌ، والیَقظهُ استبصارٌ؛ یقظه و بیداری هم نور است و هم بصیرت». یعنی یقظه هم بیداری و روشنایی ظاهری است و هم روشنایی

ص: ۷۹

۱- ۱. قلم، ۴.

۲- ۲. تفاوت وحی و الهام: وحی آن است که مخاطب صـدای متکلم را می شـنود و گاهی هم شـکل او را می بینـد مثل اینکه پغمبر اکرم صلی الله علیه و آله جبرئیل امین را در شکل دحیه کلبی می بیند و صدای او را می شنود ولی در الهام بدون شنیدن و دیـدن، یـک مطلب بر قلب مخـاطب الهام و القاء می شود. و تفاوت دیگر اینکه وحی مختص پیامبران است ولی الهام به غیر پیامبران اختصاص دارد.

درون که به مراتب روشـنایی درون از روشنایی و بینایی ظاهر و جسم مهمتر است. فرمود: «فَقْدُ البصر اَهْوَنُ مِنْ فقد البصره».(۱) انسان اگر چشم ظاهر نداشـته باشد بهتر از این است که چشم درونش کور باشد و نبیند و بصیرت نداشته باشد و بدون آگاهی زندگی کند. امام علی علیه السلام فرمود: «اگر من خدا را نبینم، خدا را عبادت نمی کنم».(۲) این نه با دیدن چشم ظاهر است. این همان بصـیرت داشـتن و دیـدن با چشم دل است. خـدا را هرگز نمی توان با چشم سـر دید (لا تدرکه الابصار و هُو یدرک الابصار). او لطیف و خبیر است و چشم ها نمی توانند او را درک کنند، ولی او دیده ها را درک می کند.

بیداری

مسـأله مهم در این راه «بیـداری» و «یقظه» است که متأسـفانه این بیـداری ما با همین نفس اماره و لغزشـهایی که در زنـدگی ما اتفاق می افتد، دیر بوجود می آید. زمانی به بیداری می رسـیم که مرگ می رسد. حضـرت علی علیه السلام فرمود: الناس نیامٌ و اذا ماتوا انتبهوا.(۳) مردم همه در خوابند و حال آنکه چشمان ایشان باز است. و زمانی که می میرند بیدار می شوند و یا وقتی بیدار می شوند که مرده اند و

ص: ۸۰

۱- ۱. نک: «اصول کافی» ج۲، ص۵۹۱.

۲- ۲. نک: «بحار الانوار»، ج۴۰، ص۱۵۳؛ ج۴۶، ص۱۳۴؛ ج۶۴، ص۳۲۱؛ «ارشاد القلوب»، ج۱، ص۱۲۴.

۳- ۳. «بحار الانوار»، ج۵۰، ص۱۳۴؛ ج۶۶، ص۳۰۶.

مردن باعث بیداری آنها می شود. شدت و سکرات مرگ آنها را به خود می آورد و بیدار می کند و یک مرتبه چشم باز می کنند می بینند که تمام وسایل و بساط زندگی به هم ریخته است. غافل شدن بد دردی است. غفلت سرمایه سوز است. خیلی تأکید کرده اند که یکی از موجبات غفلت، فراموشی است. انسان باید بین خوف و رجا باشد. زیرا از یک طرف انسان را خلق کرد با جنبه: مِنْ حماءٍ مسنون(۱) که در سوره سجده و حجر اشاره شد و «خلقتُهُ من طین» و از طرف دیگر انسان را خلق کرد با جنبه: «لقد خلقنا الانسانَ فی اَحْسَنِ تقویم».(۲)

در میان این گیر و دار دائما در حال کنش و واکنش و عمل و عکس العمل است. اگر متوجه آن اول خلقت خود نباشد و آن را فراموش کند، انسانی متکبر و خودخواه می شود. برای همین در قرآن شریف فرمود: «فلینظر الانسانُ مِمَّ خُلِق. خُلق مِنْ ماءٍ دافق یخرج من بین الصلب والترائب».(۳)

چرا تکبر؟

علی علیه السلام در روایتی فرمود: «عجبتُ مِنْ اِبنِ ادَمَ اَوَّلُهُ نُطْفَةٌ و آخرهُ جیفه کیفَ یتکبر؛(۴) من از این فرزند آدم تعجب می کنم که اولش

ص: ۸۱

۱- ۱. حجر، ۲۶ و ۲۸.

۲- ۲. تین، ۴.

۳- ۳. طارق، ۵.

۴- ۴. «نهج البلاغه»، کلمات قصار، ۱۲۶ و ۴۵۴.

نطفه است و آخرش مردار و با این حال چگونه تکبر می کند!» خداوند انسان را این گونه خلق کرده و ملائکه هم که اعتراض کردند به خلقت انسان، شاید توجهشان به آن جنبه اول (مادی) انسان بود که در سوره بقره اشاره شده است: «اتجعل فیها من یفسد فیها و یسفک الدماء و نحن نسبح بحمدک و نقدس لک قال انی اعلم ما لا تعلمون».(۱) فرشته ها گفتند: «آیا کسی را می خواهی در زمین قرار دهی که در زمین فساد می کند و خونریزی انجام می دهد؟ و حال آنکه ما تو را تسبیح می گوییم و می پرستیم». خداوند فرمود: «من چیزی را می دانم که شما از آن آگاهی ندارید». شاید «انی اعلم ما لا تعلمون» نگاه به «و نفحت فیه من روحی»داشت و «أَتجعل فیها من یفسد فیها ویسفک الدماء» متوجه به «حماءٍ مسنون» و «ماءٍ دافق» بود. انسان در میان این دو جبهه است و باید تلاش کند.

در کتاب «اخلاق» شهید بزرگوار دستغیب آمده است: در حالت یکی از پادشاهان نوشته اند که وزیری داشت. این وزیر به درجه ای عالی رسیده بود و نزد سلطان ارج و قرب فراوانی داشت. گاهی مواقع دیده می شد که وزیر از دیده ها پنهان می شد و معلوم نبود کجا می رفت. روزی تعقیبش کردند. دیدند که به خرابه ای می رود و بعد از مدتی مکث در آن خرابه دوباره برمی گردد. دیگران که شاهد قرب و منزلت وزیر بودند گفتند: «چه

۱- ۱. بقره، ۳۰.

جور می شود که وزیر را از نـان خوردن بینـدازیم و منزلت او را نزد شاه پایین بیاوریم و نگـذاریم به مرحله بالاتر برسـد:» پیش سلطان رفتند و سـعایت کردند، ولی سـلطان قبول نکرد و وزیر را احضار کرد. پرسـید: «موضوع چیست؟» سـپس سلطان دستور داد در خرابه را باز کردند و دیدند وسایل خارکنی و لباس خارکنی در داخل خرابه گذاشته است. هر چه خرابه را کندند تا به گنجی برسـند، دیدند خبری نیست و چیزی مثل طرح و نقشه کودتا و امثالهم وجود ندارد. از وزیر پرسـیدند: «پس برای چی به این خرابه می رفتی؟» گفت: «من قبـل از اینکه وزیر بشوم، خـارکنی بیش نبودم. الآـن که به این مرحله رسـیده ام، هر روز یک مرتبه به آن خرابه می روم و لبـاس وزیری را درآورده و لبـاس خـارکنی را می پـوشم و می گـویم فلاـنی تـو هنـوز هم همـان خارکنی. تو هنوز هم همان انسانی هستی که بودی!»

خدایا عقابم مکن

دعای روز چهاردهم ماه مبارک رمضان می خوانیم: «اللّهمّ تؤاخذنی فیه بالعثرات؛ خدایا مرا به لغزشهایم مواخذه مکن.»

امـام سـجاد علیه السـلام در دعـای ابوحمزه می فرمایـد: «الهی لاـ تؤدبنی بعقوبتـک و لاـ تمکربی فی حیلتک؛(۱) خـدایا مرا با عقوبتت ادب مکن. برای همین است که انسان در معرض لغزشها و گناهان قرار

۱- ۱. «مفاتیح الجنان»، دعای ابوحمزه.

دارد. اگر خداوند بخواهد ما را به خاطر این لغزشها ادب کند، باید هر روز مواخذه بشویم. او چقدر رحیم است که ما را فوری مواخذه نمی کند، بلکه مهلت توبه و بازگشت می دهند.

از برکات ماه مبارک رمضان استفاده کنیم و وجود و درون خودمان و خُلق خود را زیبا کنیم. همانطور که فرمود: «تخلقوا باخلاق اللّه؛ خود را به اخلاق خدایی متخلق بکنید». اخلاقی که در پیغمبر اکرم و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام تجلی پیدا کرده است، اخلاقی که قرآن مروّج آن است.

پروردگارا به عزت و آبروی خوبان درگاهت ما را به اخلاق حسنه مزیّن فرما.

ص: ۸۴

اسوه اخلاق

(۱۱)

قال اللّه الحکیم فی محکم کتابه: اعوذ باللّه من الشطان الرجیم: یا ایها الذین آمنوا اتقوا اللّه و کونوا مع الصادقین(۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا بترسید و قرین راستگویان باشید.

با سلام به حضرت ولی عصر علیه السلام و تبریک به مناسبت میلاد خجسته امام حسن مجتبی علیه السلام .(۲) بحث و صحبت از امامت و مقام شامخ امام بحث بسیار مهم و سنگینی است. امانتی که آن در آیه شریفه آمده است چیست؟ «انا عرضنا الامانه علی السموات والارض والجبالَ فأَبَینَ أنْ یَحْمِلْنَها وَ اَشْفَقنَ مِنْها و حَمَلَها الإنْسانُ اِنَّهُ کانَ ظلوما جَهُولاً»(۳)؛ ما عرضه کردیم امانت خود را بر آسمانها و زمین و کوهها پس هیچ یک قدرت پذیرش آن را نداشتند و ابا کردند از پذیرش آن و انسان این امانت را پذیرفت به درستی که او

۱- ۱. توبه، ۱۱۹.

۲- ۲. این بخش از بحث در ایام میلاد امام حسن علیه السلام مطرح شده است.

۳- ۳. احزاب، ۷۲.

ستمگری نادان است.

امامت عهـدی است الهی که خـدای متعال بعد از آنکه حضـرت ابراهیم را مقام نبوت و خلیل بودن عنایت فرمود به آن عهد و مقـام رسانیـد. ایمـان به منزلت پیـامبران و خلافت الهی و خلافت پیامبر، یعنی ایمان به مقام شامـخ و منیع امامت که در این آیه شریفه به آن اشاره شـده است. مصـداق بارز امانت الهی جـدای از قرآن شـریف که امانت خداست، تکلیف، مسؤولیت، مسأله امامت و ولایت ائمه اطهار علیهم السلام است.

چون در این ایـام بحث هـای اخلاقی مطرح است و مقصود این است که مقـداری تـذکر اخلاقی داده شود، به یکی دو نکته از زندگی امام حسن علیه السـلام پیرامون اخلاق اشاره می کنیم. از افتخارات مکتب اسـلام است که چنین شخصیتها و اسوه های عظیمی داریم.

مسـأله اخلاق همان گونه که بیان شـد بعـد از توحیـد مهمترین علم است. خـدای متعال هم در قرآن شـریف بعثت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را برای تکمیـل مکـارم اخلاـق قرار داده است. خود پیغمبر هم می فرمایـد: «بُعِثْتُ لِاُءَتمم مکارم الاخلاق». این مسأله را در زنـدگی ائمه اطهار، بخصوص در زنـدگی امام حسن علیه السـلام می توان دیـد. همان امامی که کار او مقدّمه عـاشورا و حمـاسه عظیم و شورانگیز کربلاـست. او است که زمینه کربلاـ و عـاشورا را درست می کنـد و بر علیه ظلم قیام همه جانبه به راه می انـدازد، مجاهد فی سبیل اللّه و زاهدترین مرد بعد از پیغمبر اکرم صـلی الله علیه و آله و علی علیه السـلام است. خود پیغمبر و ائمه اطهار درباره شخصیت امام حسن علیه السلام صحبتهای عجیبی

دارنـد. در تاریـخ نوشـته انـد که امام حسن علیه السـلام بیست و پنج بار با پای پیاده از مدینه به سوی مکه برای عبادت و انجام اعمال حـج رفته است. هنگام وضو حضـرت را می دیدنـد که این اسـتخوانهای بـدنش روی هم قرار ندارد و بدن حضـرت می لرزد. از حضـرت سـئوال می شـد که علت این حـالت چیست؟ می فرمـود: «هر کسـی که می خواهـد وضـو بگیرد و به محضـر خدای متعال برود، باید این گونه باشد». نوشـته اند که حضـرت سه مرتبه تمام اموال خودش را با خدا قسمت کرد و نصف آن را در راه خدا به فقرا داد. حتی نعلین و کفشـی که داشت، آن را هم با خدا تقسـیم کرد و بخشـید.(۱) «خضوعی» که در دعای روز پـانزدهم مـاه مبارک رمضان از خـدا می خواهم: اللهُمَّ ارزقنی فیه طاعه الخاشـعین. خشوع در حـد اعلی در امام حسن علیه السـلام وجود داشت. این خشوع و خضوع نتیجه همان معراجی است که انسان می رود. بنده خدا به وسیله ایمان، عمل صالح و مجاهدت عروج معنوی و روحانی پیدا می کند همه انسانها معراج دارند، پرواز به سوی معبود دارند. منظور ما از معراج در این بحث نهایت خضوع، بنـدگی و مظلومیت بنـدگان خاص الهی است. منظور معراج روحانی چون «الصـلوه معراج المؤمن» است. حضـرت آدم علیه السـلام یک معراجی داشت. معراج حضـرت آدم، اوج بنـدگی، توبه و همان گریه آدم در فراق بهشت بود. حضرت یعقوب نیز معراج داشت و گریه و ابتلا به فراق

۱- ۱. یعنی اگر دو جفت نعلین داشت یک جفت آن را به فقرا داد.

حضرت یوسف برای حضرت یک نوع معراج بود. و بالاخره حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله معراج داشت و معراج رسول اکرم همان حالتی بود که ابوجهل ها دنبال پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله راه می افتادند و به بدن پیغمبر سنگ می زدند. اما پیغمبر اکرم تعرضی به این اشخاص نمی کرد و با عطوفت و رحمت و بزرگواری می گذشت همه اینها در راه خدا و برای خدا بود که موجب عروج ایشان بود. مصداق بارز «اذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما»(۱) ایشان بودند. امیرالمؤمنین علی علیه السلام هم معراج داشت. شهادت او در حال نماز در محراب معراج دیگری است. امام حسن علیه السلام هم معراج داشت. امام حسن زمانی معراجش تحقق پیدا کرد که سجاده از زیر پایش کشیدند و لطماتی بر حضرت وارد شد. این معراج امام حسن علیه السلام است. هر کدام از بندگان به معنای اعم یک معراجی داشتند به عنوان رسیدن به مرحله ای عالی از بندگی در حد و توان خود. جدای از آن معراج خاص پیغمبر اکرم که در آیه «دنی فتدلی فکان قاب قوسین او ادنی»(۲) بیان شد. زندگی امام حسن علیه السلام و بعضی از حوادث زندگی وی برای هیچ یک از ائمه ما تحقق پیدا نکرده است. از جمله آن فرازهای مهم تدبیر امام در مقابل ظالم زمان خودش و چاره اندیشی اش برای حفظ اصل اسلام بود که به تعبیر حضرت امام خمینی رحمه الله (حفظ اسلام) از اهم واجبات و از نماز هم واجب تر است. از زکات هم مهمتر است. امام حسن علیه السلام در

۱- ۱. فرقان، ۶۳.

۲- ۲. نجم، ۹ و ۸.

زمانه ای زندگی می کردند که با شرایط به وجود آمده خیلی از مردم در عصر و زمان امام حسن علیه السلام به گونه ای بودند که از وجود مبارک امام به عللی بهره نبردند و از حجت خدا دور افتادند.

در کتاب طرائف آمده است که شخصی از عراق به مدینه آمد و پیش عبداللّه بن عمر رفت. از او سئوال کرد که خون پشه پاک است یا نجس؟ در یک مجلس بزرگی فرض کنید نشسته بودند که عبداللّه بن عمر سئوال می کند: «شما از کجا آمده اید؟» می گوید: «از عراق.» عبداللّه می گوید: «عجب مردمی هستید شما». خون پسر پیغمبر را می ریزید و جگرگوشه او را آنگونه تکه تکه می کنید و کسی را که پیغمبر اعضا و جوارح او را، اعضا و جوارح خودش می دانست این گونه می کشید، نمی گویید ریختن خونش حلال است یا حرام؟ آن وقت از من سئوال می کنید که خون پشه پاک است یا نجس؟ چه مردمی هستید؟ چرا آن موقع این سئوال را نکردید؟ چرا این سئوال را نکردید که پیغمبر فرمود: حُسَیْنٌ مِنّی وَ اَنَا مِنْ حُسَیْن فانّی اُحِبُّ مَنْ اَحَبَّهُ».(۱) چرا آن موقع این سئوال را نکردید؟

غنایم بخش

در ماه مبارک رمضان می گویید: «اللّهمّ سُدَّ فقرنا بغناک؛ خدایا این گرسنگی، تشنگی و عطش، را به غنای خودت مسدود فرما».

ص: ۸۹

---

۱ - ۱. «کامل الزیارات»، ص۵۲، باب ۱۴؛ «بحار الانوار»، ج۳۷، ص۷۴؛ ج۴۳، ص۲۶۱، ج۱، ص۲۷۰؛ «ارشاد مفید»، ج۲، ص۱۷۲.

دنیا محل سد جوع است و جای ماندن نیست. حضـرت امام حسن علیه السلام همین گونه بود و به دنیا دلبستگی نداشت. وقتی آن مرد شامی آمـد. امام علیه السـلام را دید پرسـید: «این کیست؟» گفتند: «امام حسن فرزند امیرالمؤمنین علیهماالسـلام است». بعد از شنیدن این جواب آن مرد شامی می گوید: «من بر اثر تحریکات و تبلیغات سوء معاویه آنقدر حقد و کینه به این خاندان پیـدا کرده بودم که شـروع کردم به امیرالمؤمنین و این خانـدان بـد گفتن و بعـد دیـدم که حضـرت با آن خلق کریمانه اش در مقابل حرفهای من هیـچ گونه تعرضـی به من نکرد. حرفهایم که تمام شـد، امام حسن علیه السـلام فرمود: «احسـبک غریبا؛ فکر می کنم که تو در این شـهر غریبی. آیا گرسـنه ای، تشنه ای، مکان نداری مرکب در اختیارت نیست». در مقابل آن همه حرف بد این اخلاق و بزرگواری امام حسن علیه السلام است. وقتی امام حسن نماینده خدا و رسول خدا می شود اخلاقش این است. ما به عنوان شیعه و یک مسلمان و متدین و منتسب به این خاندان آیا نماینده امام حسن و خاندان پیغمبر هستیم؟

این شـیعه و مسـلمان هر کـاری انجـام بدهـد به حساب رهبرانش گذاشـته می شود. اینکه امام صادق علیه السـلام فرمود: کونوا دُعاةً للناس بالخیر بغیر السـنتکم لیروا منکم الاجتهاد و الصدق والورع(۱) یا در جای دیگر وارد شـده: کونوا لنا زینا و لا تکونوا علینا شینا، به خاطر همین است که عمل ما به حساب رهبران ما گذاشته می شود. امام

۱- ۱. اصول کافی، ج۲، ص۱۰۵.

فرمود: «بـا عملتان مردم را دعوت کنیـد و زینت ما باشـید و مبادا زمانی باعث آبروی ما شویـد.» اخلاق آن بزرگواران کریمانه است.

نقل است که وقتی امام حسن علیه السـلام به عده ای فقیر می رسد و آنها تعارف می کنند حضـرت می نشـینند با آنها صحبت می کنـد و احوالشان را می پرسد و دعوت آنها را می پذیرد. البته این داسـتان در حالات امام حسـین علیه السـلام نیز نقل شده است. متقابلاًـ امـام هم این فقرا را به منزل خودش دعوت می کنـد و می فرمایـد: اَلْفَضْلُ لَهُمْ. یعنی درست است که آنها من را دعوت کردنـد و من هم آنهـا را دعوت کردم امّـا فضـیلت مـال آنهـاست. چون آنهـا تمـام هستیشـان همـان بود که مرا دعوت کردند، و لذا فضیلت مال آنهاست.

در مقام و منزلت امام حسن قدری بیندیشیم که چه مقام و منزلتی داشت. ائمّه هدی با آن عظمت و عبادت آن گونه با دیگران برخورد می کننـد. وقتی به مکه می رفتنـد نمی توانسـتند به راحتی بگوینـد: اللّهمّ لبیک. می دیدند که آن حضـرت بدنش می لرزد و اشـکش جاری است. امام حسن علیه السلام وقتی آیه قرآن را می خواند و می رسید به آیه ای که خطاب «یا ایها الذین آمنوا»دارد می فرمود: لبیک، اللّهمّ لبیک. این نشان از عظمت و شکوه آن حضرت دارد.

با صادقین

«یا ایها الذین آمنوا اتقوا اللّه و کونوا مع الصادقین»؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، تقوی پیشه کنید و با راستگویان و صادقین باشید.

ص: ۹۱

وقتی از امام صادق علیه السلام در مورد این آیه سئوال کردند، حضرت فرمود:(۱) «نحن الصادقون؛ صادقین ما هستیم.» همراه ما باشید. ما به مثابه خضریم برای شما. امام باقر می فرمایند: «یاد ما و ذکر ما دلها را زنده می کند؛ اِنَّ ذِکْرَنا لَیُحْیِی الْقُلُوْبَ».(۲)

این است مکتب امام صادق و امام حسن مجتبی علیهماالسلام . امیدواریم که ان شاء اللّه خداوند همه ما را جزو این بزرگواران و محشور شوندگان در رکاب این عزیزان مقرر فرماید و در این چند روزه عمر با پاکی زندگی کنیم؛ چرا که حضرت امام حسن علیه السلام فرمود: یا ابن ادم عَفَّ عَنْ محارم اللّه فکن عابدا. از محرمات خدا بپرهیز تا بنده مطیع خدای متعال بشوی و خدای متعال شما را به عنوان یک بنده بپذیرد. خداوندا در این روز پانزدهم ماه مبارک رمضان که میلاد امام حسن علیه السلام است عیدی ما را سلامتی ولی عصر(عج) و همه خدمتگزاران و خصوصا سلامتی مقام معظم رهبری و آمرزش گناهانمان مقرر فرما.

پروردگارا همه ما را جزء امانتداران واقعی قرار بده! شناخت هرچه بیشتر به ما کرامت فرما! در انجام وظایف فردی و اجتماعی توفیق عنایت فرما.

۱- ۱. «اصول کافی»، ج۱، ص۲۰۸، حدیث ۱ و ۲.

۲- ۲. «بحار الانوار»، ج۲، ص۱۴۴.

عروج به سوی او

(۱۲)

قال اللّه الحکیم فی محکم کتابه: اعوذ باللّه من الشیطان الرجیم: «و لا تکونوا کالذین نسوا اللّه فانسیهم اَنْفُسَهُمْ اولئک هم الفاسقون».(۱) و مانند آن کسانی مباشید که خدا را فراموش کردند و خدا هم خود آنان را از یاد خداشان ببرد و ایشان همان فاسقانند.

روز شانزدهم ماه مبارک رمضان مصادف با سالگرد معراج نبی اکرم صلی الله علیه و آله است.

تکامل هر چیز، صعود از مرتبه خودش به مرتبه بالاتر است. ترقی و تکامل جماد صعودِ جماد به مرحله نبات است؛ یعنی اگر جمادات، خاک، مواد معدنی به نباتات تبدیل شوند، این عروج آنها از منزل سفلی به منزل علیا و بالاست؛ و اگر در همان منزل باقی بمانند و به مرحله نبات نرسند و یا نبات به درجه حیات نرسد تکامل نیافته است.

۱- ۱. حشر، ۱۹.

خدا به انسان می فرماید که متوجه نفس خودت باش، به نفس الهیه، نفس ملهمه و نفس امّاره در کتاب الهی اشاره شده؛ نفس اماره در قرآن شریف و در حکایت حضرت یوسف و زن عزیز مصر به خوبی بیان شده است. این نفس امّاره با انسان دائما در حال مبارزه است. امام سجاد علیه السلام در مناجات الشاکین اولین جمله اش این است: «الهی اشکوا الیک نفسا بالسُّوءِ امّاره، و الی الخطیئه مبادره؛(۱) خدایا شکایت می کنم به تو از نفسی که به بدی فرمان می دهد، و مبادرت به خطیئه می کند و به معصیت و گناه حرص و ولع دارد». و بمعاصیک مُولعه. و حرص دارد و سیر شدنی هم نیست. برای همین فرموده اند، نگذارید اولین گناه اتفاق بیفتد؛ چون اولین گناه که اتفاق بیفتد، گناهان بعدی را به دنبال دارد؛ هرچند گناه کوچکی باشد و در نظر انسان کوچک جلوه کند. البته گناه کوچک نداریم؛ چون تمام گناهان نافرمانی خداست و نافرمانی خدا خطای بزرگی است. بعضی از جاها هم که گناه کبیره و گناه صغیره مطرح شده، توجه به کیفر و عقوبتی است که برای گناهان کبیره معین شده، ولی برای گناهان صغیره عذابی مثل معاصی کبیره معین نشده است. حال آنکه گناهان کوچک هم به یک معنا کبیره اند. چون در هر حال معصیت خداست. بحث عمده این است که باید دید چه کسی مورد معصیت و نافرمانی قرار می گیرد. و لذا فرمود بزرگترین گناه آن است که صاحب گناه

۱- ۱. «مفاتیح الجنان»، مناجات خمس عشره، مناجات الشاکین.

بگوید خطای من خیلی کوچک بود. مثل اینکه به شخصی بگویند: «چرا روزه ات را می خوری؟ چرا به نماز اهمیت نمی دهی؟ یا چرا نسبت به پدر و مادر بی توجهی و نسبت به اهل و عیال بد اخلاقی می کنی؟» آن شخص در جواب بگوید: «ای کاش همه گناه من بد اخلاقی با اهل و عیال یا بی توجهی به پدر و مادر و یا اهمیت قائل نشدن به نماز اول وقت بود!» یعنی این گناهان در نظر این شخص کوچک است که می گوید ای کاش تمام گناهان من این امور بودند. حضرت امیر علیه السلام فرمود: «اَشَدُّ الذنوب ما استهان به صاحبُه؛(۱) بزرگترین گناهان آن است که صاحب گناه آن را کوچک و سهل و ساده بگیرد». این بزرگترین گناه است که انسان بگوید گناه من کوچک است، یعنی خودش را نگاه کند در حالی که باید خدا را که مورد نافرمانی قرار می گیرد، مدنظر داشته باشد.

کنترل نفس

نفس امّاره اگر کنترل نشود، انسان را تنزل می دهد، نمی گذارد انسان به حیات انسانی برسد و تمام زندگی اش به گناه و معصیت آلوده می شود. از جمله اموری که بسیار مهم است مسأله نماز بویژه نمازهای واجب است آن هم نماز با حضور قلب و توجه، خضوع و گریه از خوف خدا که برای دوری از معصیت و حفظ پاکی اهمیت ویژه ای دارد.

۱- ۱. «نهج البلاغه»، کلمات قصار، کلمه ۳۴۰.

در زندگی امام سجاد و امام حسن و سایر ائمه علیهم السلام می خوانیم که در حال نماز هر روز گریه می کنند و این گریه ها هر روز در زندگی آنان تکرار می شود و وقتی به جمله مالك یوم الدین که می رسد، امام سجاد غش می کند و حالت تضرع دارد.

از امام صادق علیه السلام سؤال کردند: «یا ابن رسول اللّه ما می دیدیم که امام سجاد علیه السلام در حال نماز به جمله مالك یوم الدین که می رسید، چند بار تکرار می کرد و صدایش تغییر می کرد». امام صادق علیه السلام در جواب فرمودند: «خدا رحمت کند پدرم امام سجاد علیه السلام را، ایشان می دانست در مقابل چه کسی ایستاده و برای همین آن گونه عمل می کرد».

یک سؤال

نفس امّاره در وجود همه افراد بشر هست و انسان را راحت نمی گذارد. روایت است راوی بی پرده از پیغمبر اکرم سؤال کرد: «یا رسول اللّه، آیا در وجود شما هم شیطان وسوسه می کند؛ یعنی شیطان به سراغ شما هم می آید؟»(۱) حضرت در جواب آن شخص می فرمایند: «شیطانی أسلم بیدی». به من هم شیطان طمع دارد اما

۱- ۱. این سئوال و جواب منافات با مقام عصمت ندارد، به این معنا که شیطان به عنوان دشمن انسان، در همه طمع دارد این دستور صریح قران کریم است که (اذا قرأت القرآن فاستعذ باللّه) یا فرماید: «قل اعوذ برب الفلق * من شر ما خلق...» و یا می فرماید: «قل اعوذ برب الناس * ملك الناس».

من او را تسـلیم کرده ام. او تحت فرمان من قرار گرفته است و نمی تواند در وجود من وسوسه کند. پس معلوم می شود شیطان در وجود همه طمع دارد. مگر نه این است که شـیطان در مقابل ابراهیـم علیه السـلام ایستاد. مگر شیطان آنها را وسوسه نکرده و وسوسه نداشت؟ پس وقتی در مقابل انسانهای بزرگواری چون ابراهیم و آدم علیهماالسلام بایستد و وسوسه کند همه انسانها را وسوسه می کند.

سوره حشـر می فرمایـد: «یا ایها الـذین آمنوا اتقوا اللّه ولتنظر نفس ما قـدمت لغدٍ. واتقوا اللّه اِنَّ اللّه خبیرٌ بما تعملون. ولا تکونوا کالذین نسوا اللّه فانسـیهم انفسهم اولئک هم الفاسقون».(۱) ای مردم مثل آنهایی نباشـید که خدا را فراموش کردند و در نتیجه خود را هم فراموش نمودند.

گوهر وجود

در بحثهـای گذشـته و در روایات خوانـدیم که: «مَنْ عَرَفَ نفسه فقـد عرف رَبَّهُ؛ هر کس خود را بشـناسد خـدا را می شـناسد». یعنی هر کس خـدا را نشـناسد، خود را هم نشـناخته است. لـذا در این آیه می فرمایـد مثـل آنهایی نباشـید که خـدا را فراموش کردنـد و در حقیقت خودشان را فراموش نمودنـد. اینها از فاسـقها بودنـد. نکنـد یک مرتبه خود را فراموش کنیـد و گوهرهای گرانبهای وجودتان را ارزان بفروشید. پیغمبر اکرم که به معراج می رود و حقیقت عالم را

۱- ۱. حشر، ۱۸.

می بیند و به جایی می رسد که حتی فرشته هم نمی تواند همراه او بیاید. به خاطر این است که آن حضرت قبل از هر چیز بنده خداست. خداوند هم کاری کرده که خود پیغمبر هر روز در پنج نوبت نماز این جمله را بگوید: «اشهد ان محمدا عبده و رسوله». یعنی اول عبد و بعد رسول، اول بندگی خدا، بعد رسالت و حقیقت این آیه شریفه که فرمود: «ما خلقت الجن و الانس الا لیعبدون».(۱) بیانگر همین مطلب است که ابتدا باید معرفت و شناخت حاصل بشود. ما جن و انس را نیافریدیم، مگر برای اینکه ما را بشناسند. برخی مفسرین «لیعبدون» را «لیعرفون» تفسیر می کنند. پیامبر با آن همه منزلت و مقام والایی که دارد از خدا می خواهد که اللّهمّ لا تکلنی الی نفسی طرفه عینٍ ابدا.(۲) خدایا یک چشم به هم زدن مرا به خودم وامگذار. وقتی امّ سلمه می گوید: «ای پیغمبر شما چرا این دعا را می فرمایید؟» حضرت می فرمایند: «یونس پیغمبر علیه السلام یک لحظه خدا را فراموش کرد و آن بلا بر سرش آمد که همه شنیده ایم». بندگان خدا! از این نفس نباید غفلت نمود. باید دنبال تعدیل و تربیت آن بود.

این نفس بد اندیش به فرمان شدنی نیست این کافر بد کیش مسلمان شدنی نیست

این نفس بد اندیشی که نفس اماره است هرگز به فرمان شدنی نیست مگر اینکه شما آن را با یک مهار بسیار محکمی که از جمله

۱- ۱. ذاریات، ۵۶.

۲- ۲. «اصول کافی»، ج۲، ص۵۸۱ و ص۵۲۴.

آنها این ماه مبارک رمضان است، کنترلش کنید. در نتیجه این کنترل، در شما یک حالت ذکر، توجه پیدا شود و دائماً به یاد خدا باشید.

همراهی با خوبان

در دعای امروز ماه مبارک رمضان (روز شانزدهم) می خوانیم: «اللّهمّ وفقنی فیه لموافقه الابرار؛ خدایا مرا در این روز توفیقم بده که با نیکان و ابرار موافق باشم. من هم موفق شوم مثل نیکان در حالت ذکر و توجه زندگی کنم و به آنها اقتدا نمایم؛ تا از زندگی ام بهره ای ببرم». ان شاء اللّه.

ص: ۹۹

بدترین دشمن

(۱۳)

قال اللّه الحکیم «و ما اُبرئُ نفسی اِنَّ النَّفْسَ لَاَمّارَهٌ بالسُّوْءِ اِلّا ما رَحِمَ رَبّی».(۱) من خویش را مبرّا نمی کنم چون که نفس انسانی پیوسته به گناه فرمان می دهد مگر آن را که پروردگارم رحم کند.

سلام خدا بر ولی عصر امام زمان (عج) و به شهید شب قدر امیرمؤمنان علی علیه السلام .

عنوان شد که وجود انسان از نفوس مختلفه ای تشکیل شده که نفس الهیه و نفس ملهمه و نفس مطمئنه از جمله آنهاست. مسأله مهم این است که این نفس اماره چون مرکبی چموش اهلی شده در اختیار انسان قرار گیرد.

وقتی آن راوی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله پرسید که آیا شما هم مورد وسوسه شیطان هستید یا نه، حضرت فرمود: «بلی ولکن اسلم بیدی؛ آری در وجود من هم شیطان وسوسه می کند، ولی او

۱- ۱. یوسف، ۵۳.

دیگر تسلیم من شده و من تحت سیطره او نیستم».

آیه ۵۳ سوره یوسف، قصه عزیز مصر و زن او و حضرت یوسف علیه السلام است. اگر تمام دنیا با زن عزیز مصر دشمن بودند نمی توانستند، آن گونه او را ذلیل بکنند چرا؟ چون آنها دشمن بیرون به حساب می آمدند. اگر تمام دنیا هم با حضرت یوسف موافق بودند نمی توانستند او را به این مقام عزت برسانند؛ به مقامی که حضرت یوسف رسید و آوازه اش در دنیا پیچید.

نفس اماره حکایت ستون پنجم دشمن را دارد. هر زمان و در هر مبارزه ای وقتی ستون پنجم دشمن موفق بوده، طرف مقابل شکست خورده و هر کس دیگری که ستون پنجم دشمن در او رخنه کرده، او را شکست داده است. جنگهایی که در زمان پیغمبر صلی الله علیه و آله انجام گرفته و یا جنگهایی که شما سراغ دارید هر کجا چند تا منافق توانستند بیایند از داخل آن دیواره مقاومت را بپوسانند، آن دیواره با کمترین ضربه ای فرو ریخته است.

این نفسی که پیغمبر فرمود: «اعدی عدوك نفسك التی بین جنبیك؛ دشمن ترین دشمنان تو آن نفسی است که در درون سینه ات قراردارد». این نفس اماره جایگاهش خطرناکترین جایگاه است. اگر انسان به این نفس توجه نکند مراقب آن نباشد، تمام مسایل و مسؤولیت ها زیر پا گذاشته می شود.

شاگرد قرآن

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در داخل مسجد نشسته بود که شخصی آمد و عرض کرد: «یا رسول اللّه، به من قرآن بیاموزید». پیغمبر صلی الله علیه و آله بنا به

روایتی سلمان یا شخص دیگری را مامور فرمود که به آن شخص قرآن یاد بدهند. وقتی سوره زلزال را خواندند و به این آیه رسیدند که قرآن می فرماید: «فمن یعمل مثقالَ ذرهٍ خیرا یَرَهُ و من یعمل مثقال ذرهٍ شرا یره»؛(۱) هر کس به اندازه ذره ای خوبی و بدی انجام بدهد در روز قیامت آن را و نتیجه اش را می بیند.

این شاگرد پرسید: «این وحی خداست؟ یعنی این آیات را خدا فرستاده»؛ استاد فرمود: «بله، این ها را که خواندیم خداوند فرموده است». شاگرد با شنیدن این پاسخ بلند شد و رفت. حتی برای خداحافظی پیش پیغمبر هم نیامد. استاد آمد پیش پیغمبر صلی الله علیه و آله و پیامبر احوال شاگرد را پرسید. استاد به تعبیر ما عرض کرد: «یا رسول اللّه این شاگرد خیلی کم حوصله بود و یک جلسه بیشتر دوام نیاورد. رها کرد و رفت.» پیغمبر فرمود: «چه چیزی را برای او مطرح کردی؟» معلم گفت: «یک سوره بیشتر نخواندیم و رسیدیم به این آیه. همین که آیه را شنید، یک سئوال از من کرد که آیا این جملات وحی خداست یا نیست و من گفتم بله این وحی خداست. با شنیدن پاسخ رفت و دیگر پشت سرش را هم نگاه نکرد.» پیغمبر با شنیدن این قضیه جمله ای فرمود: «رَجَعَ فقیها؛ آن مرد فقیه و آگاه شد و برگشت.»

پرهیز از بد اخلاقی

برای انسان حقیقتا این خسران مبین است که یک عمر شب

۱- ۱. زلزال، ۷.

قـدر را درک کنـد. در شـبهای قـدر دعا و ذکرهای آن را بخوانـد و یا ماه مبارک رمضان را به طور مطلق درک کند؛ اما هیچ گونه تاثیری بر او عارض نشود و این ادعیه و اذکار و شبهای قدر موثر واقع نشوند. یعنی هرچه این درخت تکان داده می شود، برگهای خودخواهی، کینه، حقد، حسد، حرص، بد اخلاقی و... کم کاری نمی ریزند.

بزرگان می فرمایند: «بیشترین عذابها، عذابهای اخلاقی است». داسـتان رییس خزرج «سـعد بن معاذ» را که پیغمبر صلی الله علیه و آله او را در یکی از جنـگ هـا حَکَم قرار دادنـد شـنیده ایـد. وقتی که سـعد بن معاذ از دنیا رفت، چنـد هزار ملک در تشـییع جنازه او شـرکت کردند. در روایتی نقل است که خود پیغمبر اکرم صـلی الله علیه و آله به هنگام راه رفتن در تشییع جنازه سعد بـا حـالت خاصـی راه می رفتنـد و تمـام پـا را روی زمین نمی گذاشـتند. پیـامبر خودش سـعد را تشـییع جنـازه کرد و بـا دسـت مبارکشان او را در قبر گذاشـتند. قبر را هم خیلی محکم ساختنـد و آن را پوشاندنـد. بعـد از دفن سـعد، مادر او که در کنار قبر ایسـتاده بود گفت: «هنیئـا لک الجنه؛ بهشت بر تو گوارا باد!» مبارک باد بر تو این خانه ای که پیغمبر با دسـتان خودش برای تو ساخت. پیامبر با شـنیدن سـخن مادر سـعد گفت: «الآن این خانه برای سـعد مبارک نیست». اطرافیان خیلی تعجب کردنـد: «چرا این خـانه برای سـعد مبـارک نیست؟» حضـرت فرمود: «سـعد اکنون فشـار قبر می بینـد. به خـاطر اینکه در منزل بـا اهـل و عیال خودش بد اخلاق بود و این فشار قبر به سبب بد اخلاقی او است».

به هرحال پیامبر در مورد سعد فرمود که او الان دچار فشار قبر است. به دلیل اینکه در منزل بداخلاق بوده و این عذاب در اثر

همان بد اخلاقی است. حالا اگر انسان خدای نکرده با یتیمی بد اخلاق باشد، با خانواده شـهید،مجروح و معلول و یا محصلی با معلمش و معلم با محصل، یا کارمنـد با ارباب رجوع بـد اخلاقی کنـد، همه اینها دارای عـذاب است و هیـچ فرقی نمی کند. بد اخلاـقی سَـمی است که اثرش کشـنده است. «اِنَّ النَّفْسَ لامارةٌ بالسوء اِلّا ما رحم ربی».(۱) این نفس اگر کنترل و مهـار نشود، انسـان را بیچـاره و رسوا می کنـد و آن لباس عزتی را که خداونـد بر تن انسان پوشانیـده است بیرون می آورد. همین قـدر که لبـاس عزت را از انسـان بگیرد، انسـان بیچـاره می شود؛ چرا که خـدا مثـل بنـده هایش نیست که انسانی را که در حال سـقوط است، هُـل بدهـد و بینـدازد. فقط کافی است که لباس عزتش را از بنـده اش بگیرد. آن وقت همه چیز تمام می شود. همین که معلوم و مشـخص شد فلان خطا از انسان عامداً سر زده است توبه و پشیمانی هم در کار نبوده است، لباس عزت از او گرفته می شود. گرفته شدن لباس عزت برای انسان عین ذلت است.

زنده واقعی

در نهـج البلاغه حضـرت امیرالمومنین علیه السـلام فرمودنـد: موتکم فی حیاتکم مقهورین.(۲) شـما اگر بمیریـد، اما مرگتان به خاطر خدا باشد، عین زندگی است. برعکس اگر زنده باشید، ولی همراه این زندگی

۱- ۱. یوسف، ۵۳.

۲- ۲. «نهج البلاغه»، خطبه ۵۱.

نه حرکتی، نه جنب و جوشی، نه امری و نه نهیی، نه انجام واجب و نه ترک محرّمی، این گونه زندگی که عزّت، استقلال و بندگی در آن نباشد عین مرگ است. لذا فرمود: میت الاحیاء.(۱) آن کسی که این حالات را دارد، مثل کسی است که مرده است؛ اما فرقش با مرده ها این است که زنده عمودی راه می رود، ولی مرده افقی افتاده است روی زمین.

امیدواریم که در این سحرهای ماه مبارک رمضان بخصوص شب قدر بیدار باشیم و از خدا، انحراف از غیر خدا را بخواهیم. در مناجات شعبانیه آمده است: «اِلهی و الحقنی بنور عزک الابهج فاکون لک عارفاً و عن سواک منحرفاً و منک خائفاً مراقباً یا ذا الجلال و الاکرام... .(۲) و توجه همه به خدا باشد و از برکات این ماه استفاده کافی را ببریم. همان گونه که در دعای امروز (روز هیجدهم) از خدا می خواهیم: اللّهمّ نبهنی فیه لبرکاتِ اسحاره. از همه مؤمنان التماس دعای خیر داریم.

پروردگارا ما را با معارف قرآن و اهلبیت بیشتر آشنا فرما؛ معبودا لذت عبادت و بندگی به همه ما کرامت فرما؛ به شهید شب قدر مرگ ما را شهادت در راه خود قرار بده.

۱- ۱. «نهج البلاغه»، خطبه ۸۷؛ کلمات قصار، ۳۷۴.

۲- ۲. «مفاتیح الجنان»، مناجات شعبانیه.

شب رهایی

اعوذ باللّه من الشیطان الرجیم: «قَدْ اَفْلَحَ مَنْ زکّیها. و قَدْ خابَ مَنْ دَسَّیها. کَذَّبَتْ ثَمُوْدُ بِطَغْوَیها. اِذِانْبَعَثَ اَشْقَیها. فَقال لَهُمْ رَسُولُ اللّه ِ نَاقَةَ اللّه ِ و سُقْیهَا. فکذبُوهُ فَعَقَروها فَدَمْدَمَ عَلَیْهِمْ رَبُّهُمْ بِذَنْبِهِمْ فَسَوَیهَا. ولا یَخافُ عُقْبهَا».(۱) هرکس جان خود را از گناه پاک سازد رستگار می شود، و هرکس آلوده اش سازد زیانکار خواهد گشت. طایفه ثمود از غرور و سرکشی دعوت پیامبر خود صالح را تکذیب کردند. هنگامی که شقی ترین آنها برانگیخته شد و رسول خدا (صالح) گفت: این ناقه آیت خداست از خدا بترسید و آن را سیراب کنید، آن قوم رسول را تکذیب و ناقه را پی کردند. خدا هم آنان را به کیفر ظلم و گناهشان هلاک ساخت و شهرشان را با خاک یکسان نمود، و از عاقبت هلاکتشان پروایی نکرد.

روز نوزدهم ماه مبارک رمضان و روز ضربت خوردن حضرت

ص: ۱۰۶

۱- ۱. شمس، ۹ _ ۱۰.

علی علیه السلام در سحرگاه امروز و اولین شب از شبهای قدر است. شبی که امیرالمومنین علیه السلام در محراب عبادت شربت شهادت نوشید و در محراب محل مبارزه و جنگ با تمام شیاطین درون و برون ضربت خورد. سرانجام هم به فیض عظیم شهادت دست یافت. این خیلی دردناک است که حضرت علی علیه السلام در محراب عبادت به شهادت برسند، ولی مردم بعض مناطق بعد از آنکه شنیدند علی علیه السلام در محراب به شهادت رسیده اند پرسیدند که علی علیه السلام در محراب چکار می کرده و برای چه علی به مسجد رفته بوده است!؟ این را در تاریخ نوشته اند که مردم بعضی مناطق این سئوال را از خودشان و یا دیگران کردند که علی را با مسجد و محراب چکار؟ یعنی آنقدر تبلیغات موثر و شدید بود که حتی ارتباط علی علیه السلام با مسجد هم تحت تاثیر تبلیغات قرار گرفت و تبلیغات موثر واقع شد. کسی که در خانه خدا به دنیا آمد و یک عمر با محراب نماز سر و کار داشت و شهادتش هم در محراب اتفاق افتاد، اکنون مردم سئوال می کنند علی علیه السلام در محراب و مسجد چه می کرده؟

در کعبه شد پدید و به محراب شد شهید نازم به حسن مطلع و حسن ختام تو

این مظلومیت علی علیه السلام و اهل بیت عصمت و طهارت است. مظلومیت امام علی علیه السلام به این است که بشر او را نشناخت. مظلومیت امام حسین علیه السلام به این است که بشر امام حسین علیه السلام را نشناخت و سایر ائمه هم به همین ترتیب. اگر آنها را می شناختند و

قدرشان را می دانستند، بی تردید حیات بشر افق بهتری پیدا می کرد. علی علیه السلام وقتی دست کمیل را گرفت و برد به صحرا که در نهج البلاغه آمده است چنین است: تنفَّس تنفّس الصُّعَداء و اشار الی صدره فقال: یا کمیلُ اِنَّ ههنا لعلماً جمّا انَّ هذهِ القلوبَ اَوْعِیَةٌ فَخَیرُها اَوْعاها، فَاحْفَظْ عَنِّی ما اَقُولُ لک.(۱) حضرت اشاره به سینه اش کرد و گفت: «ای کمیل! اینجا علم زیادی جمع شده، کانّه حضرت می فرماید کسی نیست که به او بگویم و او فرا بگیرد.» این عین مظلومیت امام علی علیه السلام و اهل بیت عصمت و طهارت است.

ما شیعیان امیرالمؤمنین و پیروان این مکتب، بهترین اسوه را در زندگی داریم. در هر زمینه ای بخواهیم، بهترین الگوها را در اختیار داریم. در عبادت، زهد، تقوا، غیرت، شجاعت، ذکاوت، ایثار، مدیریت و هر آنچه که برای یک انسان و یک زندگی ایده آل لازم است، در وجود ائمه به عنوان هدایتگران الهی جمع است. این برکت و نعمت عظیمی است. برای همین وقتی در روز بیست و یکم امام حسن علیه السلام خطبه خواند، فرمود: ای مردم کسی از میان ما رفت و از این دنیا رخت بربست که کسی مانند او نیست و آفتاب دیگر بر کسی مانند علی علیه السلام نمی تابد و نمی دانید چه گوهری را از دست دادید. در شب قدر مردی از دنیا رفت که پیشینیان در کردار از او سبقت نگرفتند و آیندگان نیز در کردار به او نرسند. همانا با رسول خدا جهاد کرد و با جانِ خویش از آن حضرت دفاع نمود.(۲)

۱- ۱. «نهج البلاغه»، کلمات قصار، ۱۴۰.

۲- ۲. «ارشاد»، شیخ مفید، شرح حال امیرالمؤمنین علیه السلام .

معجزه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم

امیرالمؤمنین علیه السلام معجزه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله است. لذا پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «قاتلك اشقی الآخرین یتبع اشقی الاولین؛ قاتل تو شقی آخرین هست که از آن شقیّ اول پیروی و تبعیت کرد». آنهایی که شتر صالح پیغمبر را پی کردند، به «اشقی الاولین» معروفند و قاتل معجزه پیغمبر که علی علیه السلام است، «اشقی الآخرین» نامیده می شود. اینکه می گوییم علی علیه السلام معجزه پیغمبر است، برای این است که علی علیه السلام به دست پیغمبر و در دامان پیامبر تربیت شد. خود علی علیه السلام در نهج البلاغه(۱) اشاره دارند، جملاتی به این مضمون می فرماید: «من مثل بچه ای که پشت سر مادرش می دود، همگام با حضرت رسول می رفتم و ایشان مرا تحت تربیت و اخلاق خودش پرورش می داد».

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم قبل از شهادت امام علی علیه السلام خبر شهادت را به آن حضرت داده بود و فرموده بود که یا علی، در همین ماه مبارك رمضان به شهادت خواهی رسید که حضرت علی علیه السلام در شب نوزدهم که در منزل امّ کلثوم بود، می فرمود: روز موعد فرا رسیده است. وقت آن شده به سوی خدا بشتابم.

آیه: «قد افلح من زکیها» به زیبایی رستگاری ابدی را ترسیم می کند. به تحقیق رستگار شد کسی که تزکیه نفس کرده بود.

ص: ۱۰۹

۱- ۱. نک: «نهج البلاغه»، خطبه قاصعه.

علی علیه السلام نیز وقتی آن ضربه بر فرق مبارکشان فرود آمد فرمود: «فزت و رَبِّ الکعبه؛ به خدای کعبه قسم که رستگار شدم». این جمله امام علی علیه السلام تفسیر همان آیه «قد افلح من زکیها»است «وقد خاب من دسیها» مصداقش ابن ملجم مرادی ـ لعنه اللّه علیه ـ است که واقعا در این جریان ضرر کرد؛ چون انسانی بود که به فرمان نفس اماره رفت. به دنبال دنیا رفت و سرانجام به وادی جهنم روانه شد.

به سحرهای ماه مبارک رمضان و سحرهای شب قدر اصولاً توجه خاصی شده است.(۱) اعمال در سحرگاهان برکت و اثر بیشتری دارد.

دیروز و امروز اگر دقت شود، لحن دعای ماه مبارک رمضان عوض شده. دیروز که روز هیجدهم بود در دعا می خواندیم که خدایا به ما برکت سحر را عنایت کن و امروز که روز نوزدهم است همین مطلب است و می گوییم: «اللّهمّ و فّر حظی فیه من برکاته؛ خدایا حظ و بهره مرا از برکات امروز زیاد گردان». این حظ و بهره از برکات در سحرهای ماه رمضان بیشتر است.

وفای به عهد

در حالات اسماعیل باوفا نقل کرده اند(۲) که اسماعیل با یکی از مومنین قرار گذاشت که در محلی به یکدیگر برسند و همدیگر را

۱- ۱. ما هم باید توجه کنیم که بهره بیشتری ببریم. در قرآن آمده است از نشانه های بندگان خوب خدا این است که (و بالاسحار هم یستغفرون).

۲- ۲. «عنوان الکلام»؛ مرحوم فشارکی.

ببینند. طرف اسـماعیل رفت تا پادشاه را ببیند و فراموش کرد که با اسـماعیل وعده دارد. وقتی وعده دیدار با اسماعیل به یادش آمد و به وعده گاه آمد، یک سال از آن قرار گذشـته بود؛ ولی با گذشت یک سال وقتی آمد، دید هنوز هم اسـماعیل باوفا بر سر موعد مقرر ایستاده و در همان مکان منتظر است و در کنارش چشمه آبی است. رفیق اسماعیل به او یادآوری کرد و گفت: «الآـن یک سال از آن قضـیه گذشـته است و شـما هنوز اینجا هستی»؟ اسـماعیل گفت: «من منتظر شـما بودم و مانـده ام تا شـما بیایید». وزیر پادشاه خیلی سـعایت کرد و گفت: «اسماعیل دروغ می گوید. من در طول این یک سال گذشته به اینجا آمده ام؛ ولی اسـماعیل در اینجـا نبوده است». اسـماعیل گفت: «خـدایا، اگر این وزیر دروغ می گویـد، نعمتهـایش را بگیر». همان موقع دندانهای وزیر ریخت. از اسـماعیل درخواست کرد که من اشتباه کرده ام. اسماعیل فرمود که من حالا دیگر حال دعای اول را نـدارم. اولین بـار که برای گرفتن نعمت هـا از تو دعـا کردم، دلم شکسـته بود و با دلی شکسـته دعا کردم. خـدا نعمت را از تو گرفت، اما چون از من خواستی دوباره دعا کنم تا نعمت را به تو برگردانـد باید صبر کنی، در آینده نزدیک برایت دعا خواهم کرد. سَاستغفرلک.

مفسرین فرموده اند منظور آینده نزدیک، سحرگاهان بوده است. یعنی اسماعیل گفت: «صبر کن سحر بشود تا برایت دعا کنم» شهادت اسماعیل بسیار سخت و دردناک بود. خدای متعال ملکی را فرستاد و به او گفت: «تو هر گونه می خواهی از این مردم

انتقام بگیر». اسماعیل گفت: «به من الهام شده که در آخر الزمان پیغمبری می آید که مردم پسر آن پیغمبر، را به شهادت می رسانند. من صبر می کنم تا زمانی که حسین بن علی علیهماالسلام رجعت نماید، مرا در رکاب او برای انتقام گرفتن از قاتلینم زنده کند».

عزیزان، امروز روز شهادت امام علی علیه السلام است، روز مشایعت شهدا هم هست و روز مضاعف شدن مسؤولیت و توجه به خود و خودسازی است. امروز در ایران اسلامی سه هزار شهید(۱) روی دوش مردم مسلمان و روزه دار حمل خواهد شد. بدنهایی که جز مشتی خاک و استخوان چیز دیگری از آنها نمانده. این ها امروز حجتند. همان گونه که بسیجی، پاسدار و سرباز و درجه دار رزمنده دیروز در میدان جنگ حجت بودند، امروز این شهدا حجت هستند. ماه مبارک رمضان و روز نوزدهم هم بر ما حجت هستند. لذا خداوند در قرآن می فرماید: «تشهد علیهم السنتهم و ایدیهم و ارجلهم بما کانوا یعملون(۲)؛ دست ها و پاها و خیلی چیزهای دیگر روز قیامت گواهی می دهند. به این حجت های خدا بیشتر توجه کنیم و با استفاده از برکات وجود اینها خادم آنان باشیم. امیدواریم که خداوند به آبروی امیرالمؤمنین علیه السلام از برکات این ماه ما را محروم نگرداند.

ص: ۱۱۲

---

۱ - ۱. تشییع پیکر پاک سه هزار شهید گلگون کفن یافته شد توسط گروه تجسس شهداء با حضور مقام معظم رهبری، مسؤولان عالی رتبه نظام و مردم قهرمان ایران (ماه رمضان سال ۷۳).

۲- ۲. یس، ۶۵.

موعظه ای مهم

(۱۵)

قال امیرالمومنین علیه السلام : اِنَّ اخوف ما اخاف علیکم اثنان: اتباع الهَوی و طول الامل، و امَّا اتِّباعُ الهوی فیصد عن الحق و طول الامل فَیُنسی الاجل.(۱)

سلام خدا بر حضرت ولی عصر (عج) آخرین سفیر حق و سلام بر امیرمومنان، اولین امام ما شیعیان؛ شهید محرابی که از دیروز بعد از نماز صبح (نوزدهم ماه مبارک رمضان) در بستر مرگ و شهادت افتاده است. در این ایامی که حضرت در بستر افتاده است، افراد مختلفی باخبر می شوند و بسیاری نیز به ملاقات ایشان می آیند. از جمله این افراد «اصبغ بن نباته» است که به خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام می رسد. بعد در مورد وضعیت علی علیه السلام می گوید: آنقدر حال حضرت متغیر بود که گاهی از هوش می رفت و سپس به هوش می آمد و رنگش زرد شده بود، به گونه ای که

۱- ۱. «نهج البلاغه»، خطبه ۲۸ و ۴۲.

دستمال زرد رنگی را که بر سر حضرت بسته بودند با چهره ایشان فرقی نداشت. هرگاه که حضرت به هوش می آمد و می دید که افراد و اصحاب در کنار بسترش جمع شده اند، گاهی موعظه می کرد. از جمله آن: اللّه اللّه فی الیتامی، اللّه اللّه فی القرآن، اللّه اللّه فی الصَّلاه و جملات دیگری که آن حضرت می فرمود و بیشترین روی سخن آن حضرت چون همیشه پیرامون تقوی بود. به اصحاب سفارش می کرد که تقوی پیشه کنید و از خدا بترسید و مرا به عنوان عبرت برای خود قلمداد کنید.

در جلسات گذشته بیان شد که اگر انسان خود و خودیت خود و گوهر وجودی خود را نشناسد، زود به گناه آلوده می شود. حضرت علی علیه السلام در این روایت که در طلیعه گفتار آمد و از پیامبر خدا هم همین روایت نقل شده، فرمود آنچه که من از آن برای شما می ترسم دو چیز است: یکی (اتباع الهوی) دنبال هوای نفس رفتن. هوی به معنای مایل شدن است. مایل شدن از حالت قیام به حالت رکوع که به آن هَوی می گویند. وقتی انسان از حالت صعود به حالت نزول برگردد، به آن هوی می گویند. چون هوای نفس به زمین چسبیدن و به مادیات دل بستن است که در سوره اعراف در داستان بلعم باعورا می فرماید: «و لو شئنا لرفعناه بها ولکنه اخلد الی الارض»؛ ما اگر می خواستیم، جبرا می توانستیم مقامش را بالا ببریم؛ اما او مخلد در زمین شد؛ متابعت هوای نفس خود را کرد و از مقام مستجاب الدعوه بودن به پایین آورده شد و او را به جایی رساندیم که تا حد حیوانیت تنزل و سقوط کرد. که قرآن در آخر این

آیه و به دنبال همین قصه می فرماید: «مثله کمثل الکلب؛ مثال چنین انسانهایی مَثَل یک سگ است.» این نمونه یک انسان پیرو هوای نفس است که در روایت آمده است دوازده هزار نفر پای منبرش می نشستند. ولی وقتی اخلد الی الارض شد و به دنیا و مادیات دنیا چسبید مثله کمثل الکلب عنوان شد. اتباع الهوی نتیجه اش این است.

حضرت علی علیه السلام روزی بر عده ای از جوانها گذر کردند که آنان با هم زورآزمایی می کردند تا معلوم کنند زور بازوی کدام یک از آنها بیشتر است و شجاعترین آنها کیست! حضرت به آنها فرمود: «هل ادلکم علی اشجع الناس؟؛ آیا مایلید و می خواهید شما را به شجاعترین مردم راهنمایی کنم؟» گفتند: «بلی». حضرت فرمود: «اشجع الناس من غلب هوی؛ شجاعترین مردم کسی است که بر هوای نفس خود غلبه کند.» شجاع آن کسی نیست که یک سنگ پنجاه یا صد کیلویی را بلند کند. بلکه شجاع کسی است که بر هوای نفسش غلبه کند. لذا این مسأله را خیلی فراوان در زندگی ائمه و خود حضرت علی علیه السلام می توانیم ببینیم که هر کجا مسأله خودیت به میان می آید، ائمه هشدار می دهند.

در جریان جنگ خندق وقتی عمرو بن عبدود آب دهان به صورت مبارک حضرت علی علیه السلام می اندازد، حضرت بلند می شود و شروع به قدم زدن می کند. بعد از مدتی دوباره برای کشتن دشمن روی سینه او می نشیند. عمرو می پرسد: «چرا بار اول کار را تمام نکردی؟» امام علیه السلام فرمود: «چون بار اول وقتی تو آب دهن به

صورتم انداختی، من ناراحت شدم و من خواستم که یک وقت مسأله خود به میان نیاید و فقط به خاطر خدا اقدام کرده باشم».

بدترین مرض

مطلب دومی که حضرت فرمود از آن برای شما می ترسم عبارت از: طول الامل. داشتن آرزوهای درازی که ممکن است تحقق پیدا نکند. خوب اگر تبعیت از هوای نفس بشود مگر چه می شود و چه اتفاقی می افتد؟

قرآن کریم منافقین را به عنوان کسانی که در دلشان مرض هست، معرفی می نماید. سیاستمدارهای متمایل به چپ و راست را فی قلوبهم مرض معرفی می کند. مردانی را که به دنبال هوای نفس و زمینه های گناه اند و علاقه مند تشدید فحشاء و گناه را به عنوان کسانی که در دل آنان مرض هست، معرفی می کند. مرض قلب مهمترین مرض است. اینکه حضرت به فرزندش امام حسن علیهماالسلام فرمود: «ای فرزندم، تو در معرض دردها(۱) قرار گرفتی.» منظور مرض جسم تنها نیست و عمده مرض روح و قلب است که باید از آن ترسید.

روایت جالبی است از قطب راوندی که سند این روایت به امام باقر علیه السلام می رسد. امام باقر علیه السلام در این روایت فرموده است: عجبا لِمَنْ یحتمی عن الطعام مخافه الداء و لا یحتمی عَنِ المعاصی خشیهَ

ص: ۱۱۶

۱- ۱. «نهج البلاغه»، نامه، ۳۱.

النار.(۱) یعنی من تعجب می کنم از انسانی که توجه، دقت و اهتمام به غذای خودش دارد که مبادا غذایی آلوده و فاسد بخورد و جسمش مریض بشود، اما همین انسان هیچ گاه توجه به گناه و معصیت ندارد که گناه انسان را به آتش می رساند. انسان از یک غذای مشکوک پرهیز می کند که مبادا این غذای مشکوک به جسم به معده اش و دستگاههای دیگر بدنش آسیب برساند و به مرض مبتلا شود، اما از گناه و معصیت پرهیز نمی کند و نمی ترسد و بی توجه است. مثل اینکه این گناهان به او ضرری نمی رسانند!

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله از جانب خدای متعال به زنانش فرمود: «لا تخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض».(۲) با ناز و حالت خاص با مردم سخن نگویید. چرا؟ برای اینکه مردی که در قلبش مرض هست، بر اثر این قول و گفتار به طمع می افتد. حالا این کدام مرض است که در این آیات اشاره به آن شده؟ بدون تردید مرضی است که گناه منشأ آن بوده و آن خود منشأ گناهان فراوان دیگر است.

مانع حق گویی

حضرت علی علیه السلام فرمود: واما اتباع الهوی فیصد عن الحق. تبعیت از هوای نفس آدم را از حق باز می دارد و جلو انسان را مسدود می کند و نمی گذارد او قضاوت درست و بر حق، گزینش درست، نمره دادن درست و رفتار درست داشته باشد. در حدیثی

۱- ۱. «بحار الانوار»، ج۵۷، ص۸۵۱؛ «المستدرک»، ج۱۱، ص۳۳۸.

۲- ۲. احزاب، ۳۲.

آمده است که فرمود: «افراد بد کار سخت جان می دهند و اگر آهن آسیاب را بر چشم آنها بگذارند و بچرخانند از جان دادن برایشان راحت تر خواهد بود.» علی علیه السلام سئوال کرد: «یا رسول اللّه، آیا از میان امت شما هم کسی هست که این چنین سخت جان بدهد؟» پیغمبر فرمود: «چند گروهند که این گونه سخت جان می دهند؛ یک گروه خورندگان مال یتیم هستند. گروه دیگر آنهایی هستند که شاهد قول زورند و شهادت به دروغ و ناحق می دهد.»

این کار هوای نفس است که وقتی پای دوست، فامیل، اقربا و نزدیکان به میان می آید از جاده حق انسان را می لغزاند. یعنی جایی که پای منفعت در میان است، اگر انسان راست بگوید خیلی مهم نیست. مهم آنجایی است که ضرر و زیانی در میان باشد یا به تعبیری راستگویی برای او ضرر داشته باشد. اگر انسان راست بگوید و رضایت خدا را در نظر بگیرد، ولو ضرری (مادی) متوجه خودش بشود خیلی مهم است. در دوران علی علیه السلام آمدند و به آن حضرت گفتند: «یا اباالحسن، شما اگر به سنت سه خلیفه عمل کنی با تو بیعت می کنیم.» حضرت در جواب فرمود: هرگز هدف، وسیله را توجیه نمی کند که من امروز بگویم به سنت و روش خلفای راشدین عمل می کنم، ولی فردا برخلاف گفته ام عمل کنم و قرآن و سنت را ملاک عمل قرار بدهم. هیچ وقت هدف وسیله را توجیه نمی کند که انسان بخواهد از هر راهی به هدف برسد. حضرت فرمود: من به کتاب خدا و سنت پیامبر عمل می کنم.

عده ای آمدند پیش پیغمبر صلی الله علیه و آله و به آن حضرت گفتند:

ص: ۱۱۸

«یا رسول اللّه، اجازه بـده ما یک سال یا شـش ماه دیگر هم بت پرستی کنیم و بعد از یک سال ایمان بیاوریم و با ایمان آوردن ما مسلمانها تقویت می شوند». حضرت فرمود: «هرگز این چنین نیست و شرک به خدای متعال را ما هرگز نمی پذیریم. ما نمی پذیریم که شما یک سال مشرک و بت پرست باشید و بعد از یک سال ایمان بیاورید و اسلام را بپذیرید.»

انسان باید این گونه باشد و مجاهده و تلاش بکند؛ چون اگر هوای نفس تبعیت شد جلوی حق جویی و حق بینی را می گیرد.

نمونه ای از تاریخ

در تاریـخ نمونه هـای این پیروی از نفس و پایمـال کردن حق فراوان اتفـاق افتـاده است که بسـیاری از آنها در دوران امامت و ولایت خود علی علیه السـلام به وقوع پیوسـته است. نمونه اش ابوموسـی اشعری است که به دلیل همین پیروی از نفس ایمانش را فروخـت و رفـت بالاـی منبـر و انگشـترش را از دسـتش بیرون آورد و گفـت: «همین طـور که این انگشـتر را از دسـتم بیرون آوردم، علی علیـه السـلام را هـم از حکـومت خلـع کردم». وقـتی حضـرت زهرا علیهاالسـلام دسـت امـام حسـن و امـام حسـین علیهماالسـلام را می گرفتند و می آمدند از مردم می پرسـیدند که آیا اینها را (حسن و حسین) می شناسید؟ من را می شناسید؟ آیا در حجه الوداع بودیـد؟ می گفتند: «آری ما بچه های تو را و خودت را می شناسـیم و در حجه الوداع هم بودیم. «حضـرت می گفت: «پس بیایید شهادت بدهید.» چرا این گونه بودند؟ مگر

جز این است که آنها دچار مرض نفاق شـده بودنـد. اگر شـما می بینیـد قرآن شـریف از برخی مهاجر و انصار تعریف می کند برای این است که مهاجر و انصار اولین مجاهـدتشان، مجاهـدت با نفس بود. مهاجرین که همه چیزشان را رها کردند و از مکه هجرت کردنـد و انصار هم تلاش کردنـد و اموالشان را با مهاجرین تقسـیم نمودنـد و هرچه داشـتند با هم مصـرف می کردند. برای این بود که مورد تعریف قرآن قرار گرفتند. مسأله این بود که مهاجر و انصار به ایثار، جهاد... و تقوی رسیده بودند «و انّما یتقبّل اللّه من المتقین؛ خـدا از تقوی پیشه گـان می پـذیرد». تقوی همـان چیزی است که علی علیه السـلام در چنین روزهـایی (بیسـتم رمضان) که در بستر شهادت افتاده و همه افراد فامیل دور بستر آن حضرت جمع هستند آنها را به آن سفارش می کند: «اوصیکم بتقوی اللّه».

خدایا ما را اهل موعظه قرار بده! پروردگارا نفس امّاره و آرزوهای طولانی را بر ما مسـلط مفرما! خدایا امراض روحی، جسمی و فکری ما را شفا کرم بفرما.

ص: ۱۲۰

شب قدر

(۱۶)

سُئِلَ عن عليٍ علیه السلام : یا علی، ما القریب و ما الاقرب؟ ما العجیب و ما الاعجب؟ ما الواجب و ما الاوجب؟ و ما الصَّعْبُ و ما الاصعب؟(۱)

جلسه امروز ما در روز بیست و دوم ماه مبارك رمضان برقرار می باشد و امشب که شب بیست و سوم است بنا به روایتهایی شب قدر است. دلایل در این مورد زیاد است که اشاره می کنیم. امشب روایت وارد شده که سوره روم، دخان و عنکبوت خوانده شود. چون شب قدر یکی از معانی اش شب مقدرات است شاید به این دلیل که مضمون سوره روم هم به مسأله قضا و قدر خدا مربوط است.

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله هم برای پادشاه ایران خسرو پرویز و هم برای پادشاه روم قیصر نامه نوشت. خسرو پرویز پادشاه ایران بی ادبی کرد و نامه را پاره کرد؛ اما قیصر این کار را نکرد. به هر حال

۱- ۱. «بحار الانوار»، ج۵۷، ص۱۳؛ «جامع الاخبار»، فصل ۹۶.

وقتی بین ایران و روم جنـگ اتفاق افتاد، ایرانیها در جنگ پیروز شدنـد. وقتی ایران بر روم پیروز شـد، مردم و مسـلمانها تعجب کردنـد که پادشـاه ایران به پیغمبر اهـانت کرد پیروز شـد؛ اما پادشاه روم با اینکه اهانت نکرد، مغلوب شـده در این رابطه سوره روم به نکات جالبی اشاره دارد:

بسم اللّه الرحمن الرحیم. «الم. غلبت الروم فی ادنی الارض و هم من بعـد غلبهم سـیغلبون»(۱) درست است که در این جنـگ، روم مغلوب شد، اما بعد از هفت یا هشت سال دیگر غالب خواهد شد.

روایتهای قوی زیادی داریم که این شب از شبهای قدر است.(۲) دعای شب بیست و سوم هم خودش اشاره به این مطلب دارد. دعـایی که مربوط به این شب است در کتـاب «مفاتیـح الجنـان» حاج شـیخ عباس قمی و یا کتابهای دیگر وارد شـده. اگر دقت بشود، نشان می دهـد که لحن دعا در این شب لحن خاصـی است و آنچه دعا در این شب ها آمـده است مسـتقیما از شب قدر صحبـت می شـود. در ایـن شـبهاست کـه روایـت داریـم حضـرت فـاطمه زهرا علیهاالسـلام بـه خصـوص در روز بیسـت و دوم فرزندانش را می خوابانید و می فرمود که استراحت کنند تا شب بیست و سوم

۱- ۱. روم، ۱ ــ ۲.

۲- ۲. نک: شب قدر یا قلب ماه رمضان، چاپ دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

بیدار بمانند. حتی به حسب نقل وقتی اهل خانه شب خوابشان می گرفت، کاسه آبی می گذاشتند و می فرمودند که به صورتشان آب بزنند که خوابشان نگیرد و بنشینند و شب قدر را درک کنند.(۱) در این بیست روز، دل جلا پیدا کرده و می تواند محل نزول برکات باشد. شب قدر شب مقدرات انسان است. دو دهه در حقیقت انسان به تزکیه نفس باید پرداخته باشد تا آن مقدرات در این شبها در حق او امضا بشود، مقدراتی که انسان یک سال تمام باید با آنها زندگی کند. تمام وجود انسان باید در ماه مبارک رمضان ساخته شده باشد و انسان کانّه باید تقوای یک سال را در این ماه کسب کند.

تربیت الهی

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله یارانش را به گونه ای تربیت کرده بود که وقتی یارانش روی زمین راه می رفتند و پای یکی از آنها به سنگی

۱- ۱. سنن النبی صلی الله علیه و آله وسلم ، ص۲۹۶. رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در ده روز آخر ماه مبارک رمضان رختخواب خود را جمع می کرد (کنایه از اینکه نمی خوابید یا کم می خوابید) و کمرش را برای عبادت محکم می بست، و چون شب بیست و سوّم فرا می رسید، اهل بیت خود را بیدار نگه می داشت، و به صورت هر کدام از ایشان که خواب بر او عارض می شد آب می پاشید که خوابش نبرد. همین طور حضرت زهراء علیهاالسلام هیچ یک از اهل خانه خود را نمی گذاشت که در آن شب بخوابند، و برای اینکه خوابشان نبرد غذای کمتری به آنان می داد، و از روز، خود را برای «شب احیا» آماده می کرد، و می فرمودند: محروم واقعی کسی است که از خیر این شب بی بهره باشد. (و ر.ک: «الوسائل»، ج۷، ص۲۵۶).

برمی خورد و یا خاری به پای او می رفت، به محضر پیامبر آمده و به درگاه الهی استغفار می کرد و می گفت: «یا رسول اللّه، نمی دانم چکار کرده ام که امروز پای من به سنگ خورد و صدمه دید». ما نیز باید به این مطلب توجه کنیم. زمانی هست که این انسان در گرداب گناه دست و پا می زند، اما متوجه این مطلب نیست. تارهای عنکبوتی جلو چشمهای او را گرفته و زشتیهای دیگران را می بیند ولی زشتیهای خود را نمی بیند و توجه به کردار نابجای خودش ندارد.

نزدیک و نزدیکتر

از معصوم علیه السلام نقل است: «همه آنهایی که می میرند، اجلشان نرسیده است. بسیاری به خاطر گناه می میرند. آنهایی هم که زنده اند، زنده بودنشان نه به خاطر این است که عمرشان تمام نشده و اجلشان فرا نرسیده است، اینها اجلشان رسیده؛ ولی به خاطر برخی اعمال، خداوند اجلشان را به تأخیر انداخته است؛ به خاطر اعمال خیری که از ایشان سرزده است، چون، انفاق، صله رحم، خدمت به دیگران و... موجب افزایش عمر می گردد.

در روایتی که از حضرت علی علیه السلام سئوال کردند: «یا علی، ما القریب و ما الاقرب؟ قریب (نزدیک) چیست و قریب تر کدام است؟» حضرت فرمود: «قریب آینده است و قریب تر از آینده مرگ است. آینده نزدیک است و نزدیکتر از آینده مرگ است». نوف بکالی می گوید: وقتی حضرت به سجده می رفت و سر به سجده می گذاشت، سجده گاه حضرت از اشک خیس می شد.

فریاد می کرد و می گفت: «خدایا اگر تو دستور بدهی به ملائکه غلاظ و شدادت که علی بن ابیطالب علیه السلام را با غل و زنجیر ببندید و به سوی آتش ببرید، من چه جواب بدهم؟»

بارها ناله می کرد و می فرمود: «آه آه من قله الزَّادِ و بُعْدِ السَّفر؛ فریاد از کمی توشه ای که ما از دنیا برداشته ایم و دوری راه و سفر آخرت». واقعا چه توشه ای از دنیا گرفته ایم؟ چرا حال گریه و حال دعا نداریم؟ چرا به مسجد رفتن برایمان سخت است؟ چرا حال قرآن خواندن در ما نیست؟ چرا حال خضوع و خشوع در ما کم است؟ و... . امام علیه السلام فرمود: انی اسئلک قلبا یدنیه منک شوقُهُ و لسانا یرجع الیک صِدْقُهُ؛ خدایا من قلبی را می خواهم که شوقش به سوی تو نزدیک و زبانی که راستگویی اش به سوی تو باشد.» این جمله واقعا عجیب است که می فرماید: «ابکی لم لا ابکی؛ گریه می کنم و برای چه گریه نکنم؟» خوب برای چه گریه می کنی؟ می فرماید: «گریه می کنم برای اینکه چرا در مقابل تو گریه ام نمی گیرد و اشکم نمی آید و حال خشیت، خوف، تضرع و ابتهال ندارم.»

در ادامه حدیث از حضرت سئوال شد: «ما العجیب و ما الاعجب؛ عجیب چیست و عجیبتر کدام است؟» به عبارت دیگر چه چیزی بیشتر مایه تعجب و شگفتی می شود؟ حضرت فرمود: «عجیب دنیاست و عجیب تر از آن دل بستن به دنیاست.» واقعا این دنیا عجیب است که چه مردمانی که به آن دل بسته اند.

امام علی علیه السلام با همه نوع مظاهر دنیاخواهی و دنیادوستی مبارزه کرد. هر جا می دید لغزش و نرمش نسبت به دنیا وجود دارد

ص: ۱۲۵

بلافاصـله هشدار می داد. وقتی که حضـرت می شـنود که عثمان ابن حنیف در یک مهمانی به عنوان یک استاندار شرکت می کند و در آن مراسم یک سـری آدمهای متمول، مالدار و ثروتمند شـرکت داشـته اند و غذایی بهتر از غذای دیگران داده شده، به عثمان ابن حنیف می نویسد: «من شـنیده ام که تو در یک مهمانی شرکت کردی که اگر این گونه باشد که من شنیده ام، تو را از مسؤولیت خلع می کنم». یـا برای دیگری می نویسـد که شـنیده ام که برایت هـدیه می آورنـد و تـو هم هـدیه هـا را می پذیری. گفت که آقا مردم دوسـتم دارند و برای من به دلیل محبت هدیه می آورند. حضرت فرمود: «چرا قبل از اینکه استاندار بشـوی برایت هـدیه نمی آوردنـد؟ چرا قبـل از اینکه امضـایت کـارآیی داشـته باشـد، مردم به تو محبت نداشـتند و هـدیه نمی آوردند؟ ولی الآن محبت پیدا کرده اند؟» پس عجیب دنیاست و عجیب تر از آن دل بسـتن به دنیاست. باز سـئوال کرد که: «ما الواجب و ما الاوجب؟ یا علی واجب چیست؟ و واجب تر و فوری تر از واجب کدام است؟» حضرت فرمود: «واجب ترک گناه است و واجب تر تعجیل در توبه نمودن است». ترک گناه واجب است. تمام سالکین الی اللّه فرموده اند که اولین شـرط سیر و سلوک ترک محرمات است. فرمود: اَلصَّبْرُ صَبْران؛ صبر دو گونه است. «امَّا افضل الصبر صبرٌ فی المحارم؛ برترین صبر، صبر در مقابل گناه و محرمات خـداست.» بیاییم انصافا مقایسه کنیم که نماز بیست و دوم ماه مبارک رمضان با نماز اول ماه مبارک چه فرقی کرده است؟

در حالات شیخ محمد باقر شفتی، این عالم ربانی نوشته اند که

روزها حالت عادی داشت و شبها حالت شیدایی پیدا می کرد. فریاد می زد و سر به دیوار می کوبید. نوشته اند که ایشان نماز جماعت می خواند. شخصی گفت که من علاقه پیدا کرده ام که در نماز جماعت شیخ محمد باقر شرکت کنم. روزی در نماز جماعت شرکت کردم و دیدم شیخ وقتی تکبیره الاحرام را می گوید، اللّه اکبر را مد می دهد. تعجب کردم که یک انسان مجتهد و انسان به این عظمت دارد اشتباه می گوید. چون جایی باید به کلمه ای مد داد که حرف مد و سبب مد وجود داشته باشد و در اللّه اکبر حرف مد و سبب مد جمع نیست. پس چگونه می شود یک انسان مجتهد در نمازش اشتباه بکند و اللّه اکبر را مد بدهد و آن وقت این همه ماموم هم ایستاده باشند.

این شخص می گوید: «من گفتم که آقایتان دارد اشتباه می کند و شما به این آقا اقتدا می کنید. چرا به او تذکر نمی دهید که ایشان به اللّه اکبر مد می دهد؟» مأمومین برگشتند و گفتند: «ما این سئوال را از آقا کرده ایم و ایشان فرموده اند که من وقتی اللّه اکبر را می گویم دیگر دست خودم نیست و زودتر از این نمی توانم بگویم و یک حالت غیر طبیعی به من دست می دهد. آیا شما هیچ می دانید که من چه چیزی را می خواهم بگویم؟ من بهتر از این نمی توانم و زبانم زودتر از این نمی تواند بگوید.

حضرت فرمود: «واجب ترک گناه است.» و ماه رمضان ماه ترک گناه است و واجب تر شتاب و عجله در توبه است. واجب است انسان توبه کند و از گناهان خود پشیمان بشود.

شناخت مشکلات

آخرین سئوال آن شخص از حضرت این بود: «ما الصعب و ما الاصعب؟ سخت کدام است و سختتر کدام است؟»

حضرت فرمود: «سخت مردن و داخل قبر رفتن و سختتر بدون توشه رفتن است». مردن خیلی سخت است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در آخرین لحظات عمرش می فرمود: لا اله اِلَّا اللّه اِنَّ للموتِ غمراتٌ انَّ للموت سکرات.(۱) مرگ سختیهای زیادی دارد. پیغمبر می گوید که مرگ سختیها دارد ولی گویا بر ما وحی نازل شده که پرونده شما سفید و بی نقص است. گویا وحی بر ما نازل شده که بیت المال بر شما حلال است! و یا ادا نکردن حق خدا و مردم، حق شماست. چرا باید این گونه باشیم. باید به این نکات توجه کنیم و توجه به این نکات است که باعث می شود انسان کمی فکر کند، حرکت کند و تصمیم بگیرد و به فرمان الاهی گردن نهد.

امیدواریم که ان شاءاللّه ماه مبارک رمضان که باید گفت ماه اولیاءاللّه است باعث بشود که ما هم در این ماه به خودسازی پرداخته از غفلت دوری کنیم.

اللّهمّ اجعل عواقب امورنا خیرا و لا تجعل الدنیا اکبر همنا، ... .

پروردگارا درک شب قدر و فضائل آن به همه ما کرامت فرما.

ص: ۱۲۸

۱- ۱. در این باره روایات فراوانی آمده است. نک: «الوسائل»، ج ۱۰، ص۴۷۵.

شهدا زنده اند

(۱۷)

قال اللّه الحکیم فی محکم کتابه: اعوذ باللّه من الشیطان الرجیم: «و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل اللّه امواتا بل احیاءٌ عند ربهم یُرْزَقُون».(۱) البته نپندارید که شهیدان راه خدا مرده اند بلکه زنده به حیات ابدی شدند و در نزد خدا متنعم خواهند بود.

امروز جدای از اینکه روز قدر است و به خاطر منتسب بودن این روز به شب گذشته (بیست و سوم رمضان) که به احتمال قوی شب قدر بوده است؛ یکی از روزهای قدر انقلاب و شبهای قدر انقلاب اسلامی هم هست.(۲)

حقیقت انسان که همان روح الهیه انسان است هرگز نمی میرد و این انسان چون حقیقتش از خداست، هرگز از بین رفتنی نیست. قرآن می فرماید فکر نکنید که شهدا مرده اند. خیر آنها زنده اند و

ص: ۱۲۹

۱- ۱. آل عمران، ۱۶۹.

۲- ۲. بحثها حدود سال ۷۲ _ ۷۳ ایراد شده است.

هر گز تصور و تفکر و برداشت این چنینی که آنها مرده انـد، صـحیح نیست. حقیقت شـهید حقیقت مقدسـی است. این حقیقت نتیجه اخلاص است و هیچ کس جز شـهید و آنان که سـلم محض اند و تسـلیم فرمان خدای متعال اند زیبنده این افتخار نیست. شهیـد نـامی از اسـماء اللّه و شـهادت آرزوی همه اولیـاء اللّه است. اَلا اِنَّ اولیاء اللّه لا یموتون بل ینقلون من دار الی دار. اولیای خدا هر گز نمی میرند، بلکه از خانه ای به خانه دیگر منتقل می شوند. از سختی به راحتی و از تلخی به شیرینی می رسند. اینکه امام باقر علیه السـلام فرمود یاران پدرم امام حسـین علیه السـلام در کربلا هیچ گونه احساس درد نمی کردند، برای این بود که چراغ عشق در وجود آنهـا می سوخت و هرچه را که مـاورای غیر خـدا بود، می سوزانـد و در مقابـل این همه مشـکلات لقایی وجود داشت که، آن لقاء تمام آرزوی آنها بود. لـذا آنهایی که از اول عمر تا آخر عمرشان دیـده نشده بود که مزاح و شوخی کننـد در شب عاشورا مزاح می کردنـد و می گفتنـد: «فردا روز کشـته شـدن و شـهید شدن است». می گفتند: به خدا قسم همه فامیل می دانند من از اول عمرم تا به امشب اهل مزاح نبوده ام.

پیغمـبر صـلی الله علیه و آله فرمود: «الاـ و مَنْ مـات علی حب آلِ محمـد مـات شـهیدا؛ هر کس بر حب و دوسـتی محمـد و آل محمـد صـلی الله علیه و آله بمیرد شـهید مرده است». با توجه به این حقیقت است. چون آن محبتی که او را به خـدا و اهل بیت عصمت و طهارت پیوند می دهد، عشق حقیقی است.

ص: ۱۳۰

قلمهای پاک

روایت داریم که در مقام علما فرموده اند: مداد العلماء افضل من دماء الشهداء. گاهی مقام عالم با مقام شهید سنجیده و یا برابری می کند. گاهی هم مقام عالم بر مقام شهید ترجیح داده می شود. عمده ترین مساله در جهاد، جهاد اکبر است که در آن تهذیب و تزکیه نفس صورت گرفته. اگر آن جهاد اکبر نبود این جهاد اصغر هم به انجام نمی رسید. اولین دسته ای که خداوند به آنها مباهات می کند آنهایی هستند که: «یقاتلون فی سبیل اللّه باموالهم و انفسهم».

دسته دیگر انسانهایی هستند که: یبکون من خشیه اللّه؛ آنهایی که از خوف خدا و خشیت او حال گریه، تضرع و زاری دارند.» علت اینکه حضرت زهرا علیهاالسلام وصیت کرد و به خادم خانه اش فضه و همچنین به همسرش علی علیه السلام فرمود که این شیشه اشک مرا همراه من دفن کنید، برای این بود که حضرت زهرا علیهاالسلام این شیشه اشکش را در مجالس خوف و خشیت خدا پر کرده بود. آری خداوند به آنها مباهات می کند و به ملائکه اش کانّه می گوید: «انی اعلم ما لا تعلمون»؛ چیزی را که من به آن آگاهم شما نمی دانید.

مبارزه در دو جبهه

پیکر مطهر این عزیزانی را که این روزها می خواهیم دفن کنیم،

ص: ۱۳۱

مصداق همان دسته ای هستند که مورد مباهات خدایند. شما برادران هم اهل جبهه و مبارزه اید و الآن مهمترین مبارزه را که همان مبارزه فرهنگی است شما انجام می دهید. این شهدا همانهایی هستند که چفیه ها به صورتهایشان می بستند که صورتشان دیده نشود و آن وقت دعای کمیل علی علیه السلام را در قنوت نمازشان می خواندند. زیارت عاشورای ابی عبداللّه علیه السلام را می خواندند. اینها همان کسانی اند که قرآن آنها را توصیف می کند: «اِنَّ الَّذین قالوا ربنا اللّه ثُمَّ استقاموا تتنزلُ علیهم الملائکه».(۱)

دسته دیگری که خدا به آنان مباهات می کند: «الذین ینفقون اموالهم فی سبیل اللّه»؛ آنهایی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند.

چه دارایی بالاتر از جان شهید و تمام هستی و وجود او که آن را در راه خدا می دهد و می گوید: بابی انت و امّی و اسرتی و اهلی و مالی و همه وجودش را وقف می کند. در مقابل شهدای پاک و مظلوم امروز پذیرش مسؤولیت خیلی سنگین است.

اینها به امیرالمؤمنین علیه السلام اقتدا کردند. در این ماه رمضان که ماه نزول برکات و ماه شهادت علی علیه السلام است، تنها چیزی که آمال و آرزوی آنان بود این دعا بود که: «اللّهم لا تجعل مصیبتنا فی دیننا؛ خدایا مصیبت را در دین ما قرار مده». خدا نکند مصیبت در دین ما باشد. تمام هستی ما دین و آئین اسلام است و شهادت این شهدا

۱- ۱. فصّلت، ۳۰.

برای حفظ دین و ناموس خدا بود. وقتی حضرت رسول صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام خبر داد که یا علی در این ماه، محاسن تو با خون سرت خضاب می شود، علی علیه السلام سؤال کرد: «یا رسول اللّه! آن وقتی که من شهید می شوم، أَفی سلامه دینی، آیا دین من سالم است یا نه؟»

مهمترین مسأله برای شهید، اسلام بود و شهدای ما نیز به مولایشان علی علیه السلام اقتدا کردند. به مولایشان حسین علیه السلام اقتدا نمودند. الگویشان علی اکبرها و کسانی بود که در کربلا همراه امام حسین علیه السلام بودند. این شهدای انقلاب ده ها شب قدر درست کردند. صدها قتلگاه ساختند و در این کشور صدها بهشت زهرا و کربلاـ امروز داریم. آنهایی که می خواستند این شهدا را به زانو دربیاورند، عشق آنها به امام و عشق امام به آنان را نفهمیده بودند و به رابطه امام و ماموم پی نبرده بودند که با آنها این گونه رفتار می کردند. دشمنان نشنیده و یا درک نکرده بودند که علی علیه السلام شب تا صبح با جان خود بازی کرد و در بستر پیامبر خوابید با این که می دانست چهل شمشیرزن بالای سرش هستند. این حقیقت برای دشمن قابل درک نبود که تمام آن کسانی که در کربلای امام حسین علیه السلام بودند، آرزوی آنان «شهادت» بود وقتی امام حسین علیه السلام بالای سر آن شهید آمد، رو به امام نمود و گفت: «أوَفیتُ بعهدی؟؛ آیا به عهدم وفا کردم.» آیا توانستم با دادن جان خودم حق مطلب را ادا کنم و نسبت به تو که امام و مراد من هستی، وظیفه ام را به انجام برسانم؟

ص: ۱۳۳

مؤمنان واقعی

امام صادق علیه السلام فرمود: «اِنَّ المُؤمِنَ اَشَدُّ مِنْ زُبُرِ الْحَدیدِ اِنَّ الحدید لَوْاُدْخِل فی النار تغیر. اِنَّ المؤمن لو قُتل ثم نشر ثمّ قُتل لم یتغیر قلبه؛(۱) انسان مؤمن قلبش از آهن محکمتر و سختتر است؛ چون آهن را اگر داخل آتش بیندازی، تغییر می کند؛ ولی مؤمن اگر بمیرد و زنده شود و دوباره کشته شود و باز زنده شود، قلبش تغییری نمی کند. این استقامت و مقاومت، در نتیجه ایمان به خدا و محبت به رسول و آل رسول صلی الله علیه و آله وسلم است.

ان شاءاللّه که خداوند ما را به وظایفمان در مقابل شهدا آشنا بگرداند. حرف این شهیدان این است: ما رفتیم تا اسلام زنده بماند. ما رفتیم و شما ماندید. شما بعد از ما چه کردید؟

اللّهمّ اجعل عواقب امورنا خیرا. و لا تجعل الدنیا اکبر همنا، و لا تکلنا الی انفسنا طرفه عین ابدا، و وفقنا لما تحب و ترضی. و صلی اللّه علی محمد و آله الطاهرین. والسلام علیکم و رحمه اللّه و برکاته.

ص: ۱۳۴

۱- ۱. «صفات الشیعه»، ص۳۲؛ بحار الانوار، ج۶۴، ص۳۰۳؛ ج۶۷، ص۱۷۸.

ساعات چهارگانه

(۱۸)

قَدْ ورد فی الاخبار عن ائمه الاطهار علیهم السلام : اِنَّ العاقل ینبغی أَن یکون له اربع ساعات: ساعةٌ یناجی فیها ربَّهُ، و ساعه یُحاسِبُ فیها نفسه، و ساعه یتفکر فی صنع اللّه، و ساعه یخلوا فیها للمطعم و المشرب.(۱)

ماه مبارک رمضان ماه نظم است. ماه توجه و نظام است. عمده این است که انسان با نظم و توجهی که شرع مقدس برایش معین کرده ساخته بشود. یعنی یک دانش آموز یا طلبه زمانی موفق است که دارای نظم باشد. اگر مرتب و منظم نباشد، موفق هم نخواهد بود. اگر یک طلبه و یا دانش آموز هر ساعتی که فرصت کرد تصمیم به مطالعه بگیرد موفق نمی شود. ساعت مطالعه باید ساعت مشخص و معینی باشد؛ به گونه ای که در آن ساعت معین، فقط به مطالعه بپردازد. خدای متعال هم برای انجام عبادات بندگانش وقت معین کرده است. در همین ماه مبارک رمضان به بنده اش

ص: ۱۳۵

۱- ۱. در روایتی آمده است: علی العاقل ان یکون عارفا بزمانه مقبلاً علی شأنه حافظا للسانه. «اصول کافی»، ج۲، ص۱۱۶.

فرموده که او سر وقت افطار کند یا سحری بخورد و به موقع نماز بخواند و آنقدر هم که به نماز اول وقت اهمیت داده، برای این است که افراد ساخته بشوند. روایتی که امروز خوانده شد، روایت زیبایی است که ائمه اطهار علیهم السلام می فرمایند: عاقل(۱) کسی است که در زندگی اش وقتش را به چهار قسمت و ساعت تقسیم کند. این چهار ساعت برای انسان در هر زمینه ای که در نظر بگیریم. برای او لازم است. اولین ساعت: (ساعه یناجی فیها ربه)، ساعتی که در آن با خدای خویش به راز و نیاز و مناجات بپردازد. چون انسان طبق بیان قرآن کریم نیاز محض است و این نیازها باید به طریقی تامین شوند. نیاز عالم هستی و انسان به خدای متعال نیاز ذاتی است. یعنی اگر لحظه ای عنایت الهی برداشته شود، حیات امکان ندارد. می فرماید: «یا ایّها النّاس انتم الفقراء الی اللّه واللّه هو الغنی الحمید»(۲)... این آیه به فقر ذاتی بشر اشاره دارد.

ساعه یناجی فیها ربه. در اینجا از لغت یناجی استفاده کرده است؛ یعنی اوقاتی را برای مناجات و راز و نیاز با خدای خودش اختصاص دهد و این مناجات تامین کننده آن نیاز روحی و معنوی انسان است که انسان لحظاتی را با خدای خود خلوت کند. اولیاء

ص: ۱۳۶

۱- ۱. عاقل انسانی است که کار سفیهانه انجام نمی دهد و در مقابلش جاهل است. یعنی یک وقت عاقل در مقابلش غیر عاقل و دیوانه به کار می رود، ولی در مقابل عاقل باید جاهل را آورد و ما در کتابهای بزرگان دینی مثل «اصول کافی» کتاب عقل و جهل داریم یعنی عقل در مقابلش جهل آمده است و برعکس و هرگز جهل در مقابل علم نیامده است.
۲- ۲. فاطر، ۱۵.

در وادی خداشناسی از همه قوی تر، و مناجاتشان از دیگران بیشتر بوده است و سراسر زندگی اولیای بزرگ را همین حال تشکیل می دهد. لذا حضرت امام صادق علیه السلام می فرماید(۱): پدرم امام باقر علیه السلام دائم الذکر بود. در هر حال، ذکر می گفت و توجهش به خدا بود.

محاسبه نفس

«و ساعه یحاسب فیها نفسه». انسان ساعتی را هم برای خلوت و محاسبه نفس و حساب کشیدن از خود نیاز دارد تا ببینید چه کار کرده است. این محاسبه نفس خیلی مهم است که انسان از خودش حساب بکشد.

در حالت یکی از بزرگان نوشته اند که به فرزندش فرمود: «هر وقت از صبح تا شام بیرون می روی، تمام اعمالت را یادداشت کن و در پایان روز بیا و برای من بگو». روز اول فرزند رفت و این کار را کرد. در پایان روز گزارش یادداشتهایش را به پدرش ارائه داد، ولی روز دوم پیش پدر نیامد و این کار را نکرد. پدر گفت: «چرا نیامدی؟» فرزند گفت: «خجالت کشیدم که بیایم. می خواستی بیایم چه بگویم؟ بگویم صبح تا عصر معصیت و گناه کردم؟» این عارف می گوید: «خوب تو که نمی توانی پیش من بیایی و حساب پس بدهی، فردا در مقابل خدای متعال چگونه می خواهی جوابگو باشی؟ با توجه به اینکه اطلاعاتی را که به من می دهی

۱- ۱. «منتهی الآمال»، شیخ عباس قمی، حالات امام باقر علیه السلام .

یک سری اطلاعات عادی است که من نمی توانستم راست یا دروغ بودنش را هم بفهمم و آنچه را تو می گفتی می شنیدم.»

ساعه یحاسب فیها نفسه؛ از نفس خودش حساب بکشد. امام جواد علیه السلام فرمود: «لیس منا من لم یحاسب نفسه؛(۱) از ما نیست کسی که هر روز از نفس خودش حساب نکشد.» امروز چه کرده و به چه چیزی مشغول بوده است. محاسبه یکی از نقاط حساس در زندگی «سالکین الی اللّه» است. امام خمینی رضوان اللّه تعالی علیه مسأله محاسبه، مراقبه و مشارطه را در کتاب «اربعین حدیث» بیان نموده. در آنجا به این مطلب به خوبی اشاره می کنند. انسان خوب است با این نفس یک سری قرارهایی بگذارد که ما در میان علما و حالاتشان این مسأله را می بینیم که با خودشان عهد می کنند، مشارطه می کنند که اگر خطایی امروز از من سر زد، فردا باید روزه بگیرم. و یا دیده شده که خیلی از افراد در ابتدای راه وقتی با نفس خود مشارطه و محاسبه می کردند، سنگریزه در دهان خود می گذاشتند که یادشان بیاید این سنگریزه علامت این است که مثلاً غیبت نکنند، مرتکب گناه و معصیت نشوند.

۱- ۱. «اصول کافی»، ج۲، ص۴۵۳؛ «الوسائل»، ج۱۶، ص۹۵. با دقت در آیات الهی و روایات معصومین علیهم السلام در می یابیم که حجابی و پرده ای بزرگتر از هوای نفس بین بنده و خداوند عالم وجود ندارد. به همین دلیل دستور داده اند هر روز از نفس حساب کشیده شود به این معنا در صورت انجام کار خوب درخواست توفیق بیشتر از خدا نماید و در صورت خطاء و معصیت دست به سوی پروردگار برداشته طلب آموزش کرده توبه نماید و بزرگان از علمای اخلاق یکی از مراحل مهم در راه سازندگی را «محاسبه» می دانند. نک: «چهل حدیث» تألیف امام خمینی رحمه الله .

در حالات امام رحمه الله می نویسند که ایشان وقتی صحبت از غیر به میان می آمد سریعا صحبت را عوض می کرد و می فرمود: «از یک چیز دیگر صحبت کنید. الآن دیگر لازم نیست که از فلان مطلب یا شخص حرفی بزنید».

در مورد شیخ عباس قمی (رحمه الله) می نویسند که از اول عمرش نه خودش غیبت کرد و نه اجازه داد کسی نزد او از دیگری غیبت کند.

در دعای افتتاح می خوانیم: اللّهمّ انی افتتح الثناء بحمدک و انت مسدد للثواب بمنّک... وَ ایْقَنْتُ انت ارحم الراحمین. بعد جمله ای در همین دعا هست که می فرماید: اشد المعاقبین فی موضع النکال و النقمه. من یقین دارم که تو اشد المعاقبین هستی. اگر یقین داریم آن چیزی که در مناجات گفتی، در ساعت عمل باید دیده بشود، ساعتی که حساب از این نفس کشیده بشود.

روایت داریم که صبح اعضاء و جوارح بیدار می شوند و نزد زبان می آیند و می گویند: «ای زبان، امروز ما را آرام بگذار و اجازه بده که آبرو و شخصیّت دیگران در امان باشد. امروز دیگر گناه نکن و مرتکب معصیت خدا مشو.»

«یحاسب فیها نفسه. یعنی کنترل و حساب کشیدن از نفس، خداوند قسم می خورد به روز قیامت و قسم می خورد به نفس لوامه، چه دگرگونی و تغییراتی در قیامت حاصل می شود، نفس لوامه هم باید در انسان دگرگونی ایجاد کند. «لا اقسم بیوم القیامه * و لا اقسم بالنفس اللوامه».(۱) این حروف «لا» زائده است و

ص: ۱۳۹

۱- ۱. قیامت، ۱ __ ۲.

معنـای آیـات این نیست که قسم نمی خورم. معنـا مثبت است، یعنی قسم می خورم به قیـامت و به نفس ملامت گر و سـرزنش کننـده ای که انسان را مورد خطاب قرار می دهـد که ای نفس چرا امروز به گناه آلوده شـدی و باعث شدی که من به دیگری ظلم روا بدارم، آبروی دیگری را ببرم و...

ساعت تفکر

ساعه یتفکر فی صـنع اللّه. و یک ساعتی هم باید انسان مؤمن برای تفکر در عظمت و آفرینش خدا اختصاص بدهد. در صفات خدا فکر کند. در چیزی که براساس یک حکم «کُنْ فیکون» خدای متعال او را، عالم هستی را آفریده و لباس هستی بر تن آنها پوشانیـده بیندیشـد. امـام صادق علیه السـلام فرمود: وجـدت علم الناس فی اربع: اولها، ان تعرف ربک، ثانیها، ان تعرف ما اراد بـک، ثالثها، ان تعرف ما صـنع بک، و رابعها، ان تعرف ما یخرجک من دینک.(1) من علم همه مردم را در چهـار جمله یافتم. اول این که دقت بکنی پروردگارت کیست و او را بشناسـی (خداشناسـی). دوم این که خدای تو از تو چه چیزی خواسته است (هـدف آفرینش چه بوده) و سوم این که بشناسـی که خدا چه ساخته، و چهارمین جمله این است که اَنْ تعرف ما یخرجک من دینک. نقطه ضعفت را بشناسی و بدانی چه چیزی تو را از دین خارج می سازد. برای کسب این

۱- ۱. «اصول کافی»، ج۱، ص۵۰، حدیث ۱۱.

معرفت و شناخت هم خیلی نیاز نیست که انسان جای دوری هم برود. همین که انسان می بیند رفیقش تنزل پیدا کرد، یا کسی از یک منصب و پستی که برایش عزت است به واسطه بی پروایی، خلاف و بی قانونی تنزل پیدا کرد، برای دیگران کافی است که فکر کنند که او چه کرد که این گونه شد. همان چیزی که باعث ذلت او شد، برای دیگری درس عبرت باید بشود.

ساعه یتفکر فی صنع اللّه. انسان باید در عظمت این عالم در اطراف و اکناف عالم نگاه و تفکر کند. حضرت ابی عبداللّه علیه السلام در مناجات و دعای عرفه می فرماید: الهی عمیت عینٌ لا ـ تراک؛ کور باد آن چشمی که تو را و عظمت تو را نبیند.» قدرت، حکمت و نظم مقرر در عالم را درک ننماید.

بهره حلال

و ساعه یخلی فیها للمطعم و المشرب. آخرین بخش جمله امام اشاره می کند به اینکه انسان یک ساعتی هم برای استراحت، تفریح، خوردن و آشامیدن خود مشخص کند. ساعت مناجات، محاسبه نفس و تفکر و استفاده از حلال خدا که در روایات و آیات به آنها اشاره شده، خیلی مهم است.

حضرت اول ساعت مناجات با خدا را مطرح می کند و در آخر روایت به ساعت مختص به استفاده از روزیهای حلال و خوردنیها و آشامیدنیها اشاره شده است اولی یعنی مسأله مناجات و راز و نیاز غذای روح آدمی است و دومی که خوردنیها باشند غذای

جسم. باید اصول را شناسایی کرد، اصل در وجود انسان همان جنبه روحانی اوست. حضرت علی علیه السلام فرمود: خداوند دنیا را به عنوان اجر و مزد برای اولیای خودش قرار نداده و برای کفار هم عذاب قرار نداده است. خداوند مقرر نکرده کسی که کافر است از دنیا بهره ای نبرد.

نقل است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله با عده ای از یارانش از محلی می گذشتند. به چوپانی رسیدند و عرض حاجت کردند و گفتند که ما تشنه ایم. چوپان چیزی به آنان نداد که بنوشند. حضرت دعایی برای این شخص نمودند و فرمودند: «خدا مالت را زیاد کند». از این محل گذشتند. به جای دیگری رسیدند و به شخص دیگری عرض حاجت کردند و گفتند که تشنه ایم. شخص گفت: «این گوسفندها را بدوشید و شیر آن را بخورید.» بعد از نوشیدن و رفع تشنگی حضرت فرمود: «خدا به اندازه کافی به تو بدهد». راوی می گوید: «من خیلی تعجب کردم که یا رسول اللّه این چه دعایی است؟ به آن کسی که اصلاً چیزی به ما نداد و توجهی نکرد، دعا کردی که خدا مالت را زیاد کند و این دومی را دعا کردی که به اندازه کافی خدا به تو بدهد؟» حضرت فرمود: «زیادی مال گرفتاری می آورد». حکایت ثعلبه که جزء اولین کسانی بود که به مسجد وارد می شد و با دعای پیغمبر و برکت آن دو درهمی که پیغمبر به او داد، به سرمایه ای رسید و گله گوسفندی تشکیل داد و به جایی رسید که وقتی مأمورین پیغمبر برای گرفتن زکات نزد او آمدند، از دادن زکات امتناع کرد و گفت: «من زحمت کشیدم و

دسترنج خودم هست» نمونه خوبی برای عبرت آموزی است.

امام صادق علیه السلام به عنوان بصری فرمود: حالا که مرد ۹۴ ساله ای هستی و از من سئوال و تقاضا کردی به تو بگویم که: «العبد لا یملک شیئا.(۱) این را مطمئن باش که عبد مالک هیچ چیزی نیست و نخواهد بود. ما همه عبد او هستیم و دقت باید بکنیم که در ید قدرت حضرت حق هستیم. باید تلاش کنیم همه ساعات ما ساعات توجه و ذکر خدا باشد. خدا توفیق بدهد که در این روزهای باقیمانده از ماه مبارک رمضان اگر از بدی ها و غفلت رها نشدیم، خودمان را رها کنیم. ان شاءاللّه.

پروردگارا ما را اهل محاسبه و مراقبه قرار بده؛ خدایا روزی ما حلال، دوستان ما صالح و عاقبت همه ما را ختم به خیر بفرما؛ بارالها لذت عبادت، علم و تفکر به همه ما روزی فرما.

۱- ۱. حدیث عنوان بصری.

خورشید دوّم

(۱۹)

خورشید دوّم(۱)

نیمه ماه مبارک رمضان سالروز میلاد امام حسن مجتبی علیه السلام است. این روز را به محضر آقا امام زمان علیه السلام و همه ارادتمندان و شیعیان آن بزرگوار تبریک عرض می کنیم.

امام مجتبی در نیمه ماه مبارک رمضان سال ۳ یا ۴ هجری در مدینه منوره متولد شدند. مناسب است در طول سال سیره ائمه به ویژه سیره و زندگانی امام مجتبی علیه السلام بیشتر مورد بررسی و بیان قرار گیرد.

در دعای امروز آمده است: «اللهم ارزقنی فیه طاعه الخاشعین واشرح فیه صدری بانابه المخبتین بامانک یا امان الخائفین» امام حسن مجتبی جزء خاشعان واقعی است و شاید دعای امروز بی ارتباط با وجود مقدس حضرت و میلاد آن بزرگوار نباشد.

ص: ۱۴۴

۱- ۱. مطالب صفحه ۱۴۴ ـ ۱۷۵ جهت تکمیل بحث اضافه گردیده است.

نصب امام

به هر حـال بعضـی فکر می کننـد اختلاـف ما و اهل سـنت در مسأله امامت آن است که ما می گوییم جانشـین پیغمبر را پیغمبر باید تعیین کند و باید معصوم هم باشد. در حالی که اختلاف اینجاست که ما می گوییم جانشـین پیامبر را باید خدا تعیین بکند و پیغمبر اعلام بکند. در این تعیین، پیامبر نقش مبلغ را دارد: «یا ایها الرسول بلّغ ما اُنزل الیک من ربّک».(۱)

البته جانشین باید خصوصیات پیامبران را داشته باشد. یعنی باید دارای علم، تقوا، عصمت، اخلاق و همه کمالات باشد تا جایی که سید مرتضی می گوید: «امام از نظر کمال و جمال باید در حد اعلی باشد.

پس مـا یـک قاعـده کلی داریم که دوازده جانشـین پیامبر از این نظر با هم مشترک هسـتند. یعنی خصوصـیات امام اول را امام دوازدهم هم دارد. علمی که امـام اول دارد امـام دوازدهم هم دارا است و لـذا فرقی از این جهت بین ائمه نیست. از این مقـدمه نتیجه می گیریم که اگر درباره یکی از ائمه مطلبی کمتر شـنیدیم یا کمتر مطلب نقل شد، به خاطر خصوصـیات و شـرایط عصر ائمّه و اطلاعاتی است که ما از تاریخ در اختیار داریم.

۱- ۱. مائده، ۶۷.

چهار دوره زندگانی امام مجتبی

۱. دوران ولادت و کودکی حضرت تا رحلت پیامبر اکرم و شهادت مادر بزرگوارشان حضرت زهرا یک دوره ۷ الی ۸ ساله نسبتا طولانی که این دوره بسیار حساس است؛

۲. دورانی که از شهادت یا رحلت پیامبر و شهادت حضرت صدیقه علیهاالسلام شروع می شود. از سال یازدهم تا شهادت امام علی علیه السلام . این دوران هم طولانی است. از سال یازدهم تا ۴۱ دوران نوجوانی و جوانی؛

۳. دوره سوم از آغاز امامت، رهبری و حکومت [شش ماهه] تا صلح با معاویه؛

۴. دوره چهارم از زمان صلح تا زمان شهادت.

دوره اول یعنی دوران ولادت و کودکی حضرت از درخشانترین دوره های حیات اسلام ومسلمین است و امام حسن و امام حسین علیهماالسلام از ابتدای کودکی تا ۷ سالگی در کنار شخصی چون پیامبر اکرم رشد کردند در خانه ای که در این خانه وحی نازل می شود یعنی محل رفت و آمد فرشتگان است بزرگ شدند. در زیارت جامعه کبیره هم می خوانیم: «السلام علیکم یا اهل بیت النبوه و موضع الرساله و مختلف الملائکه» مختلف الملائکه به معنای آن است که این خانه محل رفت و آمد ملائکه بوده است. «مختلف الملائکه» یعنی عده ای می آمدند و عده ای می رفتند.

پدر آن بزرگوار حضرت علی علیه السلام ، مادر حضرتش فاطمه علیهاالسلام ،

ص: ۱۴۶

جد او پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم ، جده او حضرت خدیجه علیهاالسلام ، در سوره الرحمن آمده است: «مرج البحرین یلتقیان بینهما برزخ لا یبغیان فبای آلاء ربکما تکذبان یخرج منهما اللؤلؤ و المرجان».(۱)

برزخ همان مکتب پیامبر اکرم است دین، اخلاق و وجود پیامبر اکرم که موجب تعادل است اجازه تعدی به هیچ کس نمی دهد. «یخرج منهما اللؤلؤ و المرجان»لؤلؤ و مرجان امام حسن و امام حسین علیهماالسلام هستند در یک همچو خانه و خاندانی فرزند به دنیا آمد. سکاندار همه برنامه ها هم پیامبر خداست. انتخاب اسم، قربانی هم توسط پیامبر صورت می گیرد. امام علی علیه السلام با حضور پیامبر از حضرت پیشی نمی گیرد. گفته اند حتی خطبه و جملات صادره از امام علی چون نهج البلاغه همه مربوط به بعد از رحلت پیامبر اکرم است. تا پیامبر زنده بود به خود اجازه نمی داد در محضر پیامبر سخنی بگوید. برای انتخاب اسم پیامبر فرمود: باید منتظر جبرئیل باشیم. جبرئیل نازل شد: یا رسول اللّه نسبت علی به تو مانند نسبت هارون به موسی است. شما اسم فرزندان هارون را انتخاب کنید شَبَر، شُبَیر که عربی آنها می شود حسن و حسین.

بعد از انتخاب اسم دستور دادند برای حضرتش عقیقه و قربانی کردند. از مسائلی که خیلی درس آموز است اینکه طبق نقل تاریخ، پیامبر در این امور شخصا دخالت کرده و اقدام می کند.

درباره فرزندان دیگران هم حضرت چنین بی تکلّف عمل می کند.

۱- ۱. الرحمن، ۲۲ _ ۲۰.

پیامبر معلم انسانها

نه تنها فرزندان خودشان را دوست داشتند بلکه فرزندان دیگران را هم دوست داشتند. در جایی دارد که پیامبر نمازشان را سریع به پایان رساندند و این به علت گریه بچه ای بود که در مسجد حضور داشت. در جایی دارد نماز یا سجده حضرت طولانی شد. سؤال شد: «چرا سجده طولانی شد؟ آیا وحی نازل شد؟» حضرت فرمودند: حسن یا حسین روی دوش من بودند.

پیامبری که معلم ثانی بشر است «یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه».(۱) معلم اول خود خداست «الرحمن علم القرآن» چنین برخورد می کند با فرزندان خود و دیگران.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به امام حسن و امام حسین علیهماالسلام محبت فراوان ابراز می کردند. برخی می گویند این محبتها طبیعی بوده؛ چون پیامبر نوه های خود را دوست داشته است. باید گفت پیامبر درباره فرزندان امام علی علیه السلام مطالبی را می گوید که معمولاً پدر بزرگها و پدرها این چنین محبت خود را ابراز نمی دارند. مثلاً در جمله ای حضرت درباره فاطمه زهرا علیهاالسلام فرموده اند «فاطمه بضعه منی؛ فاطمه پاره تن من است. «من آذاها فقد آذانی و مَن آذانی فقد آذی اللّه. کسی که می خواهد بگوید دخترم را دوست دارم آیا چنین سخن می گوید؟ پیامبر اذیت دخترش را اذیت خود و اذیت خود

۱- ۱. آل عمران، ۱۶۴.

را اذیت خدا می داند. دقت کنید.

محمد بن اسماعیل بخاری از علمای اهل سنت از شخصی به نام ابی بکره نقل می کند(۱) رأیت النبی علی المنبر و الحسن بن علی معه و هو یقبل علی الناس مرةً و ینظر الیه مرةً و یقول ابنی هذا سید. اینها زمینه ای بوده برای اعلام امامت امام حسن علیه السلام در جامعه در جمله ای دارد: من احب الحسن و الحسین فقد احبنی و من ابغضهما فقد ابغضنی.(۲)

شاید حضرت مردم را برای پذیرش محبت اهل بیت که در قرآن مزد و اجر رسالت قرارداده شده است آماده می کند.

خدایا ما را جزء بهترین شیعیان امام مجتبی علیه السلام قرار بده.

ص: ۱۴۹

۱- ۱. «الجامع الصغیر»، ج۳، ص۳۱.

۲- ۲. «بحار الانوار»، ج۴۲، ص۲۴۶.

خانواده در قرآن

(۲۰)

در قرآن کریم چنـد خانواده معرفی شـده اند که این خانواده ها هر کدام ویژگی هایی دارند و به خاطر همین خصوصـیات هم معرفی شـده اند. یک خانواده هست که همه اعضای آن بهشتی هسـتند. این زن و شوهر امام علی و حضـرت زهرا علیهاالسـلام هسـتند و قرآن در سور دهر (انسان) ایشان را به عنوان ابرار معرفی می کنـد و خدا برای ایشان نعمتهایی را در نظر گرفته اسـت «ان الابرار یشربون من کاس کان مزاجها کافورا»(۱).

این آیات شأن نزول هم دارد. امام حسن و امام حسـین علیهماالسلام مریض شدند و امام علی و حضرت علیهماالسلام زهرا نذر کردند و سه روز روزه گرفتند و هنگام افطار هر سه روز غذای خود را به خاطر خدا به مسکین، یتیم و اسیر دادند.

«... یطعمون الطعام علی حبه مسکینا و یتیما و اسیرا» ضمیر حبه

۱- ۱. انسان (دهر)، ۵.

بر می گردد بـه «اللّـه» یـا اینکه بـا تـوجه به اینکه میـل داشـتند و دوست می داشـتند که غـذا را خـود بخورنـد، آن را دادنـد به نیازمنـدان که، در این صورت بر می گردد به «طعام». البته آن معنای اول خیلی مهم است برای خدا بدهند. مسـکین و یتیم و... در جامعه اسـلامی هم هست. اما گروه سوم خیلی مهم است که اسیر است. اسـیر در جامعه آنروز از مسلمانان نبود. قاعدتا این اسـیر جزء کافران بوده است. با این حال او نیز از در خانه امام علی صـلی الله علیه و آله وسـلم دست خالی برنگشت. شـعار این وفا کنندگان به نذر این بود «انما نطعمکم لوجه اللّه لا نرید منکم جزاءً و لا شـکورا» یعنی شـکر عملی را که نمی خواهیم هیچ بلکه قـدردانی و تشـکر زبانی و لسانی هم نمی خواهیم اراده همچنین چیزی را هم نداریم. قرآن می فرماید: به چنین انسانهایی بهشت را دادیم «و جزاؤهم بما صبروا جنهً و حریرا» هم بهشت هم بهترین لباس که پوشـش ویژه ای است «بطائنها من اسـتبرق»، آستر آن از بهترین جنسـهاست. خصوصیات ایشان: وفای به نذر، خدا ترسی و توجه به قیامت و برای خدا اقدام کردن و غذا را به خاطر خدا به فقیر و یتیم و مسـکین دادن است. بزرگان می فرمایند: «هرگز شـخص نیازمند را دست خالی برنگردانید. سـعی کنید با کمترین مبلغ هم که شده او را یاری کنید.»

امام سجاد علیه السلام وقتی صدقه می دادند دست خود را می بوسید می فرمود مسکین و فقیر نماینده خداست.

ص: ۱۵۱

ایمان آسیه

خانواده دوم خصوصیات خانواده اول را ندارند. در این خانواده زن اهل بهشت است، ولی شوهر اهل جهنم است. سوره مبارکه تحریم داستان فرعون و همسرش حضرت آسیه را نقل کرده. گاهی ممکن است انسان با کسی زندگی کند که اهل جهنم بوده باشد، کما اینکه رفقای انسان هم ممکن است چنین وضعی داشته باشند. در روایت داریم لو تکاشفتم ما تدافنتم اگر بدانید؛ همدیگر را بشناسید همدیگر را حتی دفن نمی کنید. ولی خدا ستار العیوب است. این صفتی است که گفته اند انسان باید این صفت را از خدا یاد بگیرد.

به هر حال در این خانواده، زن گوهر ایمان خود را حفظ می کند. ارتباط خود با حجت خدا را ترک نمی کند و می شود اهل بهشت. شوهر او فرعون بوده است که در زمین حتی ادعای خدایی کرد. به اصطلاح او یک شوهر معمولی نبود. فرعون در مقابل حضرت موسی گفت من هم مثل خدای تو زنده کرده ومی میرانم «أَنا اُحی و اُمیت».

غرور فرعون

فرعون می گفت «انا ربکم الاعلی» خدای بزرگ شما من هستم. در بحث سحره و جادوگران فرعون می گفت شما چرا

بـدون اجازه من ایمان آوردیـد؟ یقین پیـدا کردید که کار موسـی معجزه و او پیامبر خداست؟ آنچنان غرور داشت که فکر می کرد دلهای مردم هم در اختیار او باید باشد!

زن او آسـیه در کنار او ایمان خودش را حفظ می کنـد. اینها معنایش این است که ما بهانه ای برای معاصـی و گناهان خودمان نداریم که بگوییم در جامعه بدحجابی هست، پس دختر من هم می تواند بدحجاب باشد! و یا خدای ناکرده معاصی دیگر.

به بهانه اینکه دیگران ممکن است اهل ربا باشـند، پس چاره ای نیست. داسـتان امثال حضرت آسیه حجت هست از طرف خدا بر مردان و زنان. خـدا او را ضـرب المثل و مثل اعلی قرار داده است. «ضـرب اللّه مثلاً للذین آمنوا امرأه فرعون» الگو برای زنان ومردان. ما باید گوهر ایمان خودمان را حفظ کنیم. مقام معظم رهبری نسبت به مواظبت از دین و ایمان خود و اطرافیان به ویژه خانواده ها تأکید کردند به ویژه به مسئولین این مطالب را فرمودند.(۱)

مـا در قبـال دین، اخلاق و ایمان خانواده مسـئولیت داریم. عزیزان فردای قیامت به ما گفته خواهـد شـد کسـی در خانه طاغوت دینش را حفظ کرد، چطور شما در کشور اسلامی و شیعه، کشوری که ۲۵۰ هزار شهید برای دفاع از قرآن و دین داد دینتان را حفظ نکردید؟

۱- ۱. سخنرانی مقام معظم رهبری در جمع مسئولان نظام اسلامی، ماه رمضان، سال ۱۳۸۳.

آسیه الگوی دینداری

ضرب اللّه مثلاً للـذین آمنوا این شامل زن ها و مردها می شود. حضـرت آسـیه الگوی دینـداری برای همه است. او این چنین با خـدا مناجـات می کرد: «رب ابن لی عنـدک بیتـا فی الجنه» عرضه می دارد خـدایا درست است که دنیـای من در کنـار فرعون جهنم است ولی تو نزد خودت برای من خانه ای در بهشت بنا نما.

واقعا داشـتن همنشـین بد، رفیق بد و همسایه بد خیلی سـخت است. در دعای سـمات دارد که خدایا من از همسایه بد به تو پناه می برم. حضرت آسیه در دنیا همنشین خوبی نداشت، ولی ایمان و عقیده خود را به بهترین وجه حفظ کرد و شد مثل دینداری و بندگی و نامش در قرآن جاودانه شد.

ص: ۱۵۴

تاج بندگی

(۲۱)

«سبحان الذی اسری بعبده لیلاً من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی الذی بارکنا حوله».(۱) پاک و منزّه است خدایی که در مبارک شبی بنده خود (محمّد صلی الله علیه و آله وسلم) را از مسجد الحرام (مکّه معظّمه) به مسجد اقصایی که پیرامونش را (به قدوم خاصان خود) مبارک ساخت، سیر داد.

شهادت امام علی علیه السلام را به ساحت مقدس امام عصر علیه السلام وهمه شیعیان بویژه شما عزیزان تسلیت عرض می نماییم. در میان همه شخصیت هایی که می شناسیم در تاریخ نمی توانیم برای امیر المؤمنین علیه السلام یک نظیر و نمونه بیاوریم. معروف است که گفته اند: «اهل البیت ادری بما فی البیت» کسی که از مقام عصمت از علم امام خبر ندارد نمی تواند درباره امیر المؤمنین سخن بگوید. امروز به نظرم آمد که این بحث مطرح شود که اقا امیر المؤمنین خود را چگونه معرفی می کند. در قرآن خداوندِ عالم پیامبر را معرفی کرده

۱- ۱. اسراء، ۱.

است با اسـمها و صفات گوناگون با عنوان «رسول» «نبی»(۱) «خاتم النبیین» «سـراج منیر» «بشیر و نذیر» «داعیا الی اللّه» «حریص علیکم بالمومنین رؤوف رحیم»(۲) پیامبر به هدایت شـما خیلی راغب و حریص است. نسـبت به شـما رؤوف وَ رحیم است. در ادامه دارد «عزیز علیه ما عنتم» اگر چیزی شـما را به زحمت بینـدازد برای پیامبر موجب ناراحتی را فراهم می کند، چون مهربان است. اگر پیغمبر ببیند کسـی در مشکلات زندگی گرفتار است، ناراحت می شود. این ها برخی از خصوصیات و صفات پیامبر بود. اما برجسـته ترین صـفات پیغمبر کدام است؟ در قران کریم برجسـته ترین صـفت پیامبر آن است که در سوره اسرا و فرقان آمده، سوره اسـرا می فرماید «بسم اللّه الرحمن الرحیم، سـبحان الذی اسـری بعبده لیلا من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی» این آیات اشاره دارد به معراج پیامبر اکرم، ولی نمی گوید اَسری برسوله، اسری بنبیه و... می گوید ما بنده خود را بردیم و سیر دادیم. برجسته ترین صفت پیامبر همان «عبودیت» و «بندگی» برای خداست.

در سوره فرقان می فرمایـد «تبارک الذی نَزَّل الفرقان علی عبده لیکون للعالمین نذیرا»(۳) آنچه موجب نزول قران بر نَبی مکرم اسـلام شد، همان بندگی بود. پیامبر چون بنده خدا و عبد خداست، قرآن بر او نازل شد. مسوولیتِ پیامبری به شخصـی واگذار شد که عبد

۱- ۱. انفال، ۶۵ _ ۶۴.

۲- ۲. توبه، ۱۳۸.

۳- ۳. فرقان، ۱.

خداست.

در قران کریم درباره پیامبران دیگر هم چنین می بینیم وقتی خدا مسؤولیتی را به ایشان واگذار می کند آنها را با عنوان بندگی معرفی می کند. در داستان جالب و خواندنی و عبرت آموز حضرت مریم و حضرت عیسی علیهماالسلام این نکته بسیار برجسته و ممتاز است. حضرت مریم وارد شهر شد با کودکی که در گهواره بود. وقتی سؤال شد، حضرت به کودک اشاره کرد. یعنی پاسخ را از او بشنوید. مردم گفتند «کیف نکلم من کان فی المهد صبیا»(۱) حضرت عیسی به قدرت الهی سخن گفتن را آغاز کرد. «قال انی عبد اللّه اتانی الکتاب و جعلنی نبیا وجعلنی مبارکا» اولین چیزی که عیسی بن مریم می گوید «عبد بودن» است. سپس می گوید «اتانی الکتاب» آنچه موجب اعطای این مقام شده است «بندگی» است.

ما هر روز در نماز در تشهد چنین می گوییم «اشهد ان لا اله الا اللّه وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله» ما ماموریم در تمام نمازها ابتدا شهادت به وحدانیت خدا، سپس شهادت به بندگی پیامبر و رسالت او بدهیم، بندگی پیامبر بر رسالت حضرت در این شهادت مقدم است.

بزرگترین افتخار

حالا بعد از این مقدمه ببینیم امام علی علیه السلام خودش را چگونه معرفی می کند. در یک جا می فرماید «الهی کفی بی عزا ان اکون

۱- ۱. مریم، ۲۹.

لـك عبـدا و کفی بی فخرا ان تکون لی ربا» خـدایا این عزت برای من کافی است که بنـده تو باشم، و این افتخار برای من بس است که تو خدای من باشی.

این جملات حتی در دوران قدرت و حکومت امام علی علیه السلام مطرح می شود. در نهج البلاغه جاهای فراوانی وجود دارد که حضـرت با صـفت «بنـده خـدا» بودن خودش را معرفی کرده است. در اوج قدرت و حکومت، وقتی مالک را به اسـتانداری مصر منصوب می کند نامه ۵۳ را که طولانی ترین نامه حضرت هست، به عنوان منشور حکومتی می نویسد.

بسم اللّه الرحمن الرحیم من عبـد اللّه علی بن ابی طالب این بزرگترین افتخار است که علی علیه السـلام بنـده خـداست. در نامه ای که برای مردم مصر می فرستد همزمان با فرستادن مالک می گوید: این نامه از بنده خدا است.

حتی در میدان جنگ جزء بندگی چیز دیگری را ما شاهد نیستیم. داسـتان جنگ خندق را بارها شـنیده ایم که چگونه حضرت تسلیم امر الهی بوده و بندگی خدا را به ما و تاریخ بشریت نشان می دهد.

حماسه اخلاص

امـام علی بـا آن قـدرت و هیمنه در سن جوانی این حماسه اخلاص را به نام خود ثبت کرد «ضـربه علی یوم الخنـدق افضل من عباده الثقلین» می گویند وقتی خواهر عمرو بن عبدود شنید

برادرش در کارزار با امام علی علیه السلام کشته شده گفت: «ناراحت نیستیم؛ چون برادرم به دست یک جوانمرد کشته شد!»

نقل است وقتی امام علی علیه السلام در مقابل عمرو قرار گرفت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «تمام اسلام در برابر تمام کفر قرار گرفت.»

وقتی عمرو شکست خود را قطعی دید توهین کرد و آب دهان خود را به طرف امیر المؤمنین انداخت. حضرت برخاست و پس از لحظاتی او را به درک واصل کرد. وقتی سوال می شود حضرت می فرماید: خواستم این کار خالصاً برای خدا انجام بگیرد. یعنی اخلاص و بندگی. حضرت نمی خواهد برای فرونشاندن خشم خود اقدامی بکند.

سلام بر خوبان

در قرآن، خدا پیامبران خود را می ستاید «سلام علی نوح فی العالمین»(۱) علت این سلام چیست؟ در آیات دیگر پاسخ را در می یابیم «انه من عبادنا» اینها به خاطر بندگی خداست.

در جایی آمده است «سلام علی موسی و هارون»(۲) چرا؟ برای اینکه «انّهما من عبادنا».

ما در سراسر نهج البلاغه این را می بینیم. شخصیتی که در تمام دوران رسالت در همه ی جبهه ها و عرصه ها پیشقدم است امام علی علیه السلام می باشد. در داستان «یوم الانذار» اولین کسی که ایمان به

۱- ۱. صافات، ۷۹.

۲- ۲. صافات، ۱۲۰.

خدا و پیامبر را ابراز می دارد و اعلام وفاداری می کند.

در اقامه نماز، اولین مرد مسلمان که همراه پیامبر نماز گذارد.

برخورد حضرت با برخی عوامل دخیل در بیت المال در یمن نمونه خوبی است. برای اینکه انسان خداخواهی و خدا محوری را در جای جای زندگی حضرت ببیند جمله «خشن فی ذات اللّه» از پیامبر اکرم درباره امام علی علیه السلام صادر شد.

به همین دلیل دیگران نتوانستند حضرت را تحمل کنند. امثال طلحه و زبیر چرا از حضرت فاصله گرفتند. تنها دلیل آن، این بود که حضرت آنچه می خواست بندگی خدا بود.

خانه زاد خدا

امام علی در همه میدان ها ممتاز است: تولد در خانه کعبه، شهادت در خانه خدا، مسجد کوفه، وقتی حضرت مریم می خواهد عیسی مسیح صلی الله علیه و آله وسلم را به دنیا بیاورد به او فرمان داده می شود که از بیت المقدس بیرون برود. یعنی این جا عبادتگاه است نه زایشگاه.

ولی فاطمه بنت اسد با نوزادی که به دنیا می آورد سه روز میهمان خانه خدا می شود، اینکه حضرت در مسجد کوفه بعد از ضربت خوردن فرمودند: «فزت ورب الکعبه» کانه به گونه ای بین کعبه و کوفه پیوند برقرار می شود حضرت با قسم اعلام می دارد که این شهادت مایه رستگاری من است. عزیزان این مقام و عظمت منحصر به فرد است. حضرت امام مجتبی علیه السلام شب ۲۱ پس از دفن

ص: ۱۶۰

بدن مطهر پدر به مردم گفت: کسی را امشب به خاک سپردیم که مثل و مانندی برای او وجود ندارد.

واقع مطلب همین است. امروز هم اگر ما در سوگ می نشینیم، به خاطر این است که بشریت را از برکات وجود حضرت محروم کردند. آقایی در همه دورآنهامتعلق به ائمه است. ایشان علاوه بر انسانها و بشریت به آسمان و زمین، آفتاب و ماه سیادت و آقایی دارند.

ص: ۱۶۱

برخی معانی قدر

(۲۲)

۱. قدر به معنای اندازه گیری، تقدیر و حدود نگه داشتن است. امام رضا علیه السلام می فرماید: «یقدر فیها ما یکون فی السنه من خیر او شر او مضره او رزق او اجل و لذلک سمیت لیله القدر(۱) مقدرات انسان برای یکسال در این شب مقدر می شود. پس گفته شده: شب قدر و شب تقدیر.

۲. قدر به معنای ضیق، تنگی هم هست. علت این نام این است که گنجایش زمین به خاطر حضور ملائکه کم می شود. «تنزل الملائکه والروح»(۲) دائما فرشتگان فرود می آیند به همراه روح. حالا- روح آیا جبرائیل امین است یا فرشته دیگری، بحثی است مستقل.

البته ما در هر لحظه تحت نظر فرشتگان و مأموران قرار داریم

۱- ۱. عیون اخبار الرضا، ج ۲.

۲- ۲. قدر، ۴.

«مایلفظ من قول الا لدیه رقیب عتید».(۱)

۳. قدر به معنای ارزش، ارج، منزلت، لِاَنَّ من لم یکن ذا قدر اذا احیاها صار ذا قدر کسی که دارای مقام و منزلت نبود، وقتی شب قدر را احیا بدارد صاحب منزلت، ارزش و ارج می شود.

این سه معنایی که به آن اشار کردیم هر سه معنا هم درست است طبق بیان قران کریم در سوره دخان آمده «فیها یفرق کل امر حکیم»این می شود معنای اول. تنزل الملائکه والروح بیان کننده همان معنای دوّم است که به خاطر فرود آمدن فرشتگان زمین ضیق می شود.

شب قدر از جمله مناسبتهایی است که هر سال هم تکرار می شود. مناسبتهایی را در طول تاریخ داریم که یکبار بیشتر نبوده مانند: عید مبعث، غدیر و... مراسمی که امروز در ۲۷ رجب برگزار می شود، به عنوان بزرگداشت و سالگرد آن واقعه مهم است.

شب قدر مانند عید قربان است که هر سال تکرار می شود.

شب قدر در احادیث قدسی

ما احادیثی داریم با عنوان احادیث قدسی که به عنوان وحی نیست، تفاوت دارد با قرآن. یعنی مانند قرآن نمی شود در نماز خواند. این جملات نورانی دارای معارف بلندی است و از سوی

۱- ۱. ق، ۱۸.

پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام در خیلی از جاها بیان شده است. مثلا امام علی می فرماید که خدا به حضرت موسی چنین گفت.

مرحوم سید بن طاووس نقل کرده از قول پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم : قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله وسلم قال موسی: الهی ارید قربک قال قربی لِمَن استیقظ لیلهَ القَدْر. قال: الهی اریدُ رحمتک قال: رحمتی لِمَن رَحِمَ المساکینَ لیلهَ القدر. قال: الهی اریدُ الجوازَ عَلی الصِّراط قال: ذلک لمن تَصَدّقَ بِصَدَقهٍ فی لیله القدر. قال: الهی اریدُ من اشجار الجَنَّهِ وثِمارها قال: ذلک لِمن سَبَّحَ تسبیحَهً فی لیله القدر. قال: الهی اریدُ النَّجاهَ من النّار قال: ذلک لِمَن استغفر فی لیله القدر.(۱)

رسول خدا فرمود: حضرت موسی عرض کرد: «پروردگارا می خواهم به درگاه تو نزدیک شوم.» خدا فرمود: «تقرّب به درگاه من برای کسی است که در شب قدر بیدار باشد.» موسی عرض کرد: «خواهان رحمت تو هستم.» فرمود: «رحمت من برای کسانی است که در شب قدر به نیازمندان رحم نمایند.» موسی گفت: «پروردگارا می خواهم به آسانی از صراط عبور کنم.» فرمود: «عبور از صراط برای کسی است که در شب قدر صدقه بدهد.» حضرت موسی گفت: «پروردگارا از درختان و میوه های بهشتی می خواهم.» فرمود: «اینها برای کسی است که در شب قدر تسبیح خدا بگوید.» عرض کرد: «پروردگارا می خواهم از عذاب نجات یابم.» فرمود: «نجات از عذاب برای کسی است که در شب قدر طلب مغفرت کند.»

۱- ۱. اقبال الاعمال، «اعمال شب نوزدهم»، ص۱۸۶.

روایتهای شب قدر از ائمه، مختلف و متفاوت است و نسبتا هم زیاد که در ادامه به برخی اشاره می شود. امام باقر علیه السلام می فرماید: مَن احیا لیله ثلاث و عشرین من شهر رمضان و صَلّی فیها مأهَ رکعهٍ وَسَّعَ اللّه علیه معیشَتَهُ فی الدنیا و کَفاهُ امرَ من یعادِیه و اعاذَهُ من الغَرقِ و الهَدْمِ و الشرق و مِن شر السَّبَاع و رَفَعَ عنهُ هَوْلَ منکر و نکیر و خَرَجَ من قبره و نورُهُ یَتَلَاءْلَاءُ لِاءَهل الجَمْع و یُعطَی کتابه بیمینه... .(۱)

امام باقر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: کسی که شب زنده داری کند در شب بیست و سوم ماه رمضان و صد رکعت نماز بخواند [به شرط صحت اعمال [خداوند به زندگی او وسعت می دهد و شرّ دشمنانش را از او دفع می نماید و او را از «مرگ» ناگهانی نجات می دهد، و ترس از منکر و نکیر [دو فرشته سؤال قبر] را از او بر می دارد و بیرون می آید از قبرش در حالی که نور چهره اش بر اهل قیامت، پر تو افکنی می نماید و نامه عملش را به دست راستش خواهند داد.

امام صادق و شب قدر

شیخ طوسی آورده اند: کان ابو عبد اللّه علیه السلام مریضا مُدْنِفا فَاَمَر فَاُخرج الی مسجد رسول اللّه صلی الله علیه و آله وسلم فکان فیه حَتی اصبح لیله ثلاث و عشرین مِن شهر رمضان.(۲)

امام صادق علیه السلام شب ۲۳ ماه رمضان در حالی که مریض و

ص: ۱۶۵

۱- ۱. همان، ص۲۱۴.

۲- ۲. امال شیخ طوسی، ج۲، ص۲۸۹.

تب دار بود، دستور داد او را به مسجدالنبی صلی الله علیه و آله وسلم بردند و تمام شب را تا به صبح در آنجا عبادت کرد.

در شب **۲۳** وارد شده که سوره های دخان، عنکبوت و روم خوانده شود.

در این شبها بهترین چیزها را از خدا بخواهیم، عاقبت بخیری و... ساعات ویژه ای که خداوند در این ماه قرار داده آثار و برکات فراوانی چون پاکی، صداقت، تقوا، و اخلاق، در پی دارد.

پروردگارا آنچه خوبان از تو درخواست می کنند به همه ما کرامت فرما.

ص: ۱۶۶

بنیان خانواده

(۲۳)

بحث خانواده از اهمیت ویژه ای برخوردار است. خانواده چیست؟ خانواده از یک زن و مرد تشکیل می شود با ضوابط و مقررات خاص _ همه خوشخبتی ها، بدبختی ها و سازندگی ها هم اساسش همین خانواده است.

وقتی به دنیای اطراف خود نگاه می کنیم می بینیم در خانواده ای که اساس محکمی دارد فرزندانی خوب، مفید، کاردان پرورش یافته اند. ولی در خانواده ای که اساس درستی نداشته اند افرادی را تحویل جامعه داده اند که نه تنها باری از دوش جامعه بر نمی دارند که خود باری بر دوش جامعه و خانواده هستند.

مطلبی که هرگز نباید از آن غفلت ورزید اینکه زن و مرد در خانواده مکمل همدیگر هستند. مکتب اسلام به ما می گوید جنسیّت در رسیدن به کمال نقش ندارد در جایی فرموده است: «من عمل صالحا من ذکرٍ او انثی فهو مؤمن» تفاوت اگر در خلقت هست در مسؤولیتها هم تفاوت وجود دارد.

ص: ۱۶۷

تأثیر اعضای خانواده

در بحث خانواده چون هر مسأله دیگر نیاز به الگو داریم، خاندان پیامبر باید برای مسلمانان الگو و اسوه باشد. قرآن کریم اعضای خانواده را در قبال همدیگر مسؤول می داند «یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم واهلیکم نارا».(۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید خود و خانواده هایتان را از آتش جهنم نگه دارید و حفظ کنید.

یعنی شما در خانواده اینقدر تأثیر دارید که اگر شما اهل بهشت باشید می توانید خانواده تان را نیز بهشتی قرار دهید، و خانواده بر شما آنچنان تأثیر می گذارد که می تواند شما را جهنمی یا بهشتی قرار دهد. تأثیر متقابل هست.

سعادت، آسایش، آرامش، بهشت و رضوان الهی خواست درونی هر انسانی است. داشتن خانواده بهشتی ملاک هایی دارد بهترین ملاک و معیار برای خانواده الگوهای قرانی است برترین و بهترین اسوه علمی، ایمانی، اخلاقی و عملی شخص رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم است؛ «لقد کان لکم فی رسول اللّه اسوه حسنه»(۲) پیامبر اسوه خدایی است بشر تنها در اخلاق و تربیت الگو نمی خواهد.

در همه زمینه ها سرمشق می خواهد در اقتصاد، فرهنگ، اجتماع، صنعت و تربیت و سازندگی.

ص: ۱۶۸

۱- ۱. تحریم، ۶.

۲- ۲. احزاب، ۲۱.

ببینیم پیـامبر در خـانه بـا اهل خانه و خانواده پیامبر، با او چگونه انـد بخشـی از حیات پربرکت پیامبر در کنار حضـرت خـدیجه گذشته است. حضرت خدیجه نماد صداقت، ایثار و از خودگذشتگی است.

با دقت در کلمات ائمه می بینیم وقتی خود را معرفی می کننـد، به عنوان فرزنـد خدیجه از خود نام می برند و این را برای خود افتخاری بزرگ می دانند.

امام زین العابـدین در مسـجد شام وقتی خطبه خوانـد فرمود:...انا ابن خدیجه الکبری... در دعای ندبه وقتی امام زمان را معرفی می کنیم می گوییم او فرزند پیامبر، فرزند امام علی و امام حسن عسگری و... پسر خدیجه و فاطمه علیهم السلام است... .

ویژگی های حضرت خدیجه

الف: طبق نقـل تاریـخ از خـانواده ای اصـیل و اهـل علم بوده. در خانواده ایشان اشـخاص مهمی چون عموی حضـرت ورقه بن نوفل وجود داشته اند. هر چند برخی درباره ورقه مبالغه کرده اند.

ب: او دارای فکری روشن، و از عقل و دانش کافی برخوردار بوده است. نوشـته اند دو بار ازدواج کرد و از همسـران قبلی مال فراوان به ارث برد. با این حال به تجارت پرداخت، تجارتی که در آن زمان با توجه به شرایط عصر بسیار مشکل بود. قرآن می گوید عرب دو تجارت داشته اند یکی در تابستان و دیگری در زمستان. نبود امنیت کافی موجب خطراتی برای کاروان ها بود، ولی این

خانم با مـدیریت و تدبیر کار تجارت را ادامه می دهد. بعضـی گفته اند بزرگترین انبارهای کالا در آن زمان متعلق به حضـرت خدیجه بوده است. پیامبر هم در سـفری تجارتی با کاروان بوده که به دسـتور خدیجه غلام او میسـره مراقب رفتار پیامبر بوده و بعدا برای حضرت خدیجه هم گزارش کرده است.

آنچه در معرفی چهره ها مهم است علم، تـدبیر، اخلاق، و فضایل ایشان است، به ویژه اسوه های دینی نیاز به این قصه هایی که همه اش فلانی خواب دید و یا... ندارند.

زینب قهرمان کربلا

درباره حضرت زینب هم چنین بحثی هست که عده ای برای معرفی حضرت سراغ خواب دیدن و امثال آن می روند.

شخصـیت حضـرت زینب به ایمـان، علم، عرفـان، حیـا، وقـار، خداترسـی، ایثار، عبادت و... اخلاق کریمانه اوست. او در کربلا حافظ جان امام زمان خودش بود، تبلیغ آیین اسلام می کرد و...

مـدیریت حضـرت زینب را ملاحظه کنیـد. او در یکی از سـخت ترین و دردنـاکترین حوادث تاریـخ اسـلام و در بحرانی ترین شرایط و ظایفی را به انجام رسانـد، از حق دفاع کرد، قهرمانانه بدون دست برداشـتن از اصول و کوتاه آمدن از آنها ایسـتادگی کرد، به دشمن باج نداد و...

حضرت خدیجه شخصیتی است زمان شناس، آگاه، و انتخاب او هم اگاهانه بوده است. او پیامبر را گمشده خود می دانست

امانتداری، شرافت، بزرگواری، اخلاق کریمانه پیامبر چیزهایی است که خدیجه علیهاالسلام آنها را مورد ستایش قرار می دهد. در تشکیل خانواده هم این مسائل عمده و اساسی باید مورد عنایت واصل باشد.

شخصی محضر امام مجتبی رسید و عرضه داشت: «خواستگار برای دخترم آمده است جواب مثبت بدهم یا خیر؟» امام فرمود: «ببین چه جور آدمی است. اگر مؤمن و با تقواست، دخترت را به او بده، چون چنین شخصی اگر دخترت را دوست داشته باشد او را اکرام می کند، احترام می کند و اگر دوست نداشته باشد، در حقش [حداقل] ظلم نمی کند.»

به هر حال حضرت خدیجه مدتی با صداقت، اخلاص، پاکی، و ایثارگرانه با پیامبر زندگی کرد و خدا هم نسل پیامبر را از طریق این بانوی بزرگوار باقی گذاشت. وقتی هم که حضرت خدیجه از دنیا می رود در حدود شصت سالگی پیامبر در فراقش اشک می ریزد، حتی جوری می شود که برخی از زنان پیامبر اعتراض می کنند که چرا به این میزان خدیجه مورد توجه پیامبر است که حضرت پاسخ می دهد: «اَیْنَ مِثْلُ خدیجه صدّقتنی حین کذّبنی الناس» کجا مثل خدیجه یافت می شود. او زمانی که همه مردم مرا تکذیب می کردند، تصدیق نمود و ایمان آورد.

چیزی که موجب ارزش و عظمت برای خدیجه شد، ایمان حضرت بود. رسولخدا روز دوشنبه نماز خواند و طبق نقل تاریخ همسرش آخر وقت هم آن روز به همراه پیامبر و امام علی صلی الله علیه و آله وسلم به

نماز ایستاد.

مجموعه این خصوصیات این خاندان را مهمترین خانواده در عالم امکان قرار داده است که بزرگانی چون حضرت زهرا علیهاالسلام که مادر یازده نور پاک می شود در این خانه متولد و تربیت می شود. فرزندانی را پرورش می دهد که نور وجودشان از فرش تا عرش را آکنده ساخته است. خدایا درود و سلامت را بر پیامبر و خاندان پاکش فرو فرست؛ همه ما را جزء بهترین پیروان ایشان مقرر فرما.

ص: ۱۷۲

اساسی ترین بنا

(۲۴)

به مناسبت رحلت حضرت خدیجه در مورد خانواده مقداری بحث شد. قران کریم در سوره تحریم می فرماید: «یا ایها الذین امنوا قوا انفسکم و اهلیکم نارا...»(۱) ای کسانی که ایمان آورده اید خودتان و زن و فرزندان خودتان را از آتش جهنم حفظ و نگهداری کنید. این نکته اهمیت خانواده را می رساند یک خانواده می تواند محل رشد و پرورش افرادی باشد که آنها اهل بهشت و یا خدای ناکرده اهل جهنم اند. همه ما در قبال خانواده مان مسؤلیت مهمی داریم. رسولخدا در مورد بنای خانواده می فرماید «ما بنی بناء فی الاسلام احب الی اللّه من التزویج...» هیچ بنایی در اسلام بنا نشد که محبوتر از خانواده باشد. اساسی ترین بنا در اسلام خانواده است. همه خوبی ها، سعادتها، تاثیر گذاری ها به همین جا منتهی می شود. در اداره و تربیت خانواده هم ما به الگو نیاز داریم. الگوی

ص: ۱۷۳

۱- ۱. تحریم، ۶.

ما باید خانواده پیامبر و فرزندان معصومش باشد. شخص رسولخدا به عنوان الگوی حسنه در قرآن معرفی شده است «ولقد کان لکم فی رسول اللّه اسوه حسنه...»(۱) پیامبر برای کسانی اسوه حسنه است که امیدشان به خدا و نسبت به قیامت ایمان دارند. پیامبر الگویی امید بخش، نجات آفرین است هم در دنیا و هم در آخرت.

رفتار زن و مرد در خانواده باید مکمل همدیگر باشد. خداوند زن و مرد را جوری آفریده است که آنها می توانند مکمل همدیگر باشند. باید اینان مایه آرامش و آسایش باشند. در سایه این همدلی، سازگاری و تربیت صحیح انسانهایی پرورش می یابند که منشأ خیرات برای جامعه می شوند. ملاحظه کنید شخصیتی چون حضرت آیه العظمی بروجردی که چهل سال پیش از دنیا رحلت کرده اند، چه میزان بنای خیر نهادند، مسجد، مدرسه، کتابخانه و تربیت صدها شخصیت مفید برای جامعه. این برکات مدیون خانواده آن بزرگوار است.

شخصیت ممتاز علامه طباطبائی صاحب تفسیر ارزشمند «المیزان» که ما برای اثر او قیمت نمی توانیم تعیین کنیم ثمره یک خانواده اصیل، متدین، پاک و با تقواست. انسان مرهون تعلیم و تربیت است. خداوند عالم حتی برای پیامبر که اشرف مخلوقات است مربی قرار داده است و او را به محاسن اخلاق و آداب تربیت

ص: ۱۷۴

۱- ۱. احزاب، ۲۱.

می کند «علمه شدید القوی».(۱)

همسر شایسته

اینکه در سفارشهای دینی آمده است در انتخاب همسر دقت کنید بهترین و صالحترین را انتخاب کنید برای همین تأثیرگذاری است از مهمترین حقوق فرزند بر پدر این است که بر فرزند خود مادری شایسته، متعهد و متدین و با اخلاق انتخاب نماید. این کار زمینه صلاح و نیک بدبختی آنان را تأمین می کند. در روایت آمده است که امام صادق فرمود: و فرزند را حقی است: مادر خوب، نام خوب و پرورش نیکو.(۲)

اعضای خانواده بهترین حامیان همدیگر می توانند باشند با ملاحظه زندگی پیامبر به خوبی چنین موضوعی را می بینیم. حضرت خدیجه علیهاالسلام در طول زندگی پربار خود با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم یار و یاور حضرت بود. وقتی حضرت خدیجه از دنیا رفتند آن سال برای حضرت (عام الحزن) سال غم و اندوه شد. او برای پیامبر پشتیبانی محکم و استوار بود.

۱- ۱. سوره نجم، ۵.

۲- ۲. «وسائل الشیعه»، ج۱۵، ص۱۹۸.

وداع با دوست

(۲۵)

در چند جلسه آخر این ماه شریف می خواهیم دعای وداع امام سجاد علیه السلام را بخوانیم و به صورت تحت اللفظی ترجمه هم بکنیم و ببینیم که حضرت چگونه وداع می کند. حقیقتا اگر کسی دعای وارد شدن امام به ماه رمضان را خوانده باشد، طرز برخوردش با ماه رمضان عوض می شود. یعنی وقتی انسان می داند که چگونه وارد بشود و برخورد کند، نوع برخوردش عوض می شود. ماه مبارك رمضان در بیان امام سجاد علیه السلام به عنوان کسی است که مثل یک دوست، همنشین و مصاحب آمده است تا به داد انسان برسد. امام سجاد علیه السلام در این دعا (استقبال از ماه مبارک) و فقرات آخر آن کَانّه در این ماه مبارك به یک دوست رسیده که این دوست تمام عیوب انسان را به او می گوید و در صدد رفع عیوب است. ماه رمضان دوست و رفیق امّت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم است.

از امام باقر علیه السلام سئوال کردند که یابن رسول اللّه، این که شما می فرمایید که این ماه مبارک رمضان متعلق به شماست و به

ص: ۱۷۶

امتهای قبلی تعلق ندارد، پس آیه شریفه: «کتب علیکم الصیامُ کما کتب علی الذین من قبلکم»[(۱)] چه چیزی را می خواهد بیان کند؟

حضرت فرمود: «این ماه رمضان متعلق به امتهای پیشین نبوده، بلکه به پیغمبران گذشته تعلق داشته است. اما خداوند این فضیلت را به امت پیغمبر اختصاص داد و ایشان را بر امم دیگر برتری داد و روزه را بر آنها واجب کرد».

سلام وداع

در زبان عرب دو گونه سلام داریم؛ یک سلام ورود و وارد شدن و یک سلام برای خداحافظی و وداع است. کسی که خداحافظی می کند و می رود یک جور سلام می دهد و کسی هم که وارد می شود یک نوع سلام می دهد. وقتی می خواهد وارد شود می گوید: «سلامٌ علیکم» و وقتی می خواهد خداحافظی و وداع کند می گوید: «علیک منی السلام». همان گونه که امام حسین علیه السلام روز و ساعات آخر وقتی به کنار خیمه آمد و خداحافظی کرد، فرمود: علیکن منی السلام. این سلام، سلام وداع و خداحافظی است. امام سجاد علیه السلام در آخر این ماه مبارک وداع و گریه می کند و در اضطراب است که چرا ماه مبارک رمضان می رود و ممکن است نتواند آن را ببیند.

ماه مبارک رمضان تربیت کننده انسان است. حضرت سجاد علیه السلام

ص: ۱۷۷

۱- ۱. بقره، ۱۸۳.

با یک مربی و رفیق وداع می کند. دوستی که بهترین است و عیب انسان را فقط به خودش باز می گوید.

دوستان دانا

امام صادق علیه السلام می فرماید: اَحَبُّ اخوانی اِلیَّ مَنْ اهدی اِلیَّ عُیُوبی؛(۱) بهترین دوستان من آنهایی هستند که عیبم را به من هدیه کنند و در حضور من بگویند که این عیب و نقص شماست. ماه مبارک رمضان هم ما را در راهی قرار داده که به عیوب خود پی ببریم و بدانیم که چقدر می توانیم در مقابل نفس اماره، زبان، و سایر لغزشهای جوارحمان مقاومت کنیم. اینکه حضرت رسول صلی الله علیه و آله به آن زن روزه داری که طبق نقل بعضی روزه اش مستحبی بوده، فرمود روزه اش را افطار کند دستور دادند غذا بیاورند و آن زن گفت من روزه ام ولی حضرت فرمود تو روزه نیستی. اگر روزه بودی فحاشی و بدزبانی نمی کردی!

ماه مبارک رمضان این خصوصیت و ویژگی را به انسان می دهد که او به عیوب خود بیندیشد و خود را کنترل کند. شما امروز که روز بیست و ششم ماه مبارک است از زبان معصومین علیهم السلام می خوانید و از خدا می خواهید که: «خدایا عیوب مرا مستور کن و پرده عفاف روی عیبهای من بکش تا از بین بروند». اگر در ماه رمضان این گونه نباشیم بهره ای نبرده ایم. عیوبی که خدا به خاطر

۱- ۱. «اصول کافی»، ج۲، ص۶۳۹. نک: «تحف العقول»، ص۳۶۶؛ «بحار الانوار»، ج۴۷، ص۲۸۲.

ستاریت خودش ما را به آن رسوا نکرد، امام صادق علیه السلام فرمود: اگر عیوب شما برای همدیگر ظاهر و آشکار بشود، یکدیگر را حتی دفن نمی کنید.

زندگی پسندیده

با مروری بر جملاتی از دعای وداع امام سجاد علیه السلام درمی یابیم که امام علیه السلام چه برخوردی با این ماه دارد. می فرماید: «و قد اقام فینا هذا الشهر مقام حمدٍ؛ این ماه در میان ما پسندیده زندگی کرد». از این بیان معلوم می شود که ماه رمضان دارای یک حیات ویژه و معنوی است و مثل کسی است که با ما زندگی کرده. در ماه رمضان کنترل عجیب و همه جانبه ای وجود دارد و انسان کمتر حتی به یاد گناه می افتد و بیشتر حالت توجه دارد. آنهایی که در دادسراها و دادگاهها کار می کنند، می گویند که جرم و تخلف در این ماه نسبت به ماههای دیگر سال کمتر است. این ماه مثل کسی که وارد یک محیطی می شود و آن محیط را تحت تاثیر قرار می دهد و دیگران از حجاب، دیانت، مناعت طبع، وقار، ایمان و از برخورد خوب او متأثر می شوند. این ماه چنین است. یک زندگی مسالمت آمیزی با ما انجام می دهد و هیچ ضرری به ما که همسایه اش بودیم نزد و از دست او همه ایمن بودند. زندگی کردن در مقام حمد که مقام خیلی بالایی است و مورد ستایش هم هست ویژه این ماه است. امام در جای دیگری از دعا می فرماید: «و صحبنا صحبه المبرور؛ ماه رمضان مصاحب نیکو و سودمندی بود». یک دوست و

مصاحب باید این گونه باشد. برای همین گفته اند با هر کسی نشست و برخاست نکنید. امام حسین علیه السلام فرمود: «دوستی را انتخاب کنید که شما را بر جرم و جریره متجری نکند». (مَنْ احبک نهاک، و مَنْ ابغضک اغراک). کسی که دوست و مصاحب خوب است، تو را نهی از منکر می کند؛ اما کسی که دشمن تو است، تو را به گناه و معصیت وادار می کند، ولو اینکه همراه شما باشد و ادعای دوستی هم بکند.

در حالات امام صادق علیه السلام نقل می کنند که کسی همیشه همراهش بود. این شخص غلامی داشت که روزی با غلامش همراه امام صادق علیه السلام به طرف بازار کفاشها راه افتادند. امام علیه السلام و آن مرد با هم می رفتند و غلام از پشت سر آنها می رفت. در بین راه اجناس داخل مغازه ها نظر غلام را جلب کرد. کمی ایستاد و از امام علیه السلام و اربابش عقب ماند. آن مرد غلامش را صدا کرد، ولی غلام نشنید. دوباره صدا زد، ولی غلام صدای اربابش را نشنید. آن مرد ناراحت شد و به غلامش نسبت ناروا داد. امام صادق علیه السلام با شنیدن ناسزای آن مرد نسبت به غلامش ایستاد و نگاهی به صورت آن مرد کرد و فرمود: «چرا دشنام دادی؟» مرد گفت: «یا ابن رسول اللّه، پدر و مادر ایشان کافرند و چون مسلمان نیستند.» حضرت فرمود: «خیلی اشتباه کردی. آنها هم برای خود دین و آیین دارند. من نمی دانستم که تو اینقدر بد زبانی. اگر می دانستم با تو مصاحب نمی شدم». نقل است از این به بعد کسی آن شخص را با امام صادق علیه السلام ندید.

ص: ۱۸۰

سود معنوی

ماه مبارک رمضان مصاحب خوبی است و به همراه و دوست خودش می گوید: فک عن محارم اللّه. به انسان می گوید با زبانت و با چشمت به دیگران لطمه نزن. از گناه و حرام چشم پوشی کن.

ماه رمضان به انسان می گوید این اعمال و گناهان را مرتکب نشوید. هر کسی به دنبال سود و بهره ای می رود. ماه رمضان بالاترین سود را که همان سود معنوی است، به دوستانش هدیه می دهد. باید به هوش بود که فضیلت عظیم وقتش معین است و سی روز بیشتر نیست. پس حضرت می فرماید: «ثم فارقنا عند تمام وقته؛ ماه رمضان با تمام شدن وقتش از ما جدا می شود و مفارقت می کند». ثم فارقنا عند تمام وقته و انقطاع مدته و وفاء عدده. وقتی ماه شوال می آید و زمان و مدت ماه رمضان بریده می شود و روزهایش تمام می شود، آن وقت است که ماه مبارک رمضان با ما مفارقت می کند و از ما جدا می شود. لذا حضرت تأسف می خورد و می فرماید: فنحن مودعهُ وداعَ من عزّ فراقه علینا. ما به گونه ای ماه مبارک رمضان را وداع می گوییم که مفارقت او بر ما سخت و سنگین است. جدایی این ماه برای ما عزیز است. عزّ علینا یعنی سخت و سنگین است... تعبیر عزیزٌ علیَّ در دعای ندبه خطاب به امام زمان علیه السلام آمده است: عزیزٌ علیَّ أَن اَرَی الْخَلْقَ و لا اراک.(۱) این

ص: ۱۸۱

۱- ۱. «مفاتیح الجنان»، دعای ندبه.

خیلی سخت است بر ما که خلق و مردمی را ببینیم اما تو را نتوانیم ببینیم. این که حضرت فرمود: «به گونه ای نماز بخوانید که گویی آخرین نماز شماست». این توصیه به ماه مبارک رمضان هم مربوط است و به گونه ای روزه بگیرید که مثل اینکه آخرین ماه رمضان شماست و ماه مبارک رمضان آینده را نخواهید دید. واقعا این چند روزه را دریابیم. از کسانی باشیم که از آن سودی نصیبشان شده، اخلاق و اعمال آنها نسبت به اول ماه رمضان تفاوت کرده ترقی نموده اند. به بیان علی علیه السلام : «من استواه یوماه فهو مغبون؛(۱) هر کسی که دو روزش یکسان باشد، این انسان ضرر کرده.» اگر امروزش بدتر از دیروز باشد: «فهو ملعونٌ؛ مورد لعن و نفرین است. چون وسایل تکامل و ترقی در اختیارش بود، ماه رمضان به عنوان پله تکامل در اختیارش بود، ولی اخلاق و رفتارش هیچ تغییری نکرد، هیچ مهاجرتی نکرده است.

در قرآن شریف آیاتی است که عده ای از انسانها می میرند و بعد از مرگ ملائکه از آنان سئوال می کنند که شما کجا بودید و چه می کردید؟ می گویند: «ما در زمین مستضعف و بیچاره بودیم». ملائکه می گویند: «الم تکن ارض اللّه الواسعه فتهاجروا فیها». آیا زمین خدا گسترده و وسیع نبود که شما مهاجرت کنید. این آیه شریفه درباره وسیع بودن زمین و مساعد بودن آن برای هجرت سخن می گوید و ماه رمضان زمینه مساعدی برای هجرت دارد.

۱- ۱. «نهج البلاغه»، کلمات قصار.

زمینه معنوی برای رشد ماه هجرت از خودیت و انانیت به سوی «اللّه» است که از خواهش نفس جدا بشوی! حضرت امام خمینی قدس سره در بیان جمله «ومن یخرج من بیته مهاجراً الی اللّه» می فرماید: «منظور مهاجرت از خودیت به سوی اللّه است» و مهاجرین به سوی کعبه در حال رفتن به سوی خدایند. اولین مهاجرت مهاجرت، از خویش است.

سرمایه بزرگ

بنابراین ماه مبارک رمضان سرمایه عظیمی است که با گذر زمان از دست ما می رود. برای همین امام سجاد علیه السلام در وداع می فرماید: «سخت و سنگین است مفارقت این ماه بر ما». اما آیا ما این مسأله را درک کردیم و به آن توجهی نمودیم که چه سرمایه بزرگی در اختیارمان بود و اکنون از دستمان می رود؟ امیدواریم که خدا توفیق بدهد که دنباله این جملات حضرت امام سجاد علیه السلام را بخوانیم و به این نورانیت الفاظ امام هم توجه داشته باشیم و به خوبی از این چند روز باقیمانده ماه مبارک استفاده کنیم و از این پل سعادت گذشته به خانه سعادت برسیم. ان شاءاللّه.

خدایا ما را از معنویت این ماه برخوردار بفرما، زندگی ما را مورد پسند خودت قرار بده، همه ما را مورد لطف و عنایت ویژه ات مقرر فرما.

فراقت سنگین است

(۲۶)

قال امامنا السجاد علیه السلام : «و نَحْنُ مودعهُ وداع من عز فراقه علینا».

پیرامون دعای امام سجاد علیه السلام در وداع ماه مبارك رمضان فقراتی را برای این روزهای پایانی ماه مبارك انتخاب کرده ایم که دو فقره را بیان کردیم: «قد اقام فینا مقام حمد و صحبنا صحبه مبرور؛ ماه مبارك رمضان در میان ما نیکو و پسندیده زندگی کرد و مصاحب و همنشین خوبی بود». گفتیم از این جملات معلوم می شود که ماه رمضان از یک حیات معنوی برخوردار است که طبق بیان امام، شب و روز با ما بوده، و مصاحب ما به حساب می آید. در دو فقره بعدی که قسمتی از آن قرائت شد می فرماید: (فنحن مودعه وداع من عزّ فراقه علینا) ما با ماه رمضان مانند کسی که وداعش برای ما خیلی سخت و سنگین است، در حال وداع هستیم و این وداع یک بار سنگینی را روی دوش ما می گذارد.

خوب غم حضرت سجاد علیه السلام از چیست؟ غصه امام علیه السلام از این نیست که ماه رمضان دیگر نمی آید. غصه اش از این است که ماه

رمضان می آید، ولی ممکن است امام سجاد علیه السلام نباشد. ماه رمضان ها برمی گردند، اما ما ممکن است نباشیم که بهره مند شویم. امام می فرماید: «غَمّنا و اوحشنا؛ ما را غمگین می کند و به وحشت می اندازد». که نکند این ماه برگردد و ما عمرمان تمام شده باشد و نتوانیم آن را درک کنیم. امام علیه السلام می داند که از چه چیزی قرار است جدا بشود.

انسان باید از جدایی ماه رمضان نگران باشد. اینکه می گویند شبهای قدر و روزهای قدر را زنده نگه دارید، معنایش این است که قدر اینها را بدانید. اصولاً یکی از معانی «قدر» «ارزش» است. این توصیه ها برای این است که انسان توجه به این ماه بکند. برای امام سجاد علیه السلام خیلی سنگین است و باعث غم آن بزرگوار است که ماه مبارک رمضان از دستش می رود و حضرت با آن وداع می کند.

در فقره دوم دعا امام می فرماید: ما با ماه رمضان وداع می کنیم، مانند کسی که او بر عهده ما پیمان و عهدی محفوظ دارد حقی دارد، که باید ادا بشود. ماه رمضان حقی بر ما دارد و ما باید حق آن را ادا کنیم... این ماه با این خصوصیات ماهی است که ما می گوییم که درود و سلام بر تو ای ماه بزرگ خدا. سلام بر تو ای عید اولیاء و دوستان خدا. السلام علیک یا شهراللّه الاکبر. السلام علیک یا عید اولیاءاللّه. اولیای خدا در قرآن مقامشان بسیار بزرگ است. قرآن می فرماید: «لا خوف علیهم و لا هم یحزنون؛ آنان غیب و شهود و ظاهر و باطن برایشان یکسان شده است».

عید اولیا

امام علیه السلام فرمود: «سلام بر تو ای عید اولیای خدا». عید چه روزی است؟ چون در آستانه عید و سال جدید هم قرار گرفتیم، روایتی را از علی علیه السلام نقل می کنیم که فرمود: «کل یوم لا یعصی اللّه فیه فهو یوم عید؛(1) روزی که انسان گناه نکند آن روز عید است». ماه مبارک رمضان گناه انجام نمی شود، به آن عید اولیاء گفته شده است. عید آن روزی است که چیزی عاید انسان بشود. کلمه عید یا از عود می آید. یعنی هر سال تکرار می شود و انسان هر سال با چیزی مثل عید نوروز روبه رو است و یا به این معنی است که چیزی در این عید، عاید انسان می شود. معمولاً در عید یک چیزی می گیرند. اولیاء که ماه رمضان عیدشان است چیزی از خدا می گیرند، اما به چه دلیل چیزی عاید انسان می شود مرتکب معصیت نشدن و انجام اوامر خدا و آنچه محبوب خداست موجب این فضیلت است آری انسانی که محب، دوستدار و عاشق خداست نافرمانی نمی کند.

امام حسین علیه السلام در شب عاشورا می فرماید: «من امشب را اجازه گرفته ام برای اینکه نماز بخوانم.» چرا؟ چون نماز را دوست دارم و به مناجات با خدا علاقه مندم. من تمام عشق و علاقه ام نماز که مظهر «بندگی و عبودیت» خداست می باشد. این روش اولیاءاللّه

۱- ۱. «نهج البلاغه»، کلمات قصار، ۴۲۰.

است. امام سجاد علیه السلام می فرماید: السلام علیک یا عید اولیاءاللّه، السلام علیک یا شهراللّه الاکبر. حالا چه چیزی در این ماه عاید انسان می شود و آیا آنچه که عاید اولیای خدا می شود شامل حال ما هم می شود یا نه؟

رفیق همراه

السلام علیک یا اکرم مصحوب من الاوقات؛ سلام بر تو ای رفیق بزرگواری که در این ایام همراه من بودی». انسان مؤمن و عاقل را نمی شود با نماز، زکات، خمس تنها شناخت؛ بلکه انسان را باید به روزه و امانتداری شناخت. عبادت به این نیست که انسان زیاد نماز بخواند یا زکات بدهد. در بعض روایات روزه و امانتداری معیار شناخت معرفی شده. چرا؟ چون این دو امر چیزی هستند که نمی شود به دیگران به راحتی نشان داد. روزه دارای نیت است و به همین دلیل اگر کسی در ماه مبارک رمضان نیّت نکند و یا نیّت شکستن روزه را بکند، روزه اش باطل است. جز خدا کسی از درون و قصد آدمی خبر ندارد. آنقدر که به قلب توجه می کند، به چیز دیگری توجه نمی کند. چون قلب حرم و جایگاه خداست. قلب سلطان وجود آدمی است.

السلام علیك یا خیر شهرٍ فی الایام والساعات؛ سلام بر تو ای بهترین ماه و رفیقی که همیشه همراه من بودی ماهی که ساعات و روزهایت بهترین ساعات و روزها بود.

ص: ۱۸۷

آرزوی مؤمنان

السـلام علیک من شـهر قربت فیه الآمال؛ سـلام بر تو ای ماهی که آرزوها در تو نزدیک و قابل دست رس می شود و آنچه که اولیای خـدا آرزو کرده اند در تو تحقق پیدا می کند. بزرگترین آرزوها در ماه رمضان تحقق پیدا می کند و به ثمر می رسد و انسـان مومن به آرزوهـایش نایـل می شود. بالاـترین آرزو برای انسـان مومن، اولیـاءاللّه که مصـداق بارزش رسول اکرم و ائمه طاهرین هستند، رضای خداست. بالاترین هدف در این ماه همان است که خداوند فرموده: «لعلکم تتقون». در این ماه علاوه بر تحقق آرزوها، اعمال در آن نشـر پیـدا می کنـد. ماهی است که فقط نماز نـدارد، بلکه همه اش عبادت است. می گویند انسان در طول بیست و چهـار سـاعت، حـداقل بیست و یـک هزار مرتبه تنفس می کنـد. در ماه رمضان: «انفاسـکم فیه تسبیـحٌ». نفس کشـیدن در این ماه حکم تسبیـح را دارد و برای هر نفس کشـیدن یک تسبیـح مقرر می شود. در هیـچ جایی نداریم که ائمه ما فرموده باشـند یـک رطب و یـک دانه خرما و شـربت آب باعث شود که انسان بهشت را برای خودش بخرد و رضایت خـدا را کسب کند، مگر در ماه مبارک رمضان. تجارت در این ماه پرسود است. البته پیرامون گریه برای اباعبداللّه الحسین علیه السلام فرموده انـد اگر به انـدازه پر مگسـی هم باشد و از روی معرفت و عشق به امام حسـین علیه السـلام و اهداف وی صورت گیرد، بـاعث نجـات انسـان می شود. ماه مبارک رمضان این خاصـیت را دارد که اعمال در آن نشـر پیـدا کنـد. هیـچ ساعاتی هم مثل ساعات ماه رمضان پر

برنامه نیست. دعایی که در ماه رمضان ائمه مقرر فرموده اند و در ساعتهای مختلف سحر، شبهای قدر، صبح و روز به خواندن آن توصیه کرده اند، در ماههای دیگر این گونه نیست. در این ماه خوابیدن، راه رفتن و نفس کشیدن هم عبادت است. فرموده اند که در ماه مبارک رمضان برای روزه دار دو خوش حالی هست: یکی موقع افطار است و دیگری موقع ملاقات بزرگ و هنگام «لقای رب» که تمام آرزوها و آمال انسان هم همین است. شما در ماه مبارک با تلاوت یک آیه قرآن چند برابر ماههای دیگر پاداش می برید. به این قربت فیه الاعمال می گویند. یعنی هر نوع عمل خیر و خوبی چند برابر جواب داده می شود. السلام علیک من قرین جلَّ قدره موجودا؛ سلام بر تو که ارزش و قدر تو بسیار است. السلام علیک من ناصرٍ اعان علی الشیطان؛ سلام بر دوست و رفیقی که انسان را در پیروزی بر شیطان کمک و یاری کرد.

وقتی حضرت زهرا علیهاالسلام با علی علیه السلام ازدواج کرد طبق نقل حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم بعد از چند روز، به خانه دخترش حضرت زهرا علیهاالسلام آمدند و جداگانه هم از دخترش و هم از دامادش علی علیهم السلام سئوال کردند که همسرت چگونه است؟ از علی علیه السلام سئوال کردند که زهرا چگونه همسری است. و از حضرت زهرا هم سئوال کردند که علی چگونه شوهری است؟ حضرت زهرا علیهاالسلام فرمودند: «نِعمَ العَونُ علی طاعه اللّه؛ علی بهترین کمک کار برای عبادت و اطاعت خداست.» علی علیه السلام هم فرمودند: «زهرا بهترین همسر برای عبادت و اطاعت از خداست.»

چقدر خوب است انسان با یک انسانی دوست بشود که آن

دوست، رفیقش را به نماز شب بیدار کند. با کسی انسان دوست بشود که او بیاید و عیبهای دوستش را به خودش بگوید. با شخصی دوست شود که او دشمن دشمن خدا، دشمن شیطان و نفس اماره است. همان شیطان که حضرت فرمود: «ان کانت الشیطان عدوا لکم فالغفله لماذا؛ اگر شیطان دشمن شماست، پس چرا شما در غفلت هستید؟» ماه رمضان ماه بیداری از غفلت و ماه توجه است. السلام علیک من ناصر اعان علی الشیطان؛ سلام بر ناصر و یاوری که انسان را برای غلبه بر شیطان کمک و یاری می کند.

نیروی معنوی

ماه رمضان از هر نظر دارای برکت و رحمت است. در طول روزهای غیر رمضان انسان تا ظهر طاقت تشنگی و گرسنگی ندارد، اما در ماه مبارک رمضان خدای متعال نیرو و توان می دهد. اگر علی علیه السلام در جبهه های جنگ آن قدرت و نیرو را داشت، نیرو و قدرت نان جوین نبود، بلکه نیروی تقوا بود. «من یتق اللّه یجعل له فرقانا و یرزقه من حیث لا یحتسب». اگر قومی تقوی پیشه کردند و بر شیطان پیروز شدند ما برای آنها مفرّی قرار می دهیم و از جایی که هرگز تصورش را نمی کردند آنان را روزی می دهیم. در مقابل این بیان شریف که زنگ خطر است برای بشر امروز و ما مسلمانها، این است که قومی که گناه و معصیت خدا را انجام می دهد، اولین چیزی که بر آنها نازل می شود این است که زندگی و معیشت آنها سخت و تنگ می گردد. «وَ منْ اَعْرَضَ عَنْ ذِکری فانَّ لهُ معیشهً

ص: ۱۹۰

ضنکا» اگر کسی از ذکر ما برگردد و یا به تعبیری به احکام الهی بی توجهی کند، ما این زمین به این بزرگی و فراخی را برایش تنگ می کنیم. از برکت خدا با گناه کردن جلوگیری نکنیم وقتی گناه می شود و به فرمان شیطان عمل می گردد، آسمان درهای رحمتش را می بندد و زمین گنجهایش را پنهان می کند. اینکه فرموده اند در عصر ظهور ولی عصر (عج) زمین گنجهایش را نسبت به مردم آشکار می کند و آسمان رحمتش را از مردم دریغ نمی کند، چون آن زمان، زمان صلح، زمان اسلام، عدالت و ایثار است.

روایت از امام معصوم علیه السلام است که فرمود: همه آن افرادی که می میرند، اجلشان نرسیده و از عمرشان باقی است؛ اما چون گناه کرده اند زود می میرند و آنهایی هم که نمرده اند، نه به این دلیل است که اجل آنان فرا نرسیده است. اجل آنان رسیده، ولی چون کار خیر انجام داده اند، مرگشان به تاخیر افتاده است. ماه مبارک رمضان ماه گناه نکردن و پیروز شدن بر شیطان است. سلام بر ماهی که به انسان کمک می کند بر شیطان پیروز شود و از آتشی که هیچ موقع خاموش نمی شود، نجات پیدا کند. ماه رمضان و در تشنگی ها و گرسنگی هایش کفاره گناهان انسان نهفته است. پس نگذاریم به راحتی این ماه از دستمان برود. مستحب است که بعد از عید سعید فطر انسان شش روز روزه بگیرد و با این روزه گرفتن به این ماه مبارک بگوید که ای ماه مبارک من، به عشق تو هنوز هم روزه ام و خوشحال نیستم که تو رفته ای و از اینکه از میان ما رفتی ناراحتم.

ص: ۱۹۱

راههای خوبی

السلام علیك من ناصر اعان علی الشیطان، و صاحبٍ سَهَّلَ سُبُلَ الاحسان؛ سلام بر تو دوست و رفیقی که راه های رسیدن به نیکی و احسان را بر من آسان کردی.

ماه مبارك رمضان انواع و اقسام راههای احسان و نیکی را برای انسان آسان می کند. صله رحم ها به راحتی صورت می گیرند با یک سلام و احوال پرسی صله رحم صورت می گیرد، با یک لیوان آب و یا یک دانه خرما به هنگام افطار انسان را به حسنات فراوانی می رساند. امام سجاد علیه السلام که حضرت به زین العابدین معروف است می داند که ماه رمضان چه نعمتی است؛ به هر حال در ایام سال بچه یتیمهای جامعه مان را فراموش نکنیم؛ به یاد اینها هم باشیم که ماه رمضان یتیم نوازی را یاد انسان می دهد و احسان کردن به بچه هایی که زمانی بسیار بر آنها می گذرد؛ ولی هیچ وقت لباس تازه نمی پوشند و به ناچار لباسهای دست دوم و سوم دیگران را به تن می کنند. تقاضا این است که به یاد اینها هم باشیم و به امام سجاد علیه السلام اقتدا بکنیم. ان شاءاللّه.

خدایا همه آرزومندان به آرزوهای معنوی و بلندشان برسان. نیروی ایمان و تقوا به همه ما کرامت فرما.

زندگی و مرگ ما را برای خودت و در راه خودت قرار بده.

ص: ۱۹۲

به رحمت وجودم بپوشان

(۲۷)

قال امامنا السَّجادُ علیه السلام : السلام علیک من ناصر اعان علی الشیطان و من صاحب سهل سبل الاحسان.(۱)

امام معصوم علیه السلام دعای روز [بیست و نهم] را این گونه شروع می کند: «اللّهمّ غشنی فیه بالرحمه؛ خدایا تمام وجود مرا به رحمت خودت بپوشان». در مورد معنای رحمت اینجا دو احتمال را می توان مطرح کرد: یکی اینکه خدایا رحمت خودت را شامل حال من کن؛ چرا که تو رحمان و رحیمی و دوم اینکه خدایا تو که رحمان و رحیمی به من هم یک دل بارحمی عنایت کن تا من به دیگران رحم کنم. انسان در هر مرحله از زندگی اول به رحمت خدا محتاج است؛ حتی اگر بخواهد به دیگران هم رحم کند، باید خدا این لطف را به وی مرحمت کند. خداوند اخلاق پیامبر صلی الله علیه و آله را رحمت می داند و می گوید فکر نکنی که این اخلاق و رحمتی را که

۱- ۱. صحیفه سجادیه، دعای وداع ماه رمضان.

تو داری از خودت هست. خیر، این اخلاق را ما به واسطه رحمت به تو دادیم.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم به عنوان آخرین پیامبر خدای متعال بارزترین صفتش را اخلاق می داند. در قرآن کریم می فرماید: «فبما رحمهٍ من اللّه لنت لهم و لو کنت فظاً غلیظ القلب لانفضوا من حولک».(۱) ای پیامبر! تو به خاطر رحمت خدا بود که بر مردم نرم خوی شدی؛ و اگر تو خشن و غلیظ القلب، دل سخت، خشن العمل و بد گفتار بودی، مردم از دورُوبرت پراکنده می شدند. انسان در این روزهای پایانی ماه مبارک رمضان باید کاری کرده باشد که رحمت خدای متعال تمام وجودش را فرا گرفته و یا شایستگی آن را یافته باشد. دعای امام معصوم علیه السلام چه زیباست. امام معصوم هر روز دعایی را می خواند و تعلیم می دهد که آن روز انسان به آن محتاج است.

اما این ضمیری که در کلمه «فیه» و در دعای امروز آمده به چه چیزی برمی گردد؟ آیا به روز بیست و نهم برمی گردد یا به ماه رمضان؟ این خود یک بحثی است که حالا ـ به هر کدام که برگردد و حتی به روز بیست و نهم هم که برگردد، این روز یک جزء از ماه رمضان است و معلوم می شود که در این ماه باید کاری کرده باشیم که رحمت خدا شامل حال ما بشود و رحمت خدا و برکاتش بر قومی نازل می شود که این قوم به خدا و رسول او خیانت نکنند.

۱- ۱. آل عمران، ۱۵۹.

نیاز به موعظه

هیچ زمانی ما خود را مستغنی و بی نیاز از موعظه ندانیم. اگر زمانی خدای ناکرده این احساس به ما دست داد که ما دیگر به موعظه محتاج نیستیم و از خودسازی بی نیازیم، به اولین پله سقوط و هلاکت گام گذاشته ایم. هیچ زمانی نباید این توفیق و تلاش از انسان سلب شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و اولیای الهی هم هر روز می فرمودند: «اهدنا الصراط المستقیم».

سعادت مندان این ماه

در این جلسه هم جملاتی از دعای امام سجاد علیه السلام را می خوانیم. حضرت می فرماید: «السلام علیک ما اکثر عتقاء اللّه فیک؛ سلام بر تو ای ماه رمضان که چه بسیار کسانی که گردنهایشان به خاطر وجود تو از آتش جهنم آزاد شد». و ما اسعد من رَعی حرمتک بک؛ و چقدر فراوانند آنهایی که با رعایت حرمت تو به سعادت رسیدند. آنها به خاطر گناه و معصیت نکردن و حفظ شعائر اسلامی، روی شیطان را سیاه کردند. این کلام معصوم علیه السلام است که فرمود: «روزه بگیرید و صدقه بدهید و در راه خدا مجاهده کنید تا روی شیطان سیاه شود و پشتش بشکند». واقعا ماه رمضان تکه ای از بهشت است در دنیا و باختند آنهایی که درک کردند ولی به خوبی از آن استفاده نکردند. سعادت در ماه مبارک

ص: ۱۹۵

رمضـان است. در این دعـا امام علیه السـلام می فرمایـد که ماه مبارك رمضان یک همراه و مصاحب است و در چنـدین جا از عبارات «مصـحوب، مصاحب، صاحب» اسـتفاده می کنـد و از ماه رمضان به عنوان یک همراه، هم صـحبت و هم نشـین نام می برد که صحبت این همنشین ذکر خداست.

السلام علیک ما کان امحاك من ذنوب؛ سلام بر تو ای ماه رمضان که گناهان را محو کردی.

دقت بکنیـد که این حرفهـا، دعـای امـام است و امـام هم تصور نشود که در اینجـا تنها در مقام تعلیم باشـد. حضـرت در مقامی بالاتر از مقام تعلیم قرار دارد.

میقات امت پیامبر

در جلسات گذشـته آمـد که ماه رمضان میقات امت پیغمبر است. همان گونه که حضـرت موسـی علیه السـلام میقات داشت و پیغمبران دیگر هم میقات داشتند، خداوند امت پیامبر آخر الزمان را امت مرحومه قرار داد و کانّه ماه رمضان را میقات این امت مقرر کرد.

در روایـات آمـده است که هر کس چهل روز اخلاص پیشه کنـد، چشـمه های حکمت از قلبش به زبانش جاری می شود. ماه رمضـان سـی روز است؛ امّـا در مـاه رمضـان سـحر، شـبهای قـدر و دعا و تـذکر و منبر هم هست و همگی از آثار و برکات ماه مبارك رمضان است که میقات این امت است.

السلام علیک ما کان امحاك من ذنوب و استرك لانواع العیوب؛

ص: ۱۹۶

سلام بر تو ای ماهی که چه بسیار گناهانی را که محو کردی و انواع عیبها را پوشاندی.

چشم، گوش، شکم و تمام اعضاء و جوارح را مهار کردی. و لذا خیلی اتفاق می افتد که شخصی که شاید خیلی اهل توجه هم نباشد و بی مبالات باشد، در ماه مبارک رمضان رعایت می کند و بسیاری از کارها را کنار می گذارد. بنابراین این ماه یک مهار است. از این جمله امام علیه السلام معلوم می شود که عیبها زیاد است و شیطان هم از همین راه وارد می شود. شیطان به شما که اداری هستید و یا به من طلبه نمی گوید که نماز نخوانید، بلکه برای گمراه کردن ما از راه دیگری وارد می شود؛ از راهی که تناسب با شغل ما دارد. مثلاً برای کسی که پشت میز مغازه هست، بد اخلاقی را پیشنهاد نمی کند؛ بلکه به او کم فروشی و گرانفروشی را پیشنهاد می نماید. برای کسی که پشت میز اداره قرار گرفته است تکبر را و... لذا شیطان با من طور دیگری برخورد می کند و هرگز نمی گوید که توی طلبه نماز نخوان؛ چون از روحانی مردم انتظار نماز دارند و او نمی تواند نماز نخواند. پس شیطان از راهی وارد می شود که طرف مقابلش فکرش را هم نمی کند. در قرآن کریم خداوند می فرماید: «ولاـ تتبعوا خطوات الشیطان» از گامهای شیطان و از خطوط شیطانی پیروی نکنید. فرمود خطوات شیطان و به صورت جمع آورد و نه «خطوه» و به صورت مفرد که این بیانگر تنوع و تعدد راه های نفوذ شیطان است و این تنوع و تعدد تشخیص را برای انسان مشکل می کند.

ص: ۱۹۷

مسجد دریای رحمت

در فقره دیگری امـام علیه السـلام می فرمایـد: «السـلام علیک ما اطولک علی المجرمین؛ سـلام بر تو ای ماه مبارک رمضان که چقدر بر مجرمان و گناهکاران طولانی بودی». اینکه فرموده اند: المؤمن فی المسـجد کالسَّمَکِ فی الماء، والمنافق فی المسجد کالطائر فی القفص؛ بودن مؤمن در مسـجدماننـد بودن ماهی در آب است، یعنی ماهی داخل آب، اگر از آب بیرون بیاید، می میرد و رابطه مومن بـا مسـجد هم این گونه است. ولی حضور منـافق در مسـجد ماننـد بودن پرنـده در قفس است. مـاه مبـارک رمضان برای گناهکاران این گونه است؛ چون گناهکاران در این ماه نمی تواننـد اعمالی را که می خواهند انجام دهند و زمینه هـای گنـاه هم یـا از بین می رود و یـا کم می شود. لـذا برای مجرمین طولاـنی است و آنهـا دائمـا در انتظار تمام شـدن این ماه هسـتند. مـاه رمضـان هر چقـدر برای مجرمین طولانی و سـخت است برای مؤمنین با عظمت و لـذتبخش است. امام سـجاد علیه السـلام در ادامه همین دعای شـریف فرمود: «و اهیبک فی صدور المؤمنین؛ ای ماه رمضان، تو چقدر با هیبت و جلال بودی در دلهای انسان های مؤمن.» پروردگارا همه ما را از برکات این ایام برخوردار فرما.

ص: ۱۹۸

۳۰ _ ۲۹ _ ۲۸

۱ _ مروری بر خطبه شعبانیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم

۲ _ روایاتی پیرامون ارزش روزه و روزه داری

۳ _ بعضی اعمال در ماه مبارک رمضان

ص: ۱۹۹

خطبه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در فضیلت ماه رمضان و روزه آن

از حضرت امیر علیه السلام روایت شده که فرمود: «اِنَّ رَسُولَ اللّه ِ صلَّی اللّه عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم، خَطَبَنا ذَاتَ یَوْم، فَقالَ: اَیُّهَا النّاسُ، اِنَّهُ قَدْ اَقْبَلَ اِلَیْکُمْ شَهْرُ اللّه ِ بِالْبَرَکهِ وَالرَّحْمَهِ وَالْمَغْفِرَهِ، شَهْرٌ هُوَ عِنْدَ اللّه ِ اَفْضَلُ الشُّهُورِ، وَاَیّامُهُ اَفْضَلُ الاَیّام، وَلَیالیهِ اَفْضَلُ اللَّیالی، وَساعاتُهُ اَفْضَلُ السّاعاتِ».

امام علی علیه السلام فرمود: حضرت رسول، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم روزی برای ما خطابه ای ایراد فرمود: [حضرت فرمود] ای مردم به حقیقت، ماه خدا با برکت، رحمت و آمرزش خویش، به سوی شما روی می آورد، ماهی که در نزد خداوند بهترین ماههاست، و روزها و شبهایش افضل و ساعاتش بهترین ساعات می باشد.

ماه فیض، کرامت و ضیافت

«وَهُوَ شَهْرٌ دُعیتُمْ فیهِ اِلی ضیافَهِ اللّه ِ، وَجُعِلْتُمْ فیهِ مِنْ اَهْلِ کَرامهِ اللّه ِ، اَنْفاسُکُمْ فیهِ تَسبیحٌ، وَنَوْمُکُمْ فیهِ عِبادَهٌ، وَعَمَلُکُمْ فیهِ مَقْبُولٌ، وَدُعاؤُکُمْ فیهِ مُسْتَجابٌ، فَاسْئَلُوا اللّه َ رَبَّکُمْ بِنِیّاتٍ صادِقَهٍ، وَقُلُوبٍ طاهِرَهٍ اَنْ یُوَفِّقَکُمْ لِصِیامِهِ، وَتِلاوَهِ کِتابِهِ فَاِنَّ الشَّقِیَّ مَنْ حَرُمَ غُفْرانَ اللّه ِ

فی هذَا الشَّهْرِ الْعَظیم»، و این ماهی است که شما در آن به ضیافت و مهمانی خداوند دعوت شدید. و در این ماه مورد کرامت و عنایت خداوند قرار گرفتید، نَفَسْ‌هایتان در این ماه ثواب تسبیح و تقدیس پروردگار دارد. و خواب شما در این ماه عبادت، و اعمال خیر شما در آن مقبول، و خواسته ها و دعای خیر شما مستجاب است، پس از پروردگار مهربانتان با نیّات صادقانه، و دلهای پاک درخواست حاجت کنید، اینکه شما به روزه گرفتن و تلاوت کتاب قرآن خویش توفیق مرحمت فرماید، و آگاه باشید که براستی اشقیا و گمراهان کسانی هستند که از غفران و آمرزش الهی در این ماه بزرگ محروم و بی نصیبند.

آثار تربیتی و اخلاقی روزه برای بشر

«وَاذْکُرُوا بِجُوعِکُمْ وَعَطَشِکُمْ فیهِ جُوعَ یَوْمِ الْقِیامَهِ وَعَطَشه، وَتَصَدَّقُوا عَلی فُقَرائِکُمْ وَمَساکینِکُمْ، وَوَقِّرُوا کِبارَکُمْ، وَارْحَمُوا صِغارَکُمْ، وَصِلُوا اَرْحامَکُمْ، وَاحْفَظُوا اَلْسِنَتَکُمْ، وَغُضُّوا عَمّا لا یَحِلُّ النَّظَرُ اِلَیْهِ اَبْصارَکُمْ وَعَمّا لا یَحِلُّ الاِسْتِماعُ اِلَیْهِ اَسْماعَکُمْ، وَتَحَنَّنُوا عَلی اَیْتامِ النّاسِ کَما یُتَحَنَّنُ عَلی اَیْتامِکُمْ، وَتُوبُوا اِلَی اللّه مِنْ ذُنُوبِکُمْ، وَارْفَعُوا اِلَیْهِ اَیْدِیَکُمْ بِالدُّعاءِ فی اَوْقاتِ صَلَواتِکُمْ فَاَنَّها اَفْضَلُ السّاعاتِ یَنْظُرُ اللّه عَزَّ وَجَلَّ فیها بِالرَّحْمَهِ اِلی عِبادِهِ، یُجیبُهُمْ اِذا ناجَوْهُ وَیُلَبّیهِمْ اِذا نادَوْهُ وَیَسْتَجیبُ لَهُمْ اِذا دَعَوْهُ».

به یاد آورید از گرسنگی و تشنگی روزه داریتان در این ماه گرسنگی و تشنگی روز قیامت را، و به فقرا و بیچارگان خود «از

ارحام و اهل ایمان» صدقه دهید، و به بزرگان خویش اکرام و احترام نموده، و بر کوچکترها رحمت آورید، و با ارحام خویش صله نموده و دلشان را شاد نمایید، و زبانتان را حفظ و چشمانتان را از چیزی که نگاه به آن بر شما حلال نیست بپوشانید، و همچنین گوشتان را از چیزی که شنیدن آن بر شما حلال نمی باشد برحذر دارید، و بر ایتام مردم رحمت آورید، همان طور که دوست می دارید که به ایتام شما رحم کنند، دستهایتان را به دعا در اوقات نماز به سوی خداوند بلند کنید، که براستی اوقات نماز بهترین ساعات است که خداوند مهربان در وقت نماز از راه رحمت و شفقت به بندگانش می نگرد، اگر با او مناجات کنند، اجابت می فرماید، و لبیک می گوید، اگر او را ندا دهند، و دعاهایشان مستجاب است اگر او را بخوانند.

در گرو اعمال

«اَیُّهَا النّاسُ، اِنَّ اَنْفُسَكُمْ مَرهُونَةٌ بِاَعْمالِكُمْ فَفُكُّوها بِاسْتِغْفارِكُمْ وَظُهُورُكُمْ ثَقِیلَةٌ مِنْ اَوْزارِكُمْ، فَخَفِّفُوا عَنْها بِطُولِ سُجُودِكُمْ. وَاَعْلَمُوا اَنَّ اللّه ـ تَعالی ذِكْرُهُ اَقْسَمَ بِعِزَّتِهِ اَنْ لا یُعَذِّبَ الْمُصَلّینَ وَالسّاجِدینَ وَاَنْ لا یُرَوِّعَهُمْ بِالنّارِ یَوْمَ یَقُومُ النّاسُ لِرَبِّ الْعالَمینَ».

ای مردم به راستی شما مرهون اعمال خویش هستید، پس خویشتن را با استغفار و آمرزش خواهی خود آزاد کنید. و پشت شما از وزر و وبال و گناهانتان سنگین شده، پس با طول سجود خود بارپشتتان را سبک کنید، و بدانید که خداوند (عزّ و تعالی

ذکره) سوگند یاد کرده که نمازگزاران و سجده کنندگان را معذّب ننماید، و آتش جهنّم را به آنان نچشاند، در روز قیامتی که همه به پیشگاه رب العالمین می ایستند.

مزد افطاری

«اَیُّهَا النّاسُ، مَنْ فَطَّرَ مِنْکُمْ صائِما فی هـذَا الشَّهْرِ کانَ لَهُ بِذلِکَ عِنْدَ اللّه ِ عَزَّ وَجَلَّ عِتْقُ رَقَبَهٍ، وَمَغْفِرَهٌ لِما مَضـی مِنْ ذُنُوبِهِ فَقیلَ لَهُ: یـا رَسُولَ اللّه ِ، وَلَیْسَ کُلُّنـا نقْـدِرُ عَلی ذلِکَ. فَقالَ رَسُولُ اللّه ِ صَـلَّی اللّه عَلَیْهِ: اِتَّقُوا النّارَ وَلَوْ بِشِقِّ التَّمْرِ، اِتَّقُوا النّارَ وَلَوْ بِشَـرْبَهٍ مِنْ ماءٍ».

ای مردم، هر کس از شما مؤمن روزه داری را در این ماه افطاری دهد، در مقابل این عمل، ثواب آزاد کردن یک بنده، و آمرزش گناهان گذشته اش برای اوست.

عرض کردند: «یا رسول اللّه صلی الله علیه و آله وسلم ، برای همه ما مقدور نیست که به یک صائم و روزه دار افطاری بدهیم.» پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: بترسید از آتش جهنم [بهانه جویی نکنید] و اگر چه یک نصفه خرمایی و یا یک جرعه آب به روزه داری بدهید و به این ثواب بزرگ نائل می آیید.

ماه انسان سازی

«اَیُّهَا النّاسُ، مَنْ حَسَّنَ مِنْکُمْ فی هـذَا الشَّهْرِ خُلْقَهُ کانَ لَهُ جَوازا عَلَی الصِّراطِ یَوْمَ تَزِلُّ فیهِ الاَقْدامُ، وَمَنْ خَفَّفَ فی هـذَا الشَّهْرِ ممّا مَلَکَتْ یمینُهُ خَفَّفَ اللّه ُعَلَیْهِ حِسابَهُ، وَمَنْ کَفَّ فیهِ شَرَّهُ کَفَّ اللّه ُعَنْهُ

ص: ۲۰۴

غَضَبَهُ یَوْمَ یَلْقـاهُ، وَمَنْ اَکْرَمَ فیهِ یَتیمـا اَکْرَمَهُ اللّه ُیَوْمَ یَلْقـاهُ، وَمَنْ وَصَـلَ فیهِ رَحِمَهُ وَصَـلَهُ اللّه ُبِرَحْمَتِهِ یَوْمَ یَلْقاهُ، وَمَنْ قَطَعَ رَحِمَهُ قَطَعَ اللّه ُعَنْهُ رَحْمَتَهُ یَوْمَ یَلْقاهُ وَمَنْ تَطَوَّعَ فیهِ بِصَـلوهٍ کَتَبَ اللّه ُلَهُ بَرائَهً مِنَ النّارِ وَمَنْ اَدّی فیهِ فَرْضا کانَ لَهُ ثَوابُ مَنْ اَدّی سَـبْعینَ فَریضَهً فیمـا سِـواهُ مِنَ الشُّهُـورِ، وَمَنْ اَکْثَرَ فیهِ مِنَ الصَّلاهِ عَلَیَّ ثَقَّلَ اللّه ُمیزانَهُ یَوْمَ تَخَفَّفَ الْمَوازینُ، وَمَنْ تَلی فیهِ آیَهً مِنَ الْقُرآنِ کانَ لَهُ مِثْلُ اَجْرِ مَنْ خَتَمَ الْقُرآنَ فی غَیْرِهِ مِنَ الشُّهُورِ».

ایّها الناس! هر کسی از شما در این ماه خلقش را نیکو کند، برات عبور از صراط را به دست آورده، در روزی که قدمها در آن می لغزد و می لرزد، و هر کسـی در این ماه کار خَـدَمه و اجیران خود را سـبک نمایـد، خداوند حسابش را سـبک می نماید و «سـختگیری نمی کنـد»، و هر کس در ایـن مـاه شـرّ خـود را از مردم بـازدارد، خداونـد خشم و سَـخَط خـود را در قیـامت، روز ملاقـات، از او بـاز می دارد، و هر کس در ایـن مـاه گرامی دارد و احسـان کنــد یـتیمی را، خداونـد در روز ملاقـات (قیـامت) گرامیش می دارد، و هر کس بـا رَحِم خویش در این مـاه صِـله کنـد خداونـد در روز قیـامت هنگـام ملاقـات با رحمت واسـعه خویش او را ملاقات می نمایـد، و کسـی که با رحم خود قطع کند، خداوند روز قیامت رحمت خویش را از او قطع می نماید، و اگر کسـی در این ماه نماز مستحبی بخواند، خداوند برائت آزادی از آتش جهنّم را برای او مقرّر می فرماید، و اگر کسی در این مـاه فریضه ای (نمـاز، روزه، امر به معروف و نهی از منکر و جهـاد فی سبیـل اللّه...) را ادا نمایـد، برای او ثواب ادای هفتاد فریضه در غیر ماه مبارک رمضان است، و اگر کسی زیاد کند دُرود و

صلوات خود را در این مـاه بر من، خداونـد میزان عملش را سـنگین می نمایـد «کفّه ترازوی اعمال و کارهای نیکش را ثقیل و سنگین می نماید» در روزی که ترازوی اعمال سبک است، و کسی که در این ماه یک آیه از قرآن را تلاوت کند ثوابش برابر یک ختم قرآن است که در غیر رمضان تلاوت کند.

شیاطین در زنجیر

«اَیُّهَـا النّـاسُ، اِنَّ اَبْوابَ الْجَنانِ فی هـذَا الشَّهْرِ مُفَتَّحَهٌ، فَاسْـئَلُوا رَبَّکُمْ اَنْ لا یَغْلِقَها عَلَیْکُمْ وَاَبْوابَ النّیرانِ مُغْلَقَهٌ، فَاسْـئَلُوا رَبَّکُمْ اَنْ لا یَفْتَحَها عَلَیْکُمْ، وَالشَّیاطینَ مَغْلُولَهٌ، فَاسْئَلُوا رَبَّکُمْ اَنْ لا یُسَلِّطَها عَلَیْکُمْ».

ای مردم! درهای بهشت در این ماه باز است. پس از خدا درخواست کنید که به سوی شـما نبندد، و درهای جهنّم بسته است از پروردگارتان بخواهید تا به سوی شـما نگشاید «یعنی عمل خیر شـما در این ماه درهای بهشت را به سوی شما باز نگه می دارد و شما را بهشتی می کند، همچنان که عمل شرّ و گناهانتان که دَرِ بسته جهنم را به سوی شما می گشاید»، و شیاطین در این ماه مغلول به زنجیرند، پس از خداوند التماس کنید که تا خداوند او را بر شما مسلّط نگرداند.

بهترین اعمال

قـالَ اَمیرُ الْمُؤْمِنینَ عَلَیْهِ السَّلامُ: فَقُمْتُ، فَقُلْتُ: یا رَسُولَ اللّه ِ، ما اَفْضَلُ الاَعْمالِ فی هـذَا الشَّهْرِ؟ فَقالَ: یا اَبَا الْحَسَنِ اَفْضَلُ الاَعْمالِ فی هذَا الشَّهْرِ الْوَرَعُ عَنْ مَحارِمِ اللّه ِ عَزَّ وَجَلَّ ثُمَّ بَکی فَقُلْتُ: یا رَسُولَ اللّه ِ،

ما يُبْكيكَ؟ فَقالَ: يا عَلِيُّ، اَبْكى لِما يُسْتَحَلُّ مِنْكَ فى هذَا الشَّهْرِ، كَاَنّى بِكَ وَاَنْتَ تُصَلّى لِرَبِّكَ وَقَدِ انْبَعَثَ اَشْقَى الاَوَّلينَ وَالآخِرينَ شَقيقَ عاقِرِ ناقَةِ ثَمُودَ فَضَرَبَكَ ضَرْبَةً عَلى قَرْنِكَ فَخَضَّبَ مِنْها لِحْيَتَكَ، قالَ اَميرُالْمُؤْمِنينَ عَلَيْهِ السَّلامُ قُلْتُ: يا رَسُولَ اللّه وَذلِكَ فى سَلامَةٍ مِنْ دينى؟ فَقالَ صَلَّى اللّه عَلَيْهِ وَآلِهِ: فى سَلامَةٍ مِنْ دينِكَ».

اميرالمؤمنين عليه السلام فرمود: پس من برخاستم و گفتم: «يا رسول اللّه افضل و بهترين اعمال در اين ماه چيست؟» حضرت فرمود: «اى ابوالحسن، بهترين اعمال در اين ماه پرهيز از حرام خداست.» سپس پيامبر صلى الله عليه و آله وسلم گريست. عرض كردم: «يا رسول اللّه، چه چيز شما را گريانده؟» فرمود: «يا على گريه مى كنم از حلال شدن خون تو در اين ماه، در حالى كه تو مشغول به نماز براى پروردگارت هستى، ناگاه شقى ترين مردم اوّلين و آخرين، و شقى تر از پى كننده ناقه ثمود، ضربتى بر فرق مباركت مى زند، پس از آن خون محاسن شريفت خضاب مى گردد.»

اميرالمؤمنين عليه السلام عرض كرد: «يا رسول اللّه، در اين صورت دين من محفوظ هست؟» حضرت فرمود: «در سلامت است دين تو.»

يا على تو جانِ منى

«ثُمَّ قالَ: يا عَلِيُّ مَنْ قَتَلَكَ فَقَدْ قَتَلَنى، وَمَنْ اَبْغَضَكَ فَقَدْ اَبْغَضَنى، وَمَنْ سَبَّكَ فَقَدْ سَبَّنى لِاَنَّكَ مِنّى، كَنَفْسى رُوحُكَ مِنْ رُوحى وَطينَتُكَ مِنْ طينَتى، اِنَّ اللّه تَبارَكَ وَتَعالى خَلَقَنى وَاِيّاكَ وَاصْطَفانى وَاِيّاكَ، وَاخْتارَنى لِلنُّبُوَّةِ، وَاخْتارَكَ لِلإمامَةِ، وَمَنْ اَنْكَرَ اِمامَتَكَ فَقَدْ اَنْكَرَ نُبُوَّتى، يا عَلِيُّ اَنْتَ وَصِيّى وَاَبُو وُلْدى وَزَوْجُ اِبْنَتى، وَخَليفَتى عَلى

اُمَّتی فی حَیوتی وَبَعْـدَ مَوْتی اَمْرُکَ اَمْری وَنَهْیُـکَ نَهْیی، اُقْسِمُ بِالَّذی بَعَثَنی بِالنُّبُوَّهِ وَجَعَلَنی خَیْرَ الْبَرِیِّهِ اِنَّکَ لَحُجَّهُ اللّه ِ عَلی خَلْقِهِ وَاَمینُهُ عَلی سِرِّهِ وَخَلیفَتُهُ عَلی عِبادِهِ».(۱)

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: یا علی! کسی که تو را بکشد به راستی که مرا کشته و کسی که با تو دشمنی کند در حقیقت با من دشمنی کرده، و کسی که به تو ناسزا بگوید مثل آن است که به من ناسزا گفته، زیرا تو از من هستی، مثل نفس و جان من می باشی، روح تو از روح من است، و سرشت و طینت تو از طینت من است. به راستی خداوند من و تو را آفرید، و من و تو را برگزیده، مرا به نبوت و تو را هم برای امامت اختیار کرده است.

بنابراین هر کس امامت تو را انکار کند، نبوت مرا انکار کرده است. یا علی تو وصیّ من هستی، و پدر فرزندان من، و همسر دخترم [فاطمه] هستی و جانشین من بر امّتم می باشی، در حیاتم و بعد از مرگم. امر تو مثل امر من است، و نهی تو هم مثل نهی من است، سوگند به آن کسی که مرا به نبوت برگزیده، و مرا بهترین مردم و خیر البریه قرار داده، براستی تو هم «حجه اللّه» و «خلیفه اللّه» هستی بر خلق او، و امین سرّ خدا می باشی و توئی جانشین خدا بر بندگانش.

ص: ۲۰۸

۱- ۱. روزه، درمان بیماریهای روح و جسم، به نقل از وقایع الایام تبریزی، ص۲۹ و عیون اخبار الرضا علیه السلام شیخ صدوق رحمه الله .

ارزش روزه و روزه داری

۱ــ قال الباقر علیه السلام : لا تقولوا هـذا رمضان، و لا ذهب رمضان، و لا جاء رمضانَ، فانّ «رمضانَ» اسم من اسماء اللّه عزّ و جلّ لا یجی ء و لا یذهبُ و انّما یجی ء و یذهب الزّائل، و لکن قولوا شهر رمضان... .(۱)

هشام بن سالم می گوید: در محضر امام باقر علیه السلام بودیم که سخن از رمضان شد. امام علیه السلام فرمودند: «نگویید این رمضان است، و نگوییـد رمضان رفت و یا آمـد؛ زیرا رمضان نامی از نامهای خداست که نمی رود و نمی آید [زیرا] که شی ء زائل و نابود شدنی می رود و می آید، بلکه بگوئید ماه رمضان.»

۲ــ قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله وسلم : یا اسامهُ، علیک بالصّوم، فانّه جُنَّهٌ من النار وَاِنْ استَطعتَ ان یَأتیکَ المَوت وبطنُکَ جائِع فافعَلْ، یا اسامَهُ علیک بالصوم فانّه قُربَهٌ الی اللّه.(۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: ای اسامه، بر تو باد به روزه گرفتن، زیرا روزه سپری است در مقابل آتش جهنّم. هرگاه قدرت داشته باشی

۱- ۱. «بحار الانوار»، ج۹۶، ص۳۷۶.

۲- ۲. همان، ص۲۸۵.

که هنگام فرارسیدن اجل و مرگت گرسنه باشی و درون تو خالی باشد از غذا [روزه باشی] این کار را انجام بده.

ای اسامه، بر شما باد به روزه دار بودن؛ زیرا روزه موجب تقرب به سوی خداست.

۳ـ قال الصادق علیه السلام : اذا صَمْتَ فلیصم سمعُک و بصرک و شَعرک... لا یکوننَّ یوم صومک کیوم فطرک.(۱)

امام صادق علیه السلام فرمود: «آنگاه که روزه هستی، پس باید گوش و چشم و موی تو هم در حال امساک و روزه باشد... و البته نباید روزی که روزه گرفته ای مانند روز افطارت باشد [که روزه نیستی].

۴ـ قال الصادق علیه السلام : «انّما فرض اللّه الصیام لیستویَ به الغنی و الفقیر...، و ان یذیق الغنی مَسَّ الجُوعِ و الاَلَم، لِیَرِقَّ علی الضعیف ویَرْحَمَ الجائع.(۲)

امام صادق علیه السلام می فرماید: «خدا روزه را به این دلیل واجب کرده که میان فقیر و غنی مساوات برقرار شود... و طعم گرسنگی، درد و رنج را به افراد غنی هم بچشاند تا به ضعیفان و گرسنگان ترحم کنند.

۵ـ قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله وسلم : «هو شهر اوّله رحمهٌ، و اوسَطُهُ مغفرهٌ، و آخِرُهُ عتقٌ من النار».(۳)

پیامبر خدا فرمود: [ماه رمضان] آغاز و ابتدایش رحمت و

۱- ۱. «الوافی»، ج۷، ص۳۳.

۲- ۲. «الوسائل»، ج۷، ص۳.

۳- ۳. «بحار الانوار»، ج۹۶، ص۳۴۲.

میانه اش بخشایش و مغفرت الهی و پایانش نجات (بندگان) از آتش است.

۶_ قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله وسلم : «من صام شهر رمضان ایمانا و احتسابا غفر اللّه له ما تقدّم من ذنبه».(۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «هر کس با ایمان (و با اخلاص) ماه رمضان را روزه بگیرد خداوند گناهان گذشته اش را می آمرزد.»

۷_ قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله وسلم : «قال اللّه تعالی: الصوم لی و انا اَجزِی به».(۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «خداوند متعال فرمود: روزه برای من است و خودم پاداش آن را خواهم داد [یا خودم پاداش آن خواهم بود اگر بخوانیم «اُجزی به»].

۸_ قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله وسلم : «للصّائم فَرحتان: فَرحَةٌ عند افطارِهِ، و فَرحَةٌ یومَ یَلقی ربَّه».(۳)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: برای شخص روزه دار دو شادی و خوشحالی است: یکی هنگام افطار و یکی هم روزی که پروردگار خود را ملاقات می کند [قیامت].

۹_ قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله وسلم : «الصائم فی عباده اللّه و إن کان نائما علی فراشه مالم یَغتَبْ مسلما».(۴)

۱- ۱. «امالی طوسی»، ج ۱، ص ۱۴۹.

۲- ۲. «بحار الانوار»، ج ۹۶، ص ۲۵۵.

۳- ۳. همان، ص ۲۵۱.

۴- ۴. همان، ص ۲۴۷.

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «روزه دار دائما در حال عبادت خدا است. گرچه در خواب باشد تا زمانی که غیبت مسلمانی را نکند.»

۱۰_ قالت فاطمه الزهراء علیهاالسلام : فرض اللّه الصیام تثبیتا للإخلاص.(۱)

فاطمه زهرا علیهاالسلام فرمود: «خداوند روزه را واجب کرد تا اخلاص بندگانش را تثبیت و پایدار نماید.»(۲)

۱۱_ قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله وسلم : «لکلّ شی ء زکاه و زکاه الاجساد الصیام».(۳)

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «برای هر چیزی زکات است و زکات [بدنهای ما] روزه گرفتن است.»

۱۲_ قال الباقر علیه السلام : لکلّ شی ء ربیع و ربیع القرآن شَهرُ رمضانَ.(۴)

امام باقر علیه السلام فرمود: «برای هر چیزی بهار است و بهار قرآن ماه رمضان است.»

۱۳_ قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله وسلم : مَن تَلا فیه آیهً من القرآن کان له مثلُ اَجْرِ مَنْ خَتَمَ القرآن فی غیره من الشُّهور.(۵)

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «کسی که آیه ای از قرآن را در ماه رمضان تلاوت کند برای او پاداش یک ختم قرآن در غیر این ماه منظور می شود.»

۱- ۱. «علل الشرایع»، ج ۱، ص ۲۲۶.
۲- ۲. مانند کلام فوق از امام علی علیه السلام هم نقل شده است، نهج البلاغه حکمت ۲۴۴.
۳- ۳. «بحار الانوار»، ج ۹۶، ص ۲۵۵.
۴- ۴. «همان»، ج ۹۶، ص ۳۸۶.
۵- ۵. «عیون اخبار الرضا علیه السلام »، ج ۱، ص ۲۹۶.

۱۴ـ قال الکاظم علیه السلام : «دعوه الصّائم تستَجابُ عند افطاره».(۱)

امام کاظم علیه السلام فرمود: «دعای روزه دار هنگام افطار مستجاب می شود.»

فضیلت شبهای قدر

۱۵ـ قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله وسلم : انّ اللّه اختار من الایام الجُمُعه، و من الشهور شهر رمضان، و من اللیالی لیله القدر.(۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «همانا خداوند از میان روزها جمعه را و از بین ماهها ماه مبارک رمضان را و از شبها شب قدر را برگزید.»

۱۶ـ قال الباقر علیه السلام : مَن وافق لیلهَ القدر فقامها غفر اللّه له ما تقدّم من ذنبه و ما تأخّر.(۳)

امام باقر علیه السلام فرمود: «هر کس شب قدر را درک و آن را به عبادت به پای دارد خداوند گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد.

۱۷ـ قال الباقر علیه السلام : العمل الصالح فیها من الصّلاه و الزکاهِ و اَنْواعِ الخَیرِ، خیرٌ من الف شهرٍ لیس فیها لیلهُ القدر.(۴)

امام باقر علیه السلام فرمود: به جا آوردن عمل صالح در شب قدر [مانند نماز، زکات، خدمت به دیگران و...] بهتر است از انجام کارهای خیر در هزار ماهی که شب قدر در آن نباشد.

ص: ۲۱۳

۱- ۱. «بحار الانوار»، ج۹۶، ص۲۵۵.

۲- ۲. همان، ج۹۷، ص۷.

۳- ۳. همان، ص۹.

۴- ۴. «الوسائل»، ج۷، ص۲۵۶.

۱۸_ کـانت فـاطمه علیهاالسـلام : لاـ تَـدَعُ احـداً من اهلها ینام تلک اللّیله و تُـداویهم بقلّه الطّعام و تَتَأَهَّبُ لها من النهار و تَقُولَ: مَحْرومٌ مَنْ حرم خَیرَها.(۱)

حضـرت زهرا علیهاالسـلام همیشه چنین عمل می کرد که نمی گـذاشت اهل خانه (فرزنـدان) در شب قـدر بخوابند و آنها را با کم غـذا دادن برای بیـداری در شب قـدر آماده می کرد. ومی فرمود: «از رحمت خـدا محروم است کسـی که از خیر شب قدر محروم شود.»

۱۹_ کـان ابو عبـداللّه علیه السـلام مریضاً مُـدنِفا فَأَمَرَ فَاُخْرِجَ الی المسـجد رسول اللّه صـلی الله علیه و آله وسـلم فکان فیه حَتّی اَصْبَحَ لَیْلَه ثلاث و عشرینَ من شهر رمضان.(۲)

امام صادق علیه السـلام در شب ۲۳ مـاه رمضان در حالی که مریض و تب دار بود، دسـتور داد آن حضـرت را به مسـجد النبی صلی الله علیه و آله وسلم بردند و تمام شب را تا به صبح در آنجا مشغول (راز و نیاز و عبادت) بودند.

ص: ۲۱۴

۱- ۱. «بحار الانوار»، ج۹۷، ص۱۰.

۲- ۲. «امالی الطوسی»، ج۲، ص۲۸۹.

بعضی اعمال ماه رمضان

اشاره

بعضی اعمال ماه رمضان(۱)

غسل های ماه رمضان

* غسل شب اوّل ماه رمضان و روز اوّل آن.(۲)

* غسل شب های (فرد ماه مثل شب سوّم و پنجم، تا آخر).(۳)

* غسل شب سیزدهم ماه.

* غسل شب پانزدهم.

* غسل شب های قدر (شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوّم ماه).

* غسل آخر شب بیست و سوّم.

* غسل شب ۲۵ و ۲۷ و ۲۹ ماه و شب آخر آن.(۴)

* غسل شبهای دهه آخر ماه.(۵)

۱- ۱. در این قسمت از جزوه تهیه شده بخش تحقیقات آستانه مقدسه بهره برده شده است.

۲- ۲. مفاتیح الجنان، اعمال ماه رمضان.

۳- ۳. توضیح المسائل حضرت امام قدس سره ، غسل های مستحبّی.

۴- ۴. مفاتیح الجنان، اعمال ماه رمضان.

۵- ۵. رساله حضرت امام قدس سره ، بخش غسل های مستحبّی.

نمازهای ماه مبارک رمضان

* در هر شب ماه رمضان دو رکعت نماز خوانده شود. در هر رکعت بعد از حمد، سه مرتبه سوره قُلْ هَوَ اللّه ُو بعد از سلام نماز بگوید: «سُبْحَانَ مَنْ هُوَ حَفِیظٌ لاَیَغْفُلُ، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ رَحِیمٌ لاَ یَعْجَلْ، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ دَائِمٌ لاَ یَلْهُو». و بعد از آن هفت مرتبه (سُبْحَانَ اللّه ِ وَالْحَمْدُ للّه ِ وَلاَ اِلَهَ اِلاَّ اللّه ُوَاللّه ُاَکْبَرُ) بگوید. سپس بگوید: «سُبْحَانَکَ سُبْحَانَکَ سُبْحَانَکَ یَا عَظِیمُ اغْفِرْ لِیَ الذَّنْبَ الْعَظِیمَ». بعد از آن ده مرتبه صلوات بفرستد. کسی که این نماز را بخواند خداوند هفتاد هزار گناه او را می آمرزد.(۱)

* خواندن هزار رکعت نماز در مجموع ماه رمضان به این ترتیب است که: در دهه اوّل و دوّم هر شبی بیست رکعت بخواند. هشت رکعت بعد از نماز مغرب و دوازده رکعت بعد از نماز عشا. در دهه آخر شبی سی رکعت بخواند. هشت رکعت بعد از نماز مغرب و بیست و دو رکعت بعد از آن و سیصد رکعت باقیمانده را هم در سه شب قدر (۲۳ ــ ۲۱ ــ ۱۹) شبی صد رکعت بخواند که مجموع آن می شود هزار رکعت. بر مؤمنین است از درک فضیلت این نمازها غافل نباشند.(۲)

* خواندن چهار رکعت نماز در شب سیزدهم ماه. در هر رکعت

۱- ۱. «مفاتیح الجنان»، اعمال ماه رمضان.

۲- ۲. همان.

حمد و بیست و پنج مرتبه سوره توحید «قُلْ هُوَ اللّه» خوانده شود.

* خواندن دو رکعت نماز در شب سیزدهم ماه. در هر رکعت بعد از حمد، سوره «یآس، المُلک و توحید را بخواند.

* خوانـدن همین نماز در شب چهاردهم و پانزدهم ماه. منتهی در اوّلی چهار رکعت و در دوّمی شـش رکعت خوانده شود. در روایت می فرمایـد: هر کس این نماز را در این سه شب بخوانـد گناهانش آمرزیـده می شود ولو به عدد قطرهای باران و برگ درختان و ریگ بیابان باشد.

* در شب پانزدهم صد رکعت نماز بخواند. در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره توحید خوانده شود. از حضرت علی علیه السـلام نقل شده که: «هر کس این عمل را انجام دهد خداوند ده فرشـته می فرسـتد تا دشمنان را از او دور نمایند و سی فرشته هنگام مرگ می فرستد که او را از آتش (و عذاب) حفظ نمایند».(۱)

* در شـب آخر مـاه ده رکعت نمـاز خوانـده شـود و در هر رکعت بعـد از حمـد ده مرتبه (قُـلْ هُـوَ اللّه)، و در رکـوع ده مرتبه «سُبْحَانَ اللّه ِوَالْحَمْدُ للّه ِوَلاَ اِلَهَ اِلاَّ اللّه وَاللّه اَکْبَرُ» بگوید. بعد از سلام نماز هم هزار مرتبه «یَاحَیُّ یَا قَیُّومُ یَا ذَا الْجَلاَلِ وَالاِکْرَامِ یَا رَحْمنَ الدُّنْیا وَالآخِرَهِ وَرَحِیمَهُما یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ یَا اِلَهَ الاَوَّلِینَ وَالآخِرینَ، اِغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَتَقَبَّلْ مِنَّا صَلَوتَنَا وَصِیَامَنَا وَقِیَامَنَا».

پیامبر خدا صـلی الله علیه و آله وسـلم فرمود: چنین شخصـی سـر از سـجده برندارد مگر اینکه خداوند «اعمال» ماه رمضان او را قبول فرماید و از

۱- ۱. همان.

گناهانش بگذرد.(۱)

* نمازهایی مخصوص هر شب از ماه رمضان وارد شده است که هر کدام دارای فضیلت و پاداشی عظیم است. طالبین می توانند کیفیت خواندن این نمازها را در مفاتیح الجنان و بحارالانوار(۲) و کتب مربوطه مطالعه نمایند و سزاوار است در صورت امکان به خواندن آنها همّت نمایند.

اعمال دیگر ماه رمضان

* ذکر و دعا ــ در این ماه دعا و صلوات و استغفار بسیار باید نمود و ذکر «لَا اِلَهَ اِلّا اللّه» را بسیار باید گفت. روایت شده است که امام سجّاد علیه السلام در ماه رمضان (تا می توانست) تکلّم نمی کرد مگر به دعا و ذکر خدا (از «سبحان اللّه» و «اللّه اکبر») و استغفار.

آداب افطار

الف: روزه خود را با غذای حلال افطار کند. بهتر است با خرما افطار کند که ثواب نمازش چهارصد برابر می شود.

ب: هنگام افطار این دعا را بخواند: «اَللَّهُمَّ لَکَ صُمْتُ وَعَلَی رِزْقِکَ اَفْطَرْتُ وَعَلَیْکَ تَوَکَّلْتُ» اگر این دعا را بخواند خداوند به او ثواب روزه داران آن روز را عنایت می فرماید.

ص: ۲۱۸

۱- ۱. «مفاتیح الجنان»، اعمال ماه رمضان.

۲- ۲. «بحار الانوار»، ج۹۷، ص ۳۸۱.

ج: در لقمه اوّل بگوید: «بِسْمِ اللّه ِ الرَّحْمَنِ الرَّحیم یَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَهِ اِغْفِرْ لِی» تا خداوند او را بیامرزد.

در روایت می فرماید: «آخر هر روز ماه رمضان خداوند هزار هزار نفر را از آتش جهنّم آزاد می کند. از خدا بخواه که ترا از آنها قرار دهد».

د: در وقت افطار سوره قدر (اِنَّا اَنْزَلْنا)، را بخواند. «خواندن هزار مرتبه سوره قدر در هر شب ماه رمضان در روایت نقل شده است».

صدقه و افطاری دادن در ماه رمضان

۱_ قالَ رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله وسلم : تَصَدَّقُوا عَلَی فُقَرَاءِکُمْ وَمَسَاکِینِکُمْ.(۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: (در ماه رمضان) صدقه بدهید به فقرا و مساکین (انسان های نیازمند).

۲_ قَالَ رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله وسلم : مَنْ فَطَّرَ مِنْکُمْ صَائِما مُؤْمِنا فِی هَذَا الشَّهْرِ کَانَ لَهُ بِذَلِکَ عِنْدَ اللّه ِ (عَزَّ وَجَلَّ) عِتْقُ رَقَبَهٍ وَمَغْفِرَهٌ لِمَا مَضَی مِنْ ذُنُوبِهِ.(۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: کسی که (در این ماه) روزه دار مؤمنی را افطاری دهد همانند این است که «بنده ای» را در راه خدا آزاد کرده باشد، (و این عمل او) باعث آمرزش گناهان گذشته او خواهد بود.

۱- ۱. «عیون اخبار الرّضا»، ج ۱، ص ۲۹۶ _ ۲۵۹.

۲- ۲. همان.

۳ـ قَالَ رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله وسلم : اِتَّقُوا النَّارَ وَلَوْ بِشِقِّ تَمْرَهٍ، اِتَّقُوا النّارَ وَلَوْ بِشَرْبَهٍ مِنْ مَاءٍ.(۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: خود را از آتش «جهنّم» دور کنید «با افطاری دادن» گرچه با نصف خرما و شربتی از آب باشد.

آداب سحر ماه رمضان

الف: سحری خوردن. و لو بسیار کم مثل خوردن یک دانه خرما و یا آشامیدن جرعه ای آب. در روایت می فرماید: پروردگار متعال و فرشتگان صلوات و درود می فرستند بر کسانی که در سحرها، استغفار می کنند و سحری می خورند.

ب: خوانـدن سوره قـدر (اِنَّا اَنْزَلْنا). هر کس هنگام افطار و سحری خوردن این سوره را بخوانـد (در فاصـله زمانی) بین افطار و سحر برای او ثواب شهید در راه خدا را می نویسند.

ج: خواندن دعای سحر (اَللَّهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ مِنْ بَهَائِکَ بِاَبْهَاهُ) تا آخر که امام رضا علیه السلام فرمود: حضرت باقر علیه السلام در سحرهای ماه رمضان این دعا را می خواند.

خواندن دعای ابوحمزه ثمالی که از دعاهای بسیار عالی است و امام سجّاد علیه السلام در سحر ماه رمضان آن را می خواند. بر ما است که از خواندن این دعای شریف غفلت نکنیم.

د: خواندن نافله شب و پرداختن به عبادت در هنگام سحر.

۱- ۱. همان.

متأسفانه عامه مردم از این امر مهم غفلت می نمایند و تمام همّ آنها از بیدار شدن هنگام سحر، خوردن سحری می باشد. در اینجا چند روایت در رابطه با اهمیت شب زنده داری و اقامه نماز شب ذکر می نمائیم.(۱)

۱_ قَالَ رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله وسلم : صَلاَةُ اللَّیْلِ نُورٌ.(۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: نماز شب (باعث) روشنایی (دل انسان) است.

۲_ قَالَ رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله وسلم : یَا عَلِیُّ عَلَیْکَ بِصَلَوهِ اللَّیْلِ، عَلَیْکَ بِصَلَوهِ اللَّیْلِ، عَلَیْکَ بِصَلَوهِ اللَّیْلِ، عَلَیْکَ بِصَلَوهِ اللَّیْلِ.(۳)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم به علی علیه السلام فرمود: «مواظبت کن» بر خواندن نماز شب. (و این فرمایش را چهار مرتبه تکرار فرمود).

۳_ قَالَ رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله وسلم : رَحِمَ اللّه ُ رَجُلاً قَامَ مِنَ اللَّیْلِ فَصَلَّی وَایْقَظَ اِمْرَأَتَهُ فَصَلَّتْ.(۴)

رسو خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: رحمت خدا بر آن مردی باد که خود برای نماز شب برخیزد و همسرش را هم برای نماز شب بیدار کند.

۴_ قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام : صَلاَةُ اللَّیْلِ تُبَیِّضُ الْوَجْهَ، ... وَصَلاةُ اللَّیْلِ تَجْلِبُ الرِّزْقَ.(۵)

ص: ۲۲۱

۱- ۱. «مفاتیح الجنان»، اعمال ماه رمضان.

۲- ۲. «بحار الانوار»، ج۴۱، ص۱۷.

۳- ۳. «همان»، ج۷۴، ص۳۵۲.

۴- ۴. «سنن بیهقی»، ج۲، ص۷۰، خ۱۴۵۰.

۵- ۵. «علل الشرایع»، ص۳۶۳.

امام صادق علیه السلام فرمود: نماز شب (باعث) نورانی شدن صورت و جلب (ازدیاد) شدن روزی می باشد.

۵ـ قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام : صَلاَةُ الْمُؤْمِنِ بِاللَّیْلِ تَذْهَبُ بِمَا عَمِلَ مِنْ ذَنْبٍ بِالنَّهَارِ.(۱)

امام صادق علیه السلام فرمود: نماز شب مؤمن گناهان روز او را از بین می برد.

۶ـ قَالَ رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله وسلم : اِنَّ اللّه َ یُحِبُّ... صَوْتَ قَارِئِ الْقُرْآنِ وَصَوْتَ الَّذِینَ یَسْتَغْفِرُونَ بِالاَسْحَارِ.(۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: پروردگار متعال دوست دارد صدای کسی را که قرآن می خواند و صدای کسانی را که سحرگاهان استغفار می کنند.

۷ـ قَالَ صلی الله علیه و آله وسلم : ثَلاَثَةٌ مَعْصُومُونَ مِنْ اِبْلِیسَ وَجُنُودِهِ: أَلذَّاکِرُونَ اللّه ِ، وَالْبَاکُونَ مِنْ خَشْیَهِ اللّه ِ، وَالْمُسْتَغْفِرُونَ بِالاَسْحَارِ.(۳)

آنان که (همیشه) به یاد خدا هستند، و کسانی که (از خوف خدا) گریانند و استغفار کنندگان در سحرگاهان از (وسوسه های) ابلیس و لشکریان او محفوظ خواهند بود.

۸ـ قَالَ لُقْمَانُ لابْنِهِ: یَابُنَیَّ! لاَ یَکُونُ الدِّیکُ اَکْیَسَ مِنْکَ، یَقُومُ فِی وَقْتِ السَّحَرِ وَیَسْتَغْفِرُ، وَاَنْتَ نَائِمٌ!(۴)

ص: ۲۲۲

۱- ۱. «بحار الانوار»، ج۸۳، ص۱۲۶.

۲- ۲. «مستدرک الوسائل»، ج۲، ص۳۵۱.

۳- ۳. همان.

۴- ۴. همان.

لقمان به پسرش فرمود: پسر جان! مبادا خروس (سحری) از تو زیرکتر باشد (و او سحرگاه بیدار باشد و به زبان خود) استغفار کند در حالی که تو خواب باشی!

شب قدر

الف: فضیلت شبهای قدر

* قَالَ رَسُولُ اللّه ِصلى الله عليه و آله وسلم : اِنَّ اللّه َاخْتَارَ مِنَ الاَيَّامِ الْجُمُعَهَ وَمِنَ الشُّهُورِ شَهْرَ رَمَضَانَ وَمِنَ اللَّيَالِى لَيْلَهَ الْقَدْرِ.(۱)

رسول خدا صلى الله عليه و آله وسلم فرمود: همانا خداوند از میان روزها جمعه را و از بین ماهها ماه رمضان را و از میان شبها شب قدر را برگزید.

* قَالَ الْبَاقِرُ عليه السلام : نَهَى رَسُولُ اللّه ِصلى الله عليه و آله وسلم اَنْ تُغْفَلَ عَنْ لَيْلَهِ اِحْدَى وَعِشْرِينَ وَلَيْلَهِ ثَلاَثَ وَعِشْرِينَ اَوْ يَنَامَ اَحَدٌ تِلْكَ اللَّيْلَهَ.(۲)

امام باقر عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه و آله وسلم «مردم را» از بی توجهی و غفلت از (شب زنده داری و عبادت در) شب ۲۱ و۲۳ ماه رمضان؛ و از خوابیدن در شب قدر نهی می فرمود.

* قَالَتْ فَاطِمَه عليهاالسلام : مَحْرُومٌ مَنْ حُرِمَ خَيْرَهَا.(۳)

حضرت زهرا عليهاالسلام فرمود: از رحمت خدا محروم است کسی که از خیر (و رحمت) شب قدر محروم شود.

۱- ۱. «بحار الانوار»، ج۹۷، ص۷.

۲- ۲. همان.

۳- ۳. «همان»، ج۹۷، ص ۱۰.

* قَالَ الْبَاقِرُ علیه السلام : الْعَمَلُ الصَّالِحُ فِيهَا مِنَ الصَّلَاهِ وَالزَّكَاهِ وَاَنْوَاعِ الْخَيْرِ، خَيْرٌ مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ لَيْسَ فِيهَا لَيْلَهُ الْقَدْرِ.(۱)

امام باقر علیه السلام فرمود: انجام دادن عمل صالح در شب قدر (مثل نماز و زکات و انواع کارهای خیر) بهتر است از (انجام آن عمل) در هزار ماهی که شب قدر در آن نباشد.

* قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام : صَبِيحَهُ يَوْمِ لَيْلَهِ الْقَدْرِ مِثْلُ لَيْلَهِ الْقَدْرِ فَاعْمَلْ وَاجْتَهِدْ.(۲)

امام صادق علیه السلام فرمود: (روز بعد از) شب قدر هم (در فضیلت) همانند شب قدر است پس (در آن) عمل صالح انجام بده و (در عبادت خدا) بکوش.

ب: سیره اهل بیت علیهم السلام در شب قدر

۱ــ قَالَ عَلِيٌّ علیه السلام : اِنَّ رَسُولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله وسلم كَانَ يَطْوِى فِرَاشَهُ وَيَشُدُّ مِئْزَرَهُ فِى الْعَشْرِ الاخِرِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَكَانَ يُوقِظُ اَهْلَهُ لَيْلَهَ ثَلاثٍ وَعِشْرِينَ.(۳)

علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در دهه آخر ماه رمضان «بستر استراحت» خود را جمع کرده «و آماده عبادت شبانه می شدند» و خانواده خود را هم «در شب بیست و سوّم ماه» امر به بیداری «و عبادت» می فرمودند.

۲ــ كَانَ اَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام اِذَا كَانَتْ لَيْلَهُ اِحْدَى وَعِشْرِينَ وَثَلَاثَ

۱- ۱. «الوسائل»، ج۷، ص۲۵۶.
۲- ۲. «بحار الانوار»، ج۹۷، ص۱۱.
۳- ۳. «همان»، ج۹۷، ص۱۰.

وَعِشْرِینَ اَخَذَ فِی الدُّعَاءِ حَتَّی یَزُولَ اللَّیْلُ.(۱)

همیشه امام باقر علیه السلام تمام شب بیست و یکم و بیست و سوّم ماه رمضان را، تا طلوع صبح مشغول به دعا (و راز و نیاز با خدا) بود.

ج: اعمال مشترک شب قدر

۱ــ غسل شب های قدر که بهتر است نزدیک غروب آفتاب آنها را انجام دهند و نماز مغرب را با غسل بخوانند. البتّه برای نماز باید وضو هم بگیرند.

۲ــ در هر شب قدر دو رکعت نماز بخوانند و در هر رکعت بعد از حمد هفت مرتبه سوره توحید (قُلْ هُوَ اللّه) خوانده شود و بعد از نماز، هفتاد مرتبه «اَسْتَغْفِرُ اللّه َوَاَتُوبُ اِلَیْهِ» بگوید.

در حدیث است: از جای خود بلند نشود (کسی که این نماز را بخواند) مگر اینکه خدا، او و پدر و مادرش را بیامرزد.

۳ــ قرآن بر سر گرفتن، به کیفیتی که در مفاتیح بیان شده است.

۴ــ احیا و شب زنده داری و عبادت در این شب ها که جهت توجّه و اهمیت بیشتر چند روایت را در این رابطه ذکر می نماییم.

* روایت شده که هر کس احیا کند شب قدر را (به عبادت و دعا) گناهانش آمرزیده شود ولو به تعداد ستارگان آسمان و به سنگینی کوهها و به وزن «آب» دریاها باشد.(۲)

۱- ۱. «بحار الانوار»، ج۹۷، ص۱۶.

۲- ۲. «اقبال الاعمال»، سید ابن طاووس، ص۱۸۶.

* قَالَ رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله وسلم : مَنْ اَحْیَی لَیْلَهَ الْقَدْرِ حُوِّلَ عَنْهُ الْعَذَابُ اِلَی السَّنَهِ الْقَابِلَهِ.(۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: کسی که «شب زنده داری کند» در شب قدر، تا سال آینده عذاب از او برداشته می شود.

۵_ زیارت امام حسین علیه السلام (زیارت مخصوص شب های قدر).

* در روایت است که شب قدر از آسمان هفتم و عرش الهی ندا می رسد که خداوند آمرزید کسی را که به زیارت قبر امام حسین علیه السلام آمده باشد.(۲)

*قَالَ الْجَوَادُ علیه السلام : مَنْ زَارَ الْحُسَیْنَ علیه السلام لَیْلَهَ ثَلَ_ثَ وَعِشْرِینَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ... صَافَحَهُ رُوحُ اَرْبَعَهَ وَعِشْرِینَ اَلْفَ مَلَکٍ وَنَبِیٍّ کفلِّهمْ یَسْتأْذِنُ اللّه ِفِی زِیَارَهِ الْحُسَیْنِ علیه السلام فِی تِلْکَ اللَّیْلَهِ.(۳)

امام جواد علیه السلام فرمود: کسی که امام حسین علیه السلام را (شب بیست و سوّم ماه رمضان) زیارت کند (به دیدار او می آیند) بیست و چهار هزار فرشته و پیامبری که در آن شب (به اذن پروردگار) به زیارت امام حسین علیه السلام آمده اند.

* امام صادق علیه السلام می فرماید: هر کس قبر امام حسین علیه السلام را در ماه رمضان زیارت کند و در راه زیارت بمیرد، برای او حسابی نخواهد بود به او گفته می شود: «داخل بهشت شو بدون هیچ

۱- ۱. «همان»، «اعمال شب نوزدهم»، ص۱۸۶.

۲- ۲. «همان»، سید ابن طاووس، ص۲۱۲.

۳- ۳. «همان»، ص۲۱۳.

خوف و ترسی.»(۱)

۶_ علّامه مجلسی می فرماید: بهترین اعمال در این شبها طلب آمرزش و دعا برای دنیا و آخرت خود و پدر و مادر و خویشان و برادران مؤمن می باشد و گفتن ذکر و صلوات هر چه که بتواند.(۲)

۷_ خواندن صد رکعت نماز، که بهتر است در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره توحید (قُلْ هُوَ اللّه) بخواند.(۳)

د: اعمال مخصوص شبهای قدر

شب نوزدهم

۱_ صد مرتبه: «اَسْتَغْفِرُ اللّه َ رَبِّی وَاَتُوبُ اِلَیْهِ» بگویند.

۲_ صد مرتبه بگویند: «اَللَّهُمَّ الْعَنْ قَتَلَه اَمِیرِ الْمُؤمِنِینَ علیه السلام ».

۳_ دعای مخصوص این شب (در مفاتیح الجنان) را بخوانند.

شب بیست و یکم

۱_ در این شب که فضیلت آن از شب نوزدهم بیشتر است، همان اعمال شبهای قدر را انجام دهند و در عبادت و احیای آن کوشش نمایند. احیای آن به مذاکره و مباحثه های علمی بهتر است.

۲_ از این شب شروع کند به خواندن دعاهای مخصوص

۱- ۱. «مفاتیح الجنان»، زیارت امام حسین علیه السلام در شب قدر.

۲- ۲. «مفاتیح الجنان»، اعمال شب قدر.

۳- ۳. «همان».

شبهای دهه آخر ماه رمضان که در مفاتیح ذکر شده است.

شب بیست و سوّم

۱ـ سوره های «عنکبوت» و «روم» و «دخان» را بخواند.

۲ـ سوره قدر (اِنّٰا اَنْزَلْنٰا) را هزار مرتبه بخواند.

۳ـ دعای «اَللّٰهُمَّ کُنْ لِوَلِیِّکَ» را تا آخر در تمام حالات تکرار نماید.

۴ـ دعاهای مخصوص شب بیست و سوّم را بخواند.

۵ـ هر مقدار از قرآن را که می تواند بخواند و دعاهای صحیفه سجّادیّه را مخصوصا دعای «مکارم الاخلاق» و دعای «توبه» خوانده شود.

لازم به ذکر است که اهل بیت علیهم السلام به شب بیست و سوّم ماه رمضان عنایت خاصّی داشتند و احتمال دارد که شب قدر همین شب باشد. چنانچه حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم به شخصی که از قبیله (جُهَنْ) بود احیا و عبادت این شب را معین فرمود. بنابراین نباید از این شب با عظمت غفلت کرد و هر سه شب قدر «مخصوصا» این شب را باید به عبادت و استغفار و دعا سپری نمود.

درباره این شب در روایت است که: قَالَ الْبَاقِرُ علیه السلام مَنْ اَحْیَا لَیْلَهَ ثَلَاثَ وَعِشْرِینَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَصَلَّی فِیهَا مِأَهَ رَکْعَهٍ وَسَّعَ اللّه ُعَلَیْهِ مَعِیشَتَهُ فِی الدُّنْیَا وَکَفَاهُ اَمْرَ مَنْ یُعَادِیهِ وَاَعَاذَهُ مِنَ الْغَرْقِ وَالْهَدْمِ وَالشَّرْقِ وَمِنْ شَرِّ السِّبَاعِ وَرَفَعَ عَنْهُ هَوْلَ مُنْکَرٍ وَنَکِیرٍ وَخَرَجَ مِن قَبْرِهِ

وَنُورُهُ يَتَلأْلأُ لأَهْلِ الْجَمْعِ وَيُعْطَى كِتَابُهُ بِيَمينِهِ... .(۱)

امام باقر علیه السلام فرمود: کسی که (شب زنده داری کند) در شب بیست و سوّم ماه رمضان و صد رکعت نماز بخواند (به شرط صحت اعمال و عقاید دیگرش) خداوند به زندگی او وسعت عنایت می فرماید و شرّ دشمنانش را کفایت می کند و او را از «مرگ نابهنگام» نجات می دهد، و ترس از منکر و نکیر (دو فرشته سؤال قبر) را از او برمی دارد و بیرون می آید از قبرش در حالی که نور (چهره اش) بر اهل قیامت پرتو افکنی می نماید. و نامه عملش را به دست راستش خواهند داد... .

دعای شب بست و هفتم

* در شب بیست و هفتم ماه رمضان امام سجّاد علیه السلام از اوّل شب تا آخر شب این دعا را می خواند:

اَللَّهُمَّ ارْزُقْنی التَّجَافِيَ عَنْ دَارِ الْغُرُورِ وَالاِنَابَهَ اِلَی دَارِ الْخُلُودِ وَالاِسْتِعْدَادَ لِلْمَوْتِ قَبْلَ حُلُولِ الْفَوْتِ:

«پروردگارا دوری گزیدن از خانه فریب (دنیا) را روزی من فرما، و بازگشت به سوی خانه جاویدان (آخرت) و آمادگی برای مرگ را پیش از فرارسیدنش روزی من گردان».(۲)

ص: ۲۲۹

۱- ۱. «اقبال الاعمال»، ص۲۱۴.

۲- ۲. «مفاتیح الجنان»، اعمال شب ۲۷ ماه رمضان.

اعمال شب آخر ماه رمضان

* غسل در این شب مستحب است.

* زیارت امام حسین علیه السلام .

*خواندن سوره «انعام» و «کهف» و «یآس» و گفتن صد مرتبه: «اَسْتَغْفِرُ اللّه َ رَبِّی وَاَتُوبُ اِلَیْهِ».

* خواندن دعای مخصوص این شب که در مفاتیح الجنان ذکر شده است.

* خواندن دعای وادع که دعای چهل و پنجم صحیفه بهترین دعای وداع است، ولی دعای مختصر آن این است که بگوید: اَللَّهُمَّ لاَ تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ صِیَامِنَا اِیَّاهُ، فَاِنْ جَعَلْتَهُ فَاجْعَلْنِی مَرْحُوما وَلاَ تَجْعَلْنِی مَحْرُوماً. هر کس این دعا را بخواند یا زنده ماند و به ماه رمضان آینده می رسد و یا اگر مرگش فرا رسید مورد آمرزش و رحمت بی پایان الهی قرار می گیرد.(1)

* ده رکعت نماز بخواند. در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه (قُلْ هُوَ اللّه ُ) خوانده شود و در رکوع و سجده ده مرتبه: «سُبْحَانَ اللّه ِ وَالْحَمْدُ للّه ِ وَلاَ اِلَهَ اِلاَّ اللّه ُ وَاللّه ُ اَکْبَرُ.» بعد از خواندن ده رکعت هزار مرتبه (اَسْتَغْفِرُ اللّه َ وَاَتُوبُ اِلَیْهِ) بگوید. بعد از آن به سجده برود و بگوید: یَا حَیُّ یَا قیّوم یَا ذَا الْجَلاَلِ وَالاِکْرَام یَا رَحْمَنَ الدُّنْیَا وَالآخِرَهِ وَرَحِیمَهُمَا یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ یَا اِلَهَ الاَوَّلِینَ وَالآخِرِینَ اِغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَتَقَبَّلْ مِنَّا صَلوتَنَا وَصِیَامَنَا وَقِیَامَنَا.

۱- ۱. «اقبال الاعمال»، ص۲۴۳.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: سر از سجده برندارد مگر اینکه خداوند او را بیامرزد و «اعمال» ماه رمضان او را قبول کند و از گناهانش بگذرد.(۱)

* درباره فضیلت شب آخر ماه رمضان امام سجّاد علیه السلام می فرماید: اِنَّ للّه ِ (تَعالی) فِی کُلِّ لَیْلَهٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ عِنْدَ الاِفْطَارِ سَبْعِینَ اَلْفَ اَلْفَ عَتِیقٍ مِنَ النَّارِ... فَاِذَا کَانَ آخِرُ لَیْلَهٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ اُعْتِقَ فِیهَا مِثْلُ مَا اُعْتِقَ فِی جَمِیعِهِ.(۲)

امام سجّاد علیه السلام می فرماید: همانا خداوند متعال در هر شب ماه رمضان هفتاد هزار هزار «گنهکار» را از (جهنّم) آزاد می کند. سپس در شب آخر ماه رمضان به تعداد آزادشدگان در تمام ماه را از آتش دوزخ آزاد می نماید.

روز آخر ماه

* دعای روز آخر را که در صحیفه سجّادیه آمده بخوانند. دعای مختصر آن روز این است:

سُبْحانَ اللّه ِ رَبِّ السَّموَاتِ وَالاَرْضِ، جَاعِلِ الْملآئِکَهِ رُسُلاً اُولِی اَجْنِحَهٍ مَثْنَی وَثُلَثَ وَرُبَاعَ، یَزِیدُ فِی الْخَلْقِ مَا یَشَاءُ، اِنَّ اللّه َ عَلَی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ، مَا یَفْتَحِ اللّه ُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَهٍ فَلاَ مُمْسِکَ لَهَا وَمَا یُمْسِکُ فَلاَ مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ، سُبْحَانَ اللّه ِ بَارِئِ النَّسَمِ، سُبْحَانَ اللّه ِ الْمُصَوِّرِ، سُبْحَانَ اللّه ِ خَالِقِ الاَزْوَاجِ کُلِّهَا، سُبْحَانَ اللّه ِ جَاعِلِ

۱- ۱. «اقبال الاعمال»، ص ۲۴۱.

۲- ۲. «همان»، ص ۲۶۱.

الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ، سُبْحَانَ اللّه ِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوی، سُبْحَانَ اللّه ِ خَالِقِ کُلِّ شَیْ ءٍ سُبْحَانَ اللّه ِ خَالِقِ مَا یُرَی وَمَا لاَ یُرَی سُبْحَانَ اللّه ِ مِدَادَ کَلِمَاتِهِ، سُبْحَانِ اللّه ِ رَبِّ الْعَالَمِینَ.

این دعا را روز آخر ماه رمضان سه مرتبه بخوانند.(۱)

* چون این روز، برای اکثر مردم روز ختم قرآن است خوانـدن دعای ختم قرآن بسـیار مناسب می باشد. مخصوصا دعای چهل و دوّم صـحیفه سـجّادیه، و دعایی کوتاه در ختم قرآن از علیّ علیه السـلام نقل شـده است که از خواندن آن غفلت نشود و آن این دعـاست: «اَللَّهمَّ اشْـرَحْ بِالْقُرْآنِ صَـدْرِی وَاسْـتَعْمِلْ بِالْقُرآنَ بَـدَنِی وَنَوِّرْ بِالْقُرآنَ بَصَـرِی وَاَطْلِقْ بِالْقُرْآنِ لِسَانِی وَاَعِنِّی عَلَیْهِ مَا اَبْقَیْتَنِی فَاِنَّهُ لاَ حَوْلَ وَلاَ قُوَّهَ اِلاَّ بِکَ.(۲)

و آخر دعوانا ان الحمد للّه ربّ العالمین.

ص: ۲۳۲

۱- ۱. «اقبال الاعمال»، ص۲۶۲.

۲- ۲. «مفاتیح الجنان»، اعمال روز آخر ماه رمضان.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹